

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مشروح مذاکرات شورای نگهبان

سال ۱۳۹۲

بخش اول

(فروردین تا شهریور)

پژوهشگاه شورای نگهبان

سرشناسه: جمعی از پژوهشگران
عنوان و نام پدیدآور: مشروح مذاکرات شورای نگهبان، سال ۱۳۹۲، بخش اول (فروردین تا شهریور) /
تحقیق و تنقیح جمعی از پژوهشگران.
مشخصات ناشر: تهران: شورای نگهبان، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۵.
ISBN : 978-600-8378-04-4
۱۳۴ ص.؛ ۲۲ × ۲۹ س.م.
وضعیت فهرست نویسی: فیا
یادداشت: نمایه.
موضوع: شورای نگهبان -- صورت مذاکرات
موضوع: Shoraye negahban -- Publication of proceeding
رده بندی کنگره: ۱۳۹۲ م۹ش/ KMH۲۵۱۲
رده بندی دیویی: ۳۴۹/۵۵۰۵
شماره کتابشناسی ملی: ۴۴۵۱۴۶۱

مشروح مذاکرات شورای نگهبان سال ۱۳۹۲ بخش اول (فروردین تا شهریور)

تحقیق و تنقیح: جمعی از پژوهشگران به ترتیب حروف الفبا:

حسن افراسیابی، عمار امیری آرانی، محمدحسن باقری، محمدبرزگر خسروی، عباس حسن خانی، سعید رحمانیان، علی زمانیان
جهرمی، حمیدرضا صادقیان، سید محسن طاهری، حسین فاتحی زاده، کاظم کوهی اصفهانی و فهیم مصطفی زاده
پیاده سازی و تنظیم: سید حامد چاوشی، محمدحسن سامع، علیرضا صحت قول نیکی، یاسر مجاهد، رضا نادى زاده و سعید همّت یار

ناشر: پژوهشکده شورای نگهبان

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۵ - تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۷۸-۰۴-۴

قیمت: ۸۵۰۰۰ تومان

تهران، خیابان شهید سپهبد قرنی، کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲

فکس: ۰۲۱- ۸۸۳۲۵۰۸۰

تلفن: ۰۲۱- ۸۸۳۲۵۰۴۵

www.shora-rc.ir

nashr@shora-rc.ir

مشروح مذاکرات جلسه ۱۳۹۲/۵/۲۳

مشتمل بر موضوعات زیر:

- ۱) لایحه اصلاح قانون نظام صنفی کشور
- ۲) اصلاح اساسنامه شرکت توسعه کاربرد پرتوها
- ۳) اصلاح اساسنامه شرکت فناوری‌های پیشرفته ایران
- ۴) اصلاح اساسنامه شرکت مادر تخصصی تولید و توسعه انرژی اتمی ایران
- ۵) اصلاح اساسنامه شرکت مادر تخصصی تولید مواد اولیه و سوخت هسته‌ای ایران
- ۶) اصلاح اساسنامه سازمان مجری ساختمان‌ها و تأسیسات دولتی و عمومی
- ۷) اصلاح اساسنامه نمونه شرکت‌های عمران شهر جدید (شهرک‌های زیرمجموعه)
- ۸) اساسنامه شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت

«ماده ۱۵- تبصره (۳) ماده (۲۶) قانون^۲ به شرح زیر اصلاح می‌شود: تبصره ۳- برای صنفی که تعداد آنها به حد نصاب لازم برای تشکیل اتحادیه نرسیده است یا فاقد اتحادیه‌اند، ارائه پروانه کسب و سایر امور صنفی از طریق اتحادیه همگن یا اتاق اصناف شهرستان مربوط، بنا به تشخیص کمیسیون نظارت صورت می‌گیرد.»

ماده ۱۶- ماده (۲۷) قانون^۳ به شرح زیر اصلاح و دو تبصره به‌عنوان تبصره‌های (۴) و (۵) به آن الحاق می‌شود:

ماده ۲۷- محل دایر شده به وسیله هر شخص حقیقی یا حقوقی که پروانه کسب برای آن صادر نشده است، با درخواست اتحادیه و تأیید اتاق اصناف شهرستان توسط نیروی انتظامی پلمپ می‌شود.»

آقایان فرمایشی ندارند؟

آقای شب‌زنده‌دار - من عبارتی را که اعضای مجمع مشورتی فقهی قم فرموده‌اند، عرض می‌کنم: «نظر بعضی از اعضاء این بود

۲. ماده (۲۶) قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴: «ماده ۲۶- هرگاه شخصی بخواهد فعالیت صنفی را آغاز کند، ابتدا باید به اتحادیه ذی‌ربط مراجعه و تقاضای کتبی خود را تسلیم و رسید دریافت دارد. اتحادیه مکلف است در چارچوب مقررات نظر خود را مبنی بر رد یا قبول تقاضا حداکثر ظرف پانزده روز با احتساب ایام غیرتعطیل رسمی به صورت کتبی به متقاضی اعلام کند. عدم اعلام نظر در مدت یادشده به منزله پذیرش تقاضا محسوب می‌گردد. در صورت قبول تقاضا توسط اتحادیه، متقاضی باید از آن تاریخ ظرف حداکثر سه ماه مدارک مورد نیاز اتحادیه را تکمیل کند و به اتحادیه تسلیم دارد. در غیر این صورت متقاضی جدید محسوب خواهد گردید. اتحادیه موظف است پس از دریافت تمام مدارک لازم و با رعایت ضوابط، ظرف پانزده روز نسبت به صدور پروانه کسب و تسلیم آن به متقاضی اقدام کند. همچنین متقاضی پروانه کسب موظف است از تاریخ دریافت پروانه کسب ظرف شش ماه نسبت به افتتاح محل کسب اقدام کند.

تبصره ۱- ...

تبصره ۳- برای صنفی که تعداد آنها به حد نصاب نرسیده است، یا فاقد اتحادیه هستند، پروانه کسب از طریق اتحادیه همگن، بنا به تشخیص کمیسیون نظارت صادر خواهد شد.

تبصره ۴- ...

۳. ماده (۲۷) قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴: «ماده ۲۷- محل دایر شده به وسیله هر شخص حقیقی یا حقوقی که پروانه کسب دائم یا موقت برای آن صادر نشده باشد، با اعلام اتحادیه رأساً از طریق نیروی انتظامی پلمپ می‌گردد.

تبصره ۱- قبل از پلمب محل دایر شده، از ده تا بیست روز به دایرکننده مهلت داده می‌شود تا کالاهای موجود در محل را تخلیه کند.

تبصره ۲- کسانی که پلمب یا لاک و مهر محل‌های تعطیل شده در اجرای این قانون را بشکنند و محل‌های مزبور را به نحوی از انحاء برای کسب مورد استفاده قرار دهند، به مجازات‌های مقرر در قانون مجازات اسلامی محکوم خواهند شد.

تبصره ۳- پرداخت عوارض توسط اشخاص موضوع این ماده موجب احراز هیچ‌یک از حقوق صنفی نخواهد شد.»

تلاوت آیاتی از کلام‌الله مجید

لایحه اصلاح قانون نظام صنفی کشور

آقای علیزاده - بسم الله الرحمن الرحيم

ادامه‌ی بررسی «لایحه اصلاح قانون نظام صنفی کشور»^۱

۱. لایحه اصلاح قانون نظام صنفی کشور بنا به پیشنهاد وزارت بازرگانی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۸۸/۱۲/۹ به تصویب هیئت وزیران رسید و طی نامه‌ی شماره ۳۷۸۷۶/۱۲۹۹۹ مورخ ۱۳۸۹/۱/۲۳ به مجلس شورای اسلامی تقدیم شد. این لایحه پس از طی مراحل بررسی در کمیسیون‌های تخصصی مجلس، سرانجام در جلسه‌ی علنی مورخ ۱۳۹۲/۵/۱ به تصویب نمایندگان مجلس شورای اسلامی رسید و مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۹/۲۸۵۵۷ مورخ ۱۳۹۲/۵/۹ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسات مورخ ۱۳۹۲/۵/۱۶، ۱۳۹۲/۵/۲۳ و ۱۳۹۲/۵/۳۰، نظر خود مبنی بر وجود ابهام در مصوبه و مغایرت برخی از مواد آن با قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۱۵۵۵ مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۹ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. نمایندگان برای تأمین نظر شورا، بار دیگر در جلسه‌ی علنی مورخ ۱۳۹۲/۶/۱۲ مصوبه‌ی مزبور را اصلاح و طی نامه‌ی شماره‌ی ۵۹/۳۵۶۶۶ مورخ ۱۳۹۲/۶/۱۳ برای اظهار نظر به شورای نگهبان ارسال کردند. شورای نگهبان در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۶/۲۰، مصوبه‌ی اصلاحی را مورد بررسی قرار داد و طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۱۷۲۹ مورخ ۱۳۹۲/۶/۲۰، عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

آقای علیزاده - تشخیص آن [= مقصر بودن مسئولین ذی ربط] با کیست؟

آقای شب‌زنده‌دار - یعنی شما می‌فرمایید صاحب واحد صنفی می‌تواند برود و از مسئولان اتحادیه به دیوان عدالت اداری شکایت کند ...

آقای علیزاده - نه، تشخیص اینکه مسئولان اتحادیه مقصرند، با کیست؟ با مأمور انتظامی که نیست. مأمور انتظامی می‌گوید این شخص پروانه‌ی کسب ندارد و اصل بر این است که تخلف کرده و پروانه‌ی کسب را اخذ نکرده است، ولی حالا صاحب واحد صنفی می‌خواهد بگوید من مقصر نیستم. همه جا همین است.

آقای یزدی - حالا اگر کسی بدون پروانه‌ی کسب، مغازه‌ای را باز کند که [اشکالی ندارد].

آقای شب‌زنده‌دار - به حکم اولی که قهراً اشکال ندارد.

آقای علیزاده - البته این ماده برای تمدید پروانه‌ی کسب نیست، بلکه برای ابتدا [= گرفتن پروانه‌ی کسب] است.

آقای شب‌زنده‌دار - بله مربوط به ابتدای کار است.

آقای علیزاده - این ماده می‌گوید صاحب واحد صنفی اول باید برود پروانه‌ی کسب بگیرد و بعد واحد صنفی را باز کند.

آقای سلیمی - بسم الله الرحمن الرحيم

این مصوبه می‌خواهد بگوید بدون اخذ مجوز دایر کردن یک واحد صنفی مجاز نیست و کسی نمی‌تواند قبل از اخذ پروانه‌ی کسب، واحد صنفی دایر کند. پس وقتی پروانه‌ی کسب را اخذ نکرده و واحد صنفی را دایر می‌کند، واحد صنفی را پلمپ می‌کنند. اتحادیه یا پروانه‌ی کسب را به شخص می‌دهد یا نمی‌دهد. مثلاً به من می‌گویند تو که این مدرک را نداری، اجازه نداری در فلان‌جا تدریس کنی؛ ولی من بدون اخذ مجوز می‌روم و کلاس درس دایر می‌کنم. می‌گویند آقا، تو حق نداری بدون مجوز، تدریس دایر کنی. به یکی دیگر هم می‌گویند که قبل از اخذ مجوز، فروشگاه باز نکن، مغازه باز نکن، مرکز دایر نکن و...
آقای یزدی - مثلاً کسی که پزشک است و می‌خواهد مطب باز کند.

آقای سلیمی - پزشک یا هر کس دیگری. علی‌ای‌حال می‌گویند شخص ابتدا باید پروانه‌ی کسب بگیرد و بعد واحد خود را دایر کند. حالا بعضی از آقایان می‌گویند به اطلاق این ماده اشکال وارد است. بعضی از آقایان هم می‌گویند وارد نیست. می‌گویند فرض بفرمایید اتحادیه به یک شخصی می‌گوید تو صلاحیت

که اطلاق پلمپ نمودن در فرضی که عدم صدور پروانه به خاطر مسامحه مسئولین ذی ربط می‌باشد و شخص حقیقی یا حقوقی تقصیر یا قصوری ندارد، خلاف شرع می‌باشد.^۱ چون از عبارت ماده (۲۷) که گفته است «محل دایر شده به وسیله هر شخص حقیقی یا حقوقی که پروانه کسب برای آن صادر نشده است...»، مشخص نمی‌شود چرا پروانه‌ی کسب صادر نشده است. ممکن است صادرکنندگان پروانه‌ی کسب، تقصیر و قصوری داشته باشند. در ادامه‌ی ماده هم که آمده است: «با درخواست اتحادیه و تأیید اتاق اصناف شهرستان توسط نیروی انتظامی پلمپ می‌شود.»

آقای ره‌پیک - ذیل ماده، اطلاق را از بین برده است؛ چون می‌گوید: «... با درخواست اتحادیه و تأیید اتاق اصناف شهرستان توسط نیروی انتظامی پلمپ می‌شود.» یعنی [فرض گرفته شده] قصور و تقصیر از طرف صادرکنندگان پروانه‌ی کسب نبوده است. **آقای علیزاده -** آقایان می‌گویند ممکن است یک وقت خود اتحادیه در صدور پروانه‌ی کسب تعلل کند و بعد واحد صنفی را پلمپ کنند.

آقای ره‌پیک - به هر حال صاحب واحد صنفی باید مجوز را از اتحادیه بگیرد. وقتی که اتحادیه می‌گوید به این شخص پروانه‌ی کسب نمی‌دهیم، دیگر اطلاق ندارد.

آقای اسماعیلی - مرجع صدور پروانه‌ی کسب، اتحادیه است.

آقای علیزاده - با توجه به قانون، اصل بر این است که اتحادیه‌ها به صاحب واحد صنفی، جواز فعالیت می‌دهند، اما بعضی وقت‌ها خود او نمی‌رود جواز بگیرد. در نتیجه نیروی انتظامی با درخواست اتحادیه و تأیید اتاق اصناف شهرستان، واحد صنفی را پلمپ می‌کند. بعد اگر طرف ادعایی داشته باشد، ...

آقای اسماعیلی - می‌رود شکایت می‌کند.

آقای علیزاده - می‌رود شکایت می‌کند و دستور توقف حکم پلمپ را از دادگاه می‌گیرد. صاحب واحد صنفی در دادخواست خود به دیوان عدالت اداری می‌گوید که من در عدم اخذ پروانه‌ی کسب مقصر نیستم؛ پس شما فعلاً دستور موقت صادر کنید تا واحد صنفی باز بماند و بعد هم به دعوی من رسیدگی کنید.

آقای شب‌زنده‌دار - ببینید، اگر اشکال وارد باشد، این جوابش نیست. چون اشکال این است که طبق این ماده به صاحب واحد صنفی ظلم می‌شود. حالا اینکه او می‌تواند تظلم‌خواهی کند، معنایش این نیست که ظلم جایز است.

۱. نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۹۲/ف/۶۳۰، مورخ ۱۳۹۲/۵/۱۶، قابل مشاهده در نشانی: <http://yon.ir/60IO>

اخذ پروانه‌ی کسب را نداری یا به دلایل دیگری پروانه‌ی کسب به او نمی‌دهند.

آقای یزدی - حاکمیت حق دارد که قانون وضع کند و بگوید یک پزشک، دامدار و هر صاحب حرفه‌ی دیگری تا پروانه‌ی کسب نداشته باشد، حق ندارد کار کند. این قانون تصویب شده است.

آقای سلیمی - حالا شخص بدون مجوز رفته و واحد صنفی باز کرده و اتحادیه می‌گوید باید پلمپ بشود.

آقای علیزاده - نانوا هم همین‌طور است. ظاهراً با بحث‌هایی که شد، آقایان دیگر در این خصوص مطلبی ندارند.

«تبصره ۴- در صورت عدم شناسایی یا عدم درخواست پلمپ واحدهای صنفی فاقد پروانه کسب از سوی اتحادیه مربوط، اتاق اصناف شهرستان و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مکلفند واحدهای فاقد پروانه کسب را شناسایی و پلمپ نمایند.

تبصره ۵- در مورد مشاغل خانگی، سایر مشاغل و تعاونی‌های توزیع و مصرف که بر اساس قوانین و مقررات دیگری تشکیل می‌شوند، بر همان اساس عمل می‌شود.

ماده ۱۷- یک تبصره به شرح زیر به‌عنوان تبصره (۴) به ماده (۲۸) قانون^۱

۱. ماده (۲۸) قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴: «ماده ۲۸- واحد صنفی تنها در موارد زیر پس از گذراندن مراحل مندرج در آیین‌نامه‌ای که به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید، به طور موقت از یک هفته تا شش ماه تعطیل می‌گردد:

الف- اشتغال به شغل یا مشاغل دیگر در محل کسب، غیر از آنچه در پروانه کسب قید گردیده یا کمیسیون نظارت مجاز شمرده است.
ب- تعطیل محل کسب بدون دلیل موجه حداقل به مدت پانزده روز برای آن دسته از صنوفی که به تشخیص هیئت عالی نظارت موجب عسر و حرج برای مصرف‌کننده می‌شود.

تبصره- تشخیص موجه بودن دلیل با مجمع امور صنفی است.
ج- عدم پرداخت حق عضویت به اتحادیه بر اساس ضوابطی که در آیین‌نامه مصوب کمیسیون نظارت تعیین شده است.

د- عدم اجرای مصوبات و دستورات قانونی هیئت عالی و کمیسیون نظارت که به وسیله اتحادیه‌ها به واحدهای صنفی ابلاغ شده است.

تبصره- تشخیص عدم اجرا بر عهده مجمع امور صنفی است.
ه- عدم اجرای تکالیف واحدهای صنفی به موجب این قانون.

تبصره ۱- تعطیل موقت واحد صنفی با اعلام اتحادیه، رأساً از طریق نیروی انتظامی به عمل می‌آید.

تبصره ۲- هر فرد صنفی که واحد کسب وی تعطیل می‌شود می‌تواند به کمیسیون نظارت شکایت کند. نظر کمیسیون نظارت که حداکثر ظرف دو هفته اعلام خواهد شد، لازم‌الاجرا است. در صورت اعتراض فرد صنفی می‌تواند به مراجع ذیصلاح قضایی مراجعه کند.

تبصره ۳- جبران خسارات واردشده به واحد صنفی در اثر تعطیل غیرموجه با مجوز اتحادیه یا مراجع دیگر، به استناد نظر کمیسیون نظارت، برعهده دستوردهنده است.»

الحاق می‌شود:

تبصره ۴- در مواردی که تعطیلی واحد صنفی به تشخیص کمیسیون نظارت شهرستان موجب عسر و حرج مصرف‌کننده می‌شود، واحد صنفی مزبور به جریمه نقدی از دو میلیون (۲/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال محکوم می‌شود.»

آقای اسماعیلی - ظاهراً الآن دیگر واحدهای صنفی را تعطیل نمی‌کنند، فقط جریمه می‌کنند.

آقای مؤمن - یعنی به جای تعطیل کردن ...

آقای علیزاده - واحد صنفی را جریمه می‌کنند؛ اما این جریمه برای چه مدتی است، معلوم نیست. ممکن است بگویند واحد صنفی تا قیامت باید جریمه بدهد.

آقای مؤمن - نه، زمانی که پروانه‌ی کسب گرفت، دیگر جریمه نمی‌شود.

آقای علیزاده - بله، تا زمانی که پروانه‌ی کسب بگیرد.

آقای ابراهیمیان - حاج آقای علیزاده، آیا از خود ماده معلوم است که چه کسی این جریمه را صادر می‌کند؟ کمیسیون نظارت شهرستان جریمه را صادر می‌کند یا مرجع رسیدگی‌کننده‌ی دیگری؟ خود کمیسیون نظارت است یا نه، مرجع رسیدگی‌کننده‌ی دیگری است؟

آقای یزدی - مثلاً اگر بخواهیم یک نانوائی که فاصله‌اش با نانوائی دوم زیاد است را پلمپ کنیم، مشتریان و اهالی محل به عسر و حرج می‌افتند. برای همین به جای پلمپ کردن، نانوائی را جریمه می‌کنند.

آقای علیزاده - نه، ایشان [= آقای ابراهیمیان] در مورد مرجع صدور حکم جریمه صحبت می‌کند.

آقای ابراهیمیان - من عرضم این است که مرجع صدور حکم جریمه کیست؟

آقای علیزاده - نه ماده (۲۷) و نه ماده (۲۸) قانون نظام صنفی، مرجع صدور حکم جریمه را تعیین نکرده است. ماده (۲۷) هم مثل همین ماده فقط می‌گوید واحد صنفی پلمپ می‌شود. منتها اینکه چه کسی جریمه را تعیین می‌کند، در مواد بعد می‌آید.

آقای ابراهیمیان - بنابراین این ابهام را ایجاد می‌کند که خود کمیسیون نظارت جریمه را تعیین می‌کند.

آقای علیزاده - نه.

آقای ابراهیمیان - اگر نمایندگان بنویسند صدور حکم جریمه بر عهده‌ی مرجع رسیدگی‌کننده است، ابهام رفع می‌شود.

آقای علیزاده - همان است. این ماده مرجع صدور حکم را تعیین نکرده است. این موضوع، داخل در کلیات می‌شود [و لذا از مواد

دیگر باید دریافت که مرجع رسیدگی کننده و صادرکننده جریمه کدام مرجع است].

آقای اسماعیلی - این ماده فقط می‌گوید واحد صنفی جریمه می‌شود.

آقای علیزاده - بله، جریمه‌کننده در مواد آتی [قانون نظام صنفی] معلوم می‌شود. این مصوبه، اصلاح قانون است.

آقای ابراهیمیان - عرض همین است.

آقای سلیمی - کارشناسان مرکز تحقیقات هم به این ماده، اشکال وارد کرده‌اند.

آقای علیزاده - چه گفته‌اند؟

آقای سلیمی - اجازه می‌فرمایید بخوانم؟

آقای علیزاده - بخوانید.

آقای سلیمی - گفته‌اند که «با توجه به احصاء مواردی که منجر به تعطیلی موقت واحد صنفی می‌شود، در ماده (۲۸) قانون، اطلاق حکم این تبصره از آن جهت که مشخص نیست پرداخت جریمه، رافع امکان تعطیلی واحد، بدون تصحیح تخلفات موضوع ماده (۲۸) است و یا واحد مذکور مکلف به اصلاح وضعیت واحد خود بر اساس مفاد ماده (۲۸) خواهد بود، واجد ابهام است.»^۱

آقای علیزاده - این چه حرفی است اینها می‌زنند؟

آقای سلیمی - می‌گویند این ماده ابهام دارد.

آقای علیزاده - چه ابهامی دارد؟ ابهام قانون اساسی که ندارد. ابهام در قانون عادی است.

آقای سلیمی - نه، می‌گویند این مصوبه، وضعیت واحد صنفی را بعد از پرداخت جریمه، مشخص نکرده است. بعد از اینکه جریمه را پرداخت، چه کارش می‌کنند؟

آقای علیزاده - واحد صنفی دایر باقی می‌ماند.

آقای اسماعیلی - ابهام در چگونگی اجرای این ماده است.

آقای علیزاده - بله، ابهام در اجرا است.

آقای سلیمی - بدون مجوز دایر می‌ماند؟

آقای علیزاده - بله.

آقای سلیمی - با همین یک جریمه؟

آقای علیزاده - اول ماده (۲۸) را بخوانیم. ماده (۲۸) این است: «واحد صنفی تنها در موارد زیر پس از گذراندن مراحل مندرج در آیین‌نامه‌ای که به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید، به‌طور

۲. بند (۹) اصل سوم قانون اساسی: «۹. رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی.»

۳. اصل هشتم و پنجم قانون اساسی: «سیمت نمایندگی قائم به شخص است و قابل واگذاری به دیگری نیست. مجلس نمی‌تواند اختیار قانون‌گذاری را به شخص یا هیئتی واگذار کند، ولی در موارد ضروری می‌تواند اختیار وضع بعضی از قوانین را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون‌های داخلی خود تفویض کند. در این صورت این قوانین در مدتی که مجلس تعیین می‌نماید، به‌صورت آزمایشی اجرا می‌شود و تصویب نهایی آنها با مجلس خواهد بود. همچنین، مجلس شورای اسلامی می‌تواند تصویب دائمی اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون‌های ذی‌ربط واگذار کند و یا اجازه تصویب آنها را به دولت بدهد. در این صورت مصوبات دولت نباید با اصول و احکام مذهب رسمی کشور و یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیب مذکور در اصل نود و ششم با شورای نگهبان است. علاوه بر این مصوبات دولت نباید مخالف قوانین و مقررات عمومی کشور باشد و به‌منظور بررسی و اعلام عدم مغایرت آنها با قوانین مزبور باید ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی برسد.»

۴. نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (مرکز تحقیقات شورای نگهبان)، شماره ۹۲۰۵۰۱۵، مورخ ۱۳۹۲/۵/۱۶، صص ۳-۴، قابل مشاهده در نشانی: <http://yon.ir/EOdT>

۵. ماده (۲۹) قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴: «ماده ۲۹- اتحادیه‌ها می‌توانند وصول مالیات، عوارض و هزینه خدمات وزارتخانه‌ها، شهرداری‌ها و سازمان‌های وابسته به دولت را طبق مقررات و قوانین جاری عهده‌دار شوند و مبالغ وصول‌شده بابت مالیات، عوارض یا هزینه خدمات را ظرف یک هفته به حساب قانونی دستگاه مربوطه واریز کنند. مبلغ کارمزد توافق‌شده از سوی طرف توافق به حساب اتحادیه‌ها واریز می‌گردد.»

۱. نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (مرکز تحقیقات شورای نگهبان)، شماره ۹۲۰۵۰۱۵، مورخ ۱۳۹۲/۵/۱۶، ص ۳، قابل مشاهده در نشانی: <http://yon.ir/EOdT>

آقای علیزاده - خود بند (م) چه بوده است؟

آقای مؤمن - بند (م) ماده (۳۰) می‌گوید: «م- سایر مواردی که در این قانون پیش‌بینی شده است.»

آقای علیزاده - «... تبصره ذیل بند (م) ماده مزبور اصلاح و دو بند ...»؛ یعنی حالا نمایندگان تبصره‌ی ذیل بند (م) را اصلاح کرده‌اند. خود بند (م) را اصلاح نکرده‌اند.

آقای مؤمن - بله.

منشی جلسه - «تبصره ذیل بند (م) - در بخش‌ها و شهرهای تابعه مرکز شهرستان که بنا به اعلام اتحادیه‌ها و تصویب هیئت عالی نظارت انجام خدمات صنفی از طریق اتحادیه مقدور نیست، ادارات دولتی ذی‌ربط، شهرداری‌ها، سازمان‌های وابسته و دفاتر اتاق‌های اصناف شهرستان حسب مورد مجازند خدمات مذکور را انجام دهند.»

آقای مؤمن - فقط «دفاتر اتاق‌های اصناف شهرستان» را به این تبصره اضافه کرده‌اند.

منشی جلسه - «ن- برگزاری دوره‌های آموزشی احکام تجارت و کسب و کار به‌طور مستقل یا با کمک بسیج اصناف کشور قبل از صدور و تمدید پروانه کسب اعضای صنف»

آقای مؤمن - این بند را به ماده (۳۰) اضافه کرده‌اند.

آقای علیزاده - بله، اشکالی هم ندارد. این را هم جزو وظایف اتحادیه‌ها قرار داده‌اند.

منشی جلسه - «س- اتحادیه‌هایی که بیش از دو هزار عضو و بازارهای گسترده صنفی دارند، می‌توانند برای کمک و تسهیل انجام امور مراجعین، در نقاط مختلف دفتر نمایندگی تشکیل دهند.

ماده ۲۰- بند (ب) ماده (۳۱) قانون آ به شرح زیر اصلاح و یک بند به‌عنوان بند (ه) به آن الحاق و تبصره‌های (۱) و (۲) آن اصلاح می‌شود:

۲. ماده (۳۱) قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴: «ماده ۳۱- منابع

مالی هر اتحادیه عبارتند از:

الف- حق عضویت افراد صنفی در اتحادیه

ب- وجوه دریافتی در ازای ارائه خدمات اعم از فنی و آموزشی به اعضای صنف

ج- کمک‌های دریافتی از اشخاص حقیقی یا حقوقی

د- کارمزد وصول مالیات، عوارض و هزینه خدمات وزارتخانه‌ها، شهرداری‌ها و سازمان‌های وابسته به دولت.

تبصره ۱- میزان و نحوه وصول وجوه موضوع این ماده متناسب با وضعیت اتحادیه، نوع شغل و شهر، صرفاً و انحصاراً در چارچوب آیین‌نامه‌ای مجاز خواهد بود که به پیشنهاد مجامع امور صنفی مراکز استان‌ها به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید.

تبصره ۲- اتحادیه‌ها موظفند بیست درصد (۲۰٪) مبالغ دریافتی به موجب این ماده را به حساب مجمع امور صنفی واریز کنند.»

ماده ۲۹- اتحادیه‌ها می‌توانند وصول مالیات، عوارض و هزینه خدمات وزارتخانه‌ها، شهرداری‌ها و سازمان‌های وابسته به دولت را طبق مقررات و قوانین جاری در راستای قرارداد تنظیمی و در قبال اخذ کارمزد عهده‌دار شوند و مبالغ وصول‌شده بابت مالیات، عوارض یا هزینه خدمات را بلافاصله به حساب قانونی مربوطه واریز کنند. تبصره- در صورت عدم اقدام از سوی اتحادیه‌ها، اتاق اصناف شهرستان می‌تواند با تنظیم قرارداد و در قبال اخذ کارمزد عهده‌دار انجام مسئولیت‌های مقرر در این ماده شود.»

آقای علیزاده - آقایان در مورد این ماده فرمایشی ندارند؟ جناب آقای سلیمی، [مرکز تحقیقات] درباره‌ی این ماده چیزی نوشته‌اند؟

آقای سلیمی - چرا، نوشته‌اند: «در این ماده به اتحادیه‌ها، صلاحیت وصول مالیات، عوارض و هزینه خدمات «طبق مقررات و قوانین جاری» داده شده است. این حکم از آن جهت که مشخص نیست آیا اختیارات حاکمیتی سازمان‌های وصول‌کننده مالیات و عوارض در مراحل تشخیص و وصول مالیات از قبیل بازرسی از محل کسب و مدارک مؤدیان، ممنوع‌الخروج کردن مؤدیان از کشور، صدور اجرائیه و غیره نیز بر اساس اطلاق حکم این ماده در صلاحیت اتحادیه قرار داده شده است یا خیر، ابهام دارد.»^۱

آقای علیزاده - ماده (۱۹) را بخوانید.

منشی جلسه - «ماده ۱۹- در بند (ه) ماده (۳۰) قانون، عبارت «(مطابق ماده ۲۷ این قانون)» بعد از عبارت «دایر می‌شوند»، اضافه و تبصره ذیل بند (م) ماده مزبور اصلاح و دو بند به‌عنوان بندهای (ن) و (س) به آن الحاق می‌گردد:»

آقای علیزاده - ماده (۳۰) این بوده است: «ماده ۳۰- وظایف و اختیارات اتحادیه‌ها عبارت است از: الف- ... ه- ابطال پروانه کسب و تعطیل محل کسب طبق مقررات این قانون و اعلام آن به کمیسیون نظارت و جلوگیری از ادامه فعالیت واحدهای صنفی که بدون پروانه کسب دایر می‌شوند یا پروانه آنها به عللی باطل می‌گردد.» حالا مجلس [در ماده (۱۹) مصوبه] گفته است «(مطابق ماده (۲۷) این قانون)» بعد از عبارت «دایر می‌شوند» اضافه شود، که اضافه شده است. این اشکالی ندارد. ادامه‌ی ماده (۱۹) مصوبه را بخوانید.

منشی جلسه - «تبصره ذیل بند (م) - در بخش‌ها و شهرهای تابعه مرکز شهرستان که بنا به اعلام اتحادیه‌ها و تصویب ...»

۱. نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (مرکز تحقیقات شورای نگهبان)، شماره ۹۲۰۵۰۱۵، مورخ ۱۳۹۲/۵/۱۶، ص ۴، قابل مشاهده در نشانی: <http://yon.ir/EODT>

با وضعیت اتحادیه، نوع شغل و شهر ...»، مشکل این تبصره را حل نمی‌کند؟

آقای علیزاده - این برای تقسیم [وجوه دریافتی] بین اتحادیه‌ها است.

آقای مؤمن - برای همه‌ی موارد مذکور در تبصره است.

آقای یزدی - تبصره می‌گوید: «... میزان مبالغ دریافتی و درصد سهم اتاق‌های اصناف شهرستان و ایران و نحوه وصول وجوه مزبور و سایر بندهای این ماده متناسب با وضعیت اتحادیه، نوع شغل و شهر، فقط در چهارچوب آیین‌نامه‌ای مجاز است که ...»

آقای شب‌زنده‌دار - تبصره می‌گوید مبالغ دریافتی و درصد سهم اتاق‌ها و نحوه‌ی وصول وجوه، طبق آیین‌نامه‌ای است که به امضای وزیر می‌رسد. این مشکلی ندارد.

آقای ابراهیمیان - یعنی یک اصل عوارض داریم که آن اصل عوارض به این برمی‌گردد.

آقای علیزاده - عبارت «متناسب با وضعیت اتحادیه و ...» به همه‌ی موارد مذکور در تبصره و [سایر بندهای ماده (۲۰)] برمی‌گردد. خیلی خب، پس اشکال رفع شده است.

آقای ابراهیمیان - منتها نحوه‌ی توزیع وجوه یادشده را آیا می‌توانیم به آیین‌نامه‌ای که به تصویب وزیر صنعت، معدن و تجارت می‌رسد، واگذار کنیم؟

آقای مؤمن - نه نحوه‌ی توزیع نیست، بلکه تعیین اصل مقدار وجوه دریافتی است.

آقای علیزاده - نحوه‌ی توزیع وجوه دریافتی که اشکالی ندارد.

آقای ابراهیمیان - این تبصره می‌گوید اینکه چه درصدی از مبالغ دریافتی سهم اتاق‌های اصناف است را آیین‌نامه‌ای که توسط دبیرخانه‌ی هیئت نظارت تهیه می‌شود، تعیین می‌کند. این را می‌شود آیا از قانون‌گذار گرفت و به هیئت نظارت سپرد؟

آقای علیزاده - تعیین میزان مبالغ دریافتی را هم به همین آیین‌نامه سپرده‌اند.

آقای هاشمی‌شاهرودی - اشکالی ندارد.

آقای علیزاده - اشکالی ندارد.

منشی جلسه - «تبصره ۲- اتحادیه‌ها موظفند بیست درصد (۲۰٪) مبالغ دریافتی به‌موجب این ماده را به حساب اتاق اصناف شهرستان واریز کنند. مبالغی که جهت تهیه ساختمان و برگزاری دوره‌های آموزشی در قالب کمک‌های دریافتی از اعضاء اخذ شده است، با تأیید اتاق اصناف شهرستان از حکم این تبصره مستثنی است.

ب- وجوه دریافتی در ازای خدمات غیرموظف از قبیل خدمات فنی و آموزشی به اعضای صنف

ه- درصدی از وجوه دریافتی بابت صدور و تمدید پروانه کسب تبصره ۱- اتحادیه‌ها مکلفند هنگام صدور و تمدید پروانه کسب، مبالغی را از افراد صنفی وصول و درصدی از آن را به حساب اتاق اصناف شهرستان (موضوع بند (۱) ماده (۳۷ مکرر)) و درصد دیگری را به حساب اتاق اصناف ایران (موضوع بند (۱) ماده (۴۷)) واریز کنند. میزان مبالغ دریافتی و درصد سهم اتاق‌های اصناف شهرستان و ایران و نحوه وصول وجوه مزبور و سایر بندهای این ماده، متناسب با وضعیت اتحادیه، نوع شغل و شهر، فقط در چهارچوب آیین‌نامه‌ای مجاز است که به پیشنهاد اتاق اصناف ایران و با همکاری اتاق‌های اصناف استان‌ها توسط دبیرخانه هیئت عالی نظارت تهیه می‌شود و حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون به تصویب وزیر صنعت، معدن و تجارت می‌رسد.»

آقای مؤمن - این تبصره اختیارات فوق‌العاده‌ای [به اتحادیه‌ها و اتاق‌های اصناف] داده است و هیچ مشخص نکرده که بر چه اساسی این آیین‌نامه‌ها نوشته می‌شود. «میزان مبالغ دریافتی» هم اصلاً معلوم نیست چقدر است و بر چه اساسی تعیین می‌شود. هرچه خودشان بخواهند، تعیین می‌کنند. این قانون‌گذاری است.

آقای علیزاده - بدون ضابطه است.

آقای مؤمن - بله. تبصره (۱) سابق را ملاحظه بفرمایید: «تبصره ۱- میزان و نحوه وصول وجوه موضوع این ماده متناسب با وضعیت اتحادیه، نوع شغل و شهر، صرفاً و انحصاراً در چهارچوب آیین‌نامه‌ای مجاز خواهد بود که به پیشنهاد مجامع امور صنفی مراکز استان‌ها به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید.»

آقای علیزاده - ولی در تبصره‌ی جدید، فاقد ضابطه است. همین‌جوری گفته‌اند وجوهی را که می‌خواهند بگیرند، آیین‌نامه تعیین کند. آیین‌نامه باید متکی به قانون باشد.

آقای ابراهیمیان - ظاهراً درصدها معلوم شده است.

آقای علیزاده - ما نسبت به درصدها حرفی نداریم. اینکه بگویند هر واحد صنفی چقدر باید بپردازد، این را آیین‌نامه نمی‌تواند مشخص کند. تبصره‌ی قبلی این بود که با توجه به نوع شغل و وضعیت شهر و چه و چه، این مبالغ را تعیین می‌کنند. الآن این اختیار را همین‌طور بدون ضابطه داده‌اند به آیین‌نامه. حرف ما این نیست که این تقسیم درصدها ضابطه ندارد؛ ما می‌گوییم خود تعیین میزان وجوه دریافتی ضابطه ندارد. یعنی به‌طور کلی تعیین را به آیین‌نامه سپرده‌اند.

آقای مؤمن - حالا اینکه در تبصره (۱) آمده است: «... متناسب

می‌شود:

ماده ۳۳- در مراکز استان‌ها و شهرستان‌ها هیئت رئیسه اتاق اصناف شهرستان دارای پنج نفر عضو اصلی به ترتیب شامل یک رئیس، دو نایب‌رئیس (اول و دوم)، یک دبیر و یک خزانه‌دار و دو نفر عضو علی‌البدل می‌باشند. دو نفر از اعضای اصلی هیئت رئیسه از بین صنوف تولیدی-خدمات فنی، دو نفر از صنوف توزیعی-خدماتی و یک نفر از حائزین اکثریت آرا انتخاب می‌شوند.»

آقای علیزاده - مگر انتخاب بقیه‌ی اعضا نیازی به اکثریت آرا ندارد؟ به نظرم منظور این است که هیئت رئیسه‌ی اتاق اصناف شهرستان از بین خودشان، یکی که بیشترین رأی را آورده است، انتخاب می‌کنند. منظور، اکثریت آرای صنف نیست.

منشی جلسه - «ماده ۲۳- ماده (۳۵) به شرح زیر اصلاح می‌شود: ماده ۳۵- اتاق اصناف شهرستان در اولین جلسه هر دوره، هیئت رئیسه اتاق را برای مدت چهار سال انتخاب می‌کند. انتخاب مجدد اعضای مذکور در محدوده ماده (۱۲) بلامانع است.»

آقای علیزاده - در جلسه‌ی قبل هم گفتیم که برخی از یزد و جاهای دیگر به این ماده اعتراض دارند و پریروز هم باز عده‌ای از تهران آمده بودند. موقعی که این مصوبه در مجلس شورای اسلامی مطرح بود، آقای لاریجانی [رئیس مجلس شورای اسلامی] گفت که این ماده، خلاف قانون اساسی است، ولی آقایان توجه نکرده‌اند. گفتم: چطور؟ آقای لاریجانی گفت قانون اساسی مقاماتی را که انتخابشان محدود به دو دوره است، تعیین کرده است. گفتم این موضوع، مربوط به مشاغلی است که در قانون اساسی پیش‌بینی شده است. مثلاً قانون اساسی انتخاب اعضای شورای نگهبان یا نمایندگان مجلس شورای اسلامی را محدود نکرده، اما انتخاب رئیس جمهور را محدود کرده است. پس آن مشاغلی که [اسمشان در قانون اساسی آمده و] قانون اساسی آنها را محدود نکرده، مجلس هم نمی‌تواند [با قانون عادی، آنها را] محدود کند. اما انتخاب مجدد مقامات و مشاغلی را که اسمشان در قانون اساسی نیامده است، مجلس می‌تواند [با قانون‌گذاری] محدود کند. قانون اساسی گفته است که قانون [عادی] را مجلس شورای اسلامی می‌نویسد. ظاهراً فهمیدند که اشتباه می‌کنند.

۳. ماده (۳۵) قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴: «ماده ۳۵- مجمع امور صنفی در اولین جلسه هر دوره، هیئت رئیسه مجمع را برای مدت دو سال انتخاب می‌کند. انتخاب مجدد اعضای مذکور در ادوار بعدی بلامانع است.»

ماده ۲۱- ماده (۳۲) قانون^۱ و تبصره‌های (۱) و (۲) آن به شرح زیر اصلاح و تبصره‌های (۳) و (۴) ماده مزبور حذف می‌شود:

ماده ۳۲- اتاق اصناف هر شهرستان مرکب از رؤسای اتحادیه‌های صنوف تولیدی-خدمات فنی و توزیعی-خدماتی است.

تبصره ۱- اتاق اصناف شهرستان شخصیت حقوقی، غیرانتفاعی و غیرتجاری دارد و پس از ثبت در سازمان صنعت، معدن و تجارت استان رسمیت می‌یابد.

تبصره ۲- در شهرستان‌هایی که دو اتاق اصناف دارند، کمیسیون نظارت موظف است پس از انقضای دوره قانونی هیئت رئیسه، نسبت به ادغام اتاق‌های یادشده در یکدیگر اقدام نماید. اموال، دارایی‌ها، حقوق و تعهدات اتاق‌های قبلی پس از ادغام با نظارت کمیسیون نظارت مذکور به اتاق جدید انتقال می‌یابد.

ماده ۲۲- ماده (۳۳) قانون^۲ به شرح زیر اصلاح و تبصره آن حذف

۱. ماده (۳۲) قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴: «ماده ۳۲- امور صنفی از نمایندگان اتحادیه‌ها با ترکیب زیر تشکیل می‌گردد:

- الف- مجمع امور صنفی صنوف تولیدی-خدمات فنی
- ب- مجمع امور صنفی صنوف توزیعی-خدماتی
- ج- مجمع امور صنفی مشترک صنوف تولیدی-خدمات فنی و توزیعی-خدماتی.

تبصره ۱- مجمع امور صنفی دارای شخصیت حقوقی و غیرانتفاعی است و پس از ثبت در وزارت بازرگانی رسمیت می‌یابد.

تبصره ۲- حداقل تعداد واحدهای صنفی دارای پروانه کسب در هر شهرستان برای تشکیل دو مجمع جداگانه، بیست هزار واحد صنفی است. هیئت عالی نظارت می‌تواند بنا به پیشنهاد کمیسیون نظارت مراکز استان‌ها نصاب مذکور را جهت شهرستان‌های تابعه آن استان تغییر دهد و نسبت به تشکیل، ادغام یا تفکیک مجمع یا مجمع امور صنفی اتخاذ تصمیم کند.

تبصره ۳- در صورت ادغام مجمع امور صنفی، کلیه اموال، دارایی‌ها، حقوق و تعهدات مجمع قبلی با نظارت کمیسیون نظارت به مجمع امور صنفی مشترک منتقل می‌گردد.

تبصره ۴- در صورت تفکیک مجمع امور صنفی مشترک، کلیه اموال، دارایی‌ها، حقوق و تعهدات آن به نسبت تعداد اعضاء با نظارت کمیسیون نظارت به مجمع جدید منتقل می‌گردد.»

۲. ماده (۳۳) قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴: «ماده ۳۳- تعداد اعضای هیئت رئیسه مجمع امور صنفی مشترک پنج نفر به شرح زیر است:

- الف- یک نفر رئیس
- ب- دو نفر نایب رئیس
- ج- یک نفر دبیر
- د- یک نفر خزانه‌دار.

تعداد اعضای هیئت رئیسه به نسبت تعداد اتحادیه‌های مربوط به صنوف تولیدی-خدمات فنی و توزیعی-خدماتی تعیین خواهد شد.

تبصره- تعداد اعضای هیئت رئیسه مجمع امور صنفی تولیدی-خدمات فنی یا توزیعی-خدماتی هر کدام سه نفر مشتمل بر رئیس، نایب رئیس و دبیر است.»

منشی جلسه - «ماده ۲۴- بندهای (و) و (ف) ماده (۳۷) به شرح زیر اصلاح، بند (ل) آن حذف و یک تبصره به بند (م) و دو بند به عنوان بندهای (ش) و (ت) به آن الحاق می شود:

و- اجرای مصوبات هیئت عالی نظارت، کمیسیون نظارت و اتاق اصناف ایران حسب مقررات این قانون

ف- اجرای برنامه های علمی، آموزشی، فرهنگی و پژوهشی مورد نیاز برای ارتقای سطح آگاهی های هیئت مدیره اتحادیه ها با همکاری دستگاه های اجرایی و بخش خصوصی ذی ربط و بسیج اصناف کشور در چهارچوب مقررات

تبصره بند (م)- به منظور ایجاد وحدت رویه بین کمیسیون های نظارت شهرستان ها، دستورالعمل نحوه تنظیم ساعات کار و ایام تعطیلی واحدهای صنفی بر اساس دستورالعملی است که با پیشنهاد اتاق اصناف ایران و با همکاری نیروی انتظامی توسط دبیرخانه هیئت عالی نظارت تهیه می شود و حداکثر ظرف سه ماه از لازم الاجراء شدن این قانون به تصویب وزیر صنعت، معدن و تجارت می رسد.»

آقای علیزاده - البته بنویسید آن «دستورالعمل» اول اضافه است؛ «دستورالعمل نحوه ... بر اساس دستورالعملی است که ...!» به مجلس تذکر بدهید که آن را بردارند.

آقای اسماعیلی - نه حاج آقا، کمیسیون های نظارت هر کدام یک دستورالعمل دارند؛ این تبصره می گوید آن دستورالعمل ها باید یک جور باشند و بر اساس یک دستورالعمل واحد باشند. درست است.

آقای مؤمن - بله، می خواهد بگوید باید دستورالعمل [نحوه ی تنظیم ساعت کار و ایام تعطیلی واحدهای صنفی بر اساس یک

۱. ماده (۳۷) قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴: «ماده ۳۷- وظایف و اختیارات مجامع امور صنفی به شرح زیر است:
الف- ...

و- اجرای مصوبات هیئت عالی نظارت و کمیسیون نظارت
ز- ...

ل- جمع آوری اطلاعات و آمار لازم با وسایل مقتضی برای تعیین حدود و تعداد واحدهای صنفی متناسب با جمعیت و نیازها و ارائه آن به کمیسیون نظارت جهت تصمیم گیری

م- تنظیم ساعات کار و ایام تعطیل واحدهای صنفی با توجه به طبیعت و نوع کار آنان و ارائه برنامه برای اتخاذ تصمیم به وسیله کمیسیون نظارت
ن- ...

ف- اجرای برنامه های علمی، آموزشی و پژوهشی مورد نیاز برای ارتقاء سطح آگاهی های هیئت مدیره اتحادیه ها با همکاری دستگاه های دولتی ذی ربط در چهارچوب مقررات
ص- ...»

دستورالعمل واحد باشد.]

آقای علیزاده - پس هیچی، ولش کنید. ان شاء الله درست است. پس اگر این طور است، باید بعد از کلمه ی دستورالعمل یک ویرگول بیاید. ببینید، تبصره می گوید: «... دستورالعمل نحوه تنظیم ساعات کار و ایام تعطیلی واحدهای صنفی ...» نمی گوید دستورالعمل آنها [= کمیسیون های نظارت شهرستان ها].

آقای اسماعیلی - چرا، ببینید ...

آقای علیزاده - یا باید بگویند «نحوه تنظیم ساعات کار».

آقای اسماعیلی - خب همین است.

آقای علیزاده - این طور باید بنویسند: «نحوه تنظیم ساعات کار و ایام تعطیلی واحدهای صنفی بر اساس دستورالعملی است که ...»
منشی جلسه - حاج آقا، نمایندگان می خواهند به صورت آیین نامه نباشد.

آقای علیزاده - خب می دانم.

آقای اسماعیلی - نه، ببینید، اصناف هر شهرستانی یک کمیسیون نظارت دارند که برای آن شهرستان دستورالعمل تنظیم می کند که مثلاً واحد صنفی چه ساعتی باز باشد یا چه ساعتی بسته باشد.

آقای علیزاده - یعنی یکدست نیست.

آقای اسماعیلی - بله، این تبصره می خواهد در هر شهرستان یک نوع دستورالعمل متفاوت نباشد. می گوید همه ی شهرستان ها باید دستورالعملشان را بر اساس یک دستورالعمل مرجع بالاتر تدوین کنند. مشکلی ندارد.

منشی جلسه - اصلاح عبارتی هم نیاز ندارد.

«ش- تشکیل واحدهای بازرسی و نظارت به منظور نظارت بر عملکرد واحدهای صنفی و بررسی شکایات

ت- عضویت رؤسای اتاق های اصناف شهرستان ها و مراکز استان ها در شورای اداری شهرستان ها و مراکز استان ها»

آقای علیزاده - اگر عضویت رؤسای اتاق های اصناف در شوراهای اداری استان ها و شهرستان ها با حق رأی باشد، اشکال دارد. اینها چه کاره اند؟! اینها که مقام دولتی نیستند. اگر عضویشان به عنوان عضو ناظر باشد، اشکالی ندارد.

آقای اسماعیلی - شورای اداری اصلاً اختیاری ندارد. یک شورای مشورتی است.

منشی جلسه - «ماده ۲۴ مکرر- متن زیر به عنوان تبصره به بند (ق) ماده (۳۷) الحاق می گردد:

۲. بند (ق) ماده (۳۷) قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴: «ماده ۳۷- وظایف و اختیارات مجامع امور صنفی به شرح زیر است:

ده هزار واحد صنفی یک نفر تعیین می‌شود که با نظارت کمیسیون نظارت مرکز استان و با رأی مخفی اعضای هیئت رئیسه اتاق‌های اصناف شهرستان‌های آن استان انتخاب و به دبیرخانه هیئت عالی نظارت معرفی می‌گردند.

تبصره ۲- هزینه‌های اعضای اتاق اصناف ایران در قبال حضور و انجام تکالیف محوله با توجه به بودجه اتاق در آیین‌نامه موضوع ماده (۴۶) قانون، تعیین می‌شود و به‌غیر از مبلغ فوق، حق دریافت وجه دیگری را ندارند.

تبصره ۳- رئیس اتاق اصناف مرکز استان یکی از نمایندگان آن استان در اتاق اصناف ایران است.

تبصره ۴- هرگاه استان جدیدی طبق قانون تشکیل شود، نمایندگان فعلی استان‌های مربوطه در اتاق اصناف ایران تا پایان دوره به عضویت و فعالیت خود ادامه می‌دهند.»

آقای علیزاده - نمایندگانی که از شورای اصناف به اینجا آمده بودند، درباره‌ی ماده (۴۲) حرف‌هایی داشتند و نامه‌ای هم در این خصوص به شورای نگهبان نوشته‌اند.^۳ اینها می‌گویند اینکه ماده (۲۷) مصوبه گفته است «تعداد نمایندگان اتاق‌های اصناف هر استان در اتاق اصناف با احتساب هر ده هزار واحد صنفی یک نفر تعیین می‌شود»، باعث می‌شود بعضی از استان‌های کوچک فاقد نماینده شوند و مثلاً استان تهران چهل نماینده داشته باشد. گفته‌اند بعضی از استان‌ها اصلاً نماینده ندارند.

آقای اسماعیلی - اشکال قانون اساسی بر آن وارد است؟

آقای علیزاده - بالاخره این مصوبه اگر مربوط به اصناف است، باید رعایت همه در آن بشود. مثلاً استان‌های کوچک با یک استان دیگر نمایندگان واحد داشته باشند. الان استان‌های کمتر از ده هزار واحد صنفی اصلاً به‌طور کلی هیچ نقشی در اتاق اصناف ندارند. اینجا حداقل باید به مجلس بگوییم تکلیف واحدهای صنفی این نوع استان‌ها را روشن کنند. اینها هم صنف‌دو دیگر. یعنی اگر استانی به جای ده هزار واحد صنفی، نه هزار و نهصد و نود و پنج واحد صنفی داشته باشد، نمی‌تواند در اتاق اصناف ایران نماینده داشته باشد؟! می‌تواند بگویند این استان‌ها با یک استان هم‌جوارشان، نماینده داشته باشند. از نظر قانونی که نمی‌شود این استان‌ها نماینده نداشته باشند؛ چون حق آنها از بین می‌رود. اگر می‌خواهند اتاق اصناف ایران را تشکیل بدهند، باید به اصطلاح، حقوق همه‌ی صنوف را رعایت کنند.

آقای ره‌پیک - حضور در جلسه‌ی اتاق اصناف حق ذاتی نیست

تبصره - کمیسیون نظارت موظف است تا پایان بهمن‌ماه، بودجه پیشنهادی اتاق اصناف را بررسی و پس از تصویب اعلام نماید.

ماده ۲۵- یک ماده به‌عنوان ماده (۳۷ مکرر) به قانون الحاق می‌شود: ماده ۳۷ مکرر- منابع مالی اتاق اصناف شهرستان عبارتند از:

- ۱- بیست درصد (۲۰٪) دریافتی از درآمد اتحادیه‌ها
- ۲- درصدی از محل وجوه ناشی از جرایم و تخلفات صنفی موضوع تبصره (۳) ماده (۷۲) این قانون
- ۳- وجوه دریافتی در ازای ارائه خدمات غیرموظف به اشخاص حقیقی و حقوقی اعم از دولتی و غیردولتی.

ماده ۲۶- ماده (۴۱) قانون^۱ به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۴۱- به‌منظور تقویت مبانی نظام صنفی، سامان‌دهی اصناف کشور و مشارکت در سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و مدیریت مسائل صنفی، اتاقی به نام اتاق اصناف ایران در تهران تشکیل می‌شود. این اتاق دارای شخصیت حقوقی مستقل، غیرتجاری، غیرانتفاعی و فاقد شعبه است.

ماده ۲۷- ماده (۴۲) قانون و تبصره (۲) آن^۲ به شرح زیر اصلاح و دو تبصره به آن الحاق می‌شود:

ماده ۴۲- اتاق اصناف ایران متشکل از نمایندگان هیئت رئیسه اتاق‌های اصناف شهرستان‌های کشور است. تعداد نمایندگان اتاق‌های اصناف هر استان در اتاق اصناف ایران با احتساب هر

→

الف - ...

ق- تنظیم بودجه سال بعد و تسلیم آن تا اول بهمن‌ماه هر سال به کمیسیون نظارت برای تصویب و نظارت بر اجرای آن

ر- ...

۱. ماده (۴۱) قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴: «ماده ۴۱- به منظور تقویت مبانی نظام صنفی، شورایی به نام شورای اصناف کشور با هماهنگی دبیرخانه هیئت عالی نظارت در تهران تشکیل می‌گردد.»

۲. ماده (۴۲) قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴: «ماده ۴۲- شورای اصناف کشور متشکل از نمایندگان هیئت رئیسه مجامع امور صنفی شهرستان‌های کشور است. نمایندگان به‌ترتیب زیر، با نظارت کمیسیون نظارت مرکز استان و رأی مخفی اعضای هیئت رئیسه مجامع امور صنفی آن استان انتخاب و به دبیرخانه هیئت عالی نظارت معرفی می‌گردند:

- الف- استان‌هایی که جمعیت آنها تا یک میلیون نفر باشد، تعداد دو نفر.
- ب- استان‌هایی که جمعیت آنها بیش از یک میلیون نفر و کمتر از دو میلیون نفر باشد، تعداد چهار نفر.
- ج- استان‌هایی که جمعیت آنها بیش از دو میلیون نفر و کمتر از سه میلیون نفر باشد، تعداد شش نفر.
- د- استان‌هایی که جمعیت آنها بیش از سه میلیون نفر باشد، تعداد هشت نفر.
- ه- استان تهران، دوازده نفر.

تبصره ۱- نیمی از نمایندگان در هر مورد همواره از صنوف تولیدی-خدماتی و نیمی دیگر از صنوف توزیعی-خدماتی خواهند بود.

تبصره ۲- اعضای شورای اصناف کشور به‌غیر از مبالغ دریافتی به شرح مندرج در آیین‌نامه موضوع ماده (۴۶) این قانون، دریافتی دیگری نخواهند داشت.»

۳. نامه‌ی شماره ۷۵۸۸ مورخ ۱۳۹۲/۵/۷ شورای اصناف کشور.

انتخاب در هیئت رئیسه اتاق باید سابقه یک دوره عضویت در هیئت رئیسه شورای اصناف یا اتاق اصناف شهرستان را دارا باشند.

ماده ۲۹- ماده (۴۴) قانون^۳ به شرح زیر اصلاح می شود:

ماده ۴۴- ظرف پانزده روز پس از انتخاب هیئت رئیسه اتاق اصناف ایران، این هیئت تشکیل جلسه می دهد و از میان خود یک نفر رئیس، دو نفر نایب رئیس (اول و دوم)، یک نفر دبیر و یک نفر خزانه دار انتخاب می کند. جلسه های ادواری اتاق اصناف ایران در محل اتاق اصناف ایران یا هر مکان دیگری که به اعضاء به طور کتبی اعلام می گردد، تشکیل می شود.

ماده ۳۰- ماده (۴۵) قانون^۴ به شرح زیر اصلاح و چهار تبصره به آن الحاق می شود:

ماده ۴۵- وظایف و اختیارات اتاق اصناف ایران به شرح زیر است:

۱- ابلاغ دستورالعمل های اجرایی و نظارتی مصوب هیئت عالی نظارت به اتاق های اصناف شهرستانها

۲- ارائه نظر مشورتی در مورد مسائل صنفی به وزارت صنعت، معدن و تجارت و سایر دستگاه های اجرایی

۳- ساماندهی امور مرتبط با اصناف و مشارکت در تنظیم بازار

۴- تنظیم بودجه سالانه اتاق و ارائه آن تا اول بهمن ماه هر سال به دبیرخانه هیئت عالی نظارت جهت رسیدگی و تصویب در هیئت عالی نظارت

۵- تنظیم ترازنامه مالی سالانه و ارائه آن تا پایان اردیبهشت ماه هر سال به دبیرخانه هیئت عالی نظارت جهت رسیدگی و تصویب در هیئت عالی نظارت

۶- نظارت بر عملکرد اتاق های اصناف شهرستانها و مراکز استانها و مدیریت بازرسی و نظارت آنها بر واحدهای صنفی

۷- سایر امور محوله از سوی هیئت عالی نظارت و وزارت صنعت، معدن و تجارت در راستای اختیارات تفویضی در چهارچوب این قانون.

۳. ماده (۴۴) قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴: «ماده ۴۴- پس از تعیین هیئت رئیسه شورای اصناف کشور، دبیرخانه هیئت عالی نظارت موظف است ظرف پانزده روز از هیئت رئیسه منتخب دعوت به عمل آورد تا در جلسه ای نسبت به انتخاب یک نفر رئیس، دو نفر نایب رئیس، یک نفر دبیر و یک نفر خزانه دار از بین خود اقدام کنند. تشکیل جلسه های ادواری شورای اصناف کشور در محل دبیرخانه هیئت عالی نظارت یا هر مکان دیگری خواهد بود که به وسیله دبیرخانه تعیین می شود.»

۴. ماده (۴۵) قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴: «ماده ۴۵- وظایف و اختیارات شورای اصناف کشور، در محدوده این قانون، طبق آیین نامه ای خواهد بود که حداکثر ظرف شش ماه پس از تصویب این قانون به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید.»

که [اگر صاحبان واحدهای صنفی آن حق را] نداشته باشند، [بگوییم در حقشان ظلم شده است.]

آقای علیزاده - یعنی [شما می گوئید ما منظورمان این است که] همه حق داشته باشند بروند و در جلسات اتاق اصناف حضور داشته باشند؟! این چه فرمایشی است؟! نماینده شان باید به این جلسات برود. ما می توانیم حداقل به صورت یک تذکر بگوییم که تکلیف استان هایی که تعداد واحد صنفی آنها به این تعداد نمی رسد را هم روشن کنند.

آقای مؤمن - بنویسید مناسب است در خصوص ...

آقای علیزاده - بله، بنویسید «مناسب است در خصوص استان هایی که تعداد واحد صنفی آنها کمتر از نصاب تعیین شده در این ماده است نیز ارائه طریق شود.»^۱

منشی جلسه - «ماده ۲۸- ماده (۴۳) قانون^۲ به شرح زیر اصلاح و متن زیر به صدر تبصره (۲) آن الحاق می شود:

ماده ۴۳- هیئت رئیسه اتاق اصناف ایران مرکب از هفت نفر شامل سه نفر از صنوف تولیدی- خدمات فنی و سه نفر از صنوف توزیعی- خدماتی است که با رأی مخفی اعضای اتاق اصناف ایران برای مدت چهار سال انتخاب می شوند. نفر هفتم به پیشنهاد وزارت صنعت، معدن و تجارت و با تصویب هیئت عالی نظارت از بین افراد متعهد و آگاه به مسائل صنفی تعیین می شود.

متن الحاقی به صدر تبصره (۲)- اعضای اتاق اصناف ایران برای

۱. بند (۳) تذکرات مندرج در نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۱۵۵۵ مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۹ شورای نگهبان در خصوص لایحه اصلاح قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۹۲/۵/۱: «۳- در ماده (۲۷) موضوع اصلاح ماده (۴۲)، مناسب است در خصوص استان هایی که تعداد واحد صنفی آنها کمتر از نصاب تعیین شده در این ماده است نیز ارائه طریق شود.»

۲. ماده (۴۳) قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴: «ماده ۴۳- هیئت رئیسه شورای اصناف کشور مرکب از هفت نفر است که سه نفر از صنوف تولیدی- خدمات فنی و سه نفر از صنوف توزیعی- خدماتی هستند و با رأی مخفی اعضای شورای اصناف کشور انتخاب می شوند. یک نفر دیگر به پیشنهاد وزارت بازرگانی و با تصویب هیئت عالی نظارت از بین افراد صنفی متعهد و آگاه به مسایل صنفی حداکثر برای مدت دو سال تعیین می گردد.

تبصره ۱- مدت مسئولیت هیئت رئیسه شورای اصناف کشور نمی تواند بیش از مدت باقیمانده از عضویت آنها در هیئت رئیسه مجامع امور صنفی باشد. با پایان یافتن مدت مسئولیت هر عضو، عضو دیگری با رعایت مفاد همین ماده جایگزین خواهد شد.

تبصره ۲- نحوه بررسی صلاحیت و برگزاری انتخابات هیئت رئیسه شورای اصناف کشور به موجب آیین نامه ای خواهد بود که به پیشنهاد مجامع امور صنفی مراکز استانها تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید.»

- ماده ۴۸- کمیسیون نظارت در شهرستان‌های هر استان به ترتیب زیر تشکیل می‌شود:
- الف- در شهرستان‌های مراکز استان‌ها مرکب از مدیران کل و رؤسای سازمان‌ها و نهادهای استانی یا معاونان آنها در صورت وجود به شرح زیر:
- ۱- صنعت، معدن و تجارت (رئیس کمیسیون)
 - ۲- امور مالیاتی
 - ۳- بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
 - ۴- تعزیرات حکومتی
 - ۵- نیروی انتظامی
 - ۶- استاندارد و تحقیقات صنعتی
 - ۷- انجمن حمایت از مصرف‌کنندگان
 - ۸- بسیج اصناف
 - ۹- اتاق بازرگانی و صنایع و معادن و کشاورزی استان
 - ۱۰- اتاق تعاون استان
 - ۱۱- رئیس شورای استان
 - ۱۲- رئیس و نایب‌رئیس اتاق اصناف مرکز استان



- نیروی انتظامی
- رئیس شورای شهر
- شهردار
- رؤسای مجامع امور صنفی
- نماینده مطلع و تام‌الاختیار استانداری
- ب- در سایر شهرستان‌های هر استان
- رؤسای ادارات:
- بازرگانی (رئیس کمیسیون)
- امور اقتصادی و دارایی
- بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
- دادگستری
- نیروی انتظامی
- رئیس شورای شهر
- شهردار
- رؤسای مجامع امور صنفی
- نماینده مطلع و تام‌الاختیار فرمانداری یا بخشداری
- تبصره ۱- جلسات کمیسیون‌های یادشده با حضور حداقل هفت نفر از اعضاء رسمیت می‌یابد و تصمیمات با اکثریت مطلق آرای حاضران معتبر خواهد بود.
- تبصره ۲- کمیسیون نظارت می‌تواند از افراد ذی‌صلاح و صاحب‌نظر و نیز نماینده دستگاه‌های دولتی یا عمومی ذی‌مدخل بدون داشتن حق رأی برای حضور در جلسات دعوت به عمل آورد.
- تبصره ۳- در تهران، هیئت عالی نظارت وظایف کمیسیون نظارت را انجام خواهد داد و می‌تواند تمام یا قسمتی از وظایف مزبور را به کمیسیون یا کمیسیون‌هایی مرکب از نمایندگان خود اعم از اعضاء هیئت یا افراد دیگر واگذار کند.»

- تبصره ۱- اتاق اصناف ایران می‌تواند قسمتی از وظایف و اختیارات خود را به اتاق‌های اصناف استان‌ها و شهرستان‌ها تفویض کند.
- تبصره ۲- دستورالعمل‌های موضوع این ماده باید به گونه‌ای تدوین شود که متضمن تداخل در وظایف و اختیارات قانونی هیئت عالی نظارت، کمیسیون‌های نظارت، اتحادیه‌ها و اتاق‌های اصناف مراکز استان‌ها و شهرستان‌ها نشود.
- تبصره ۳- رئیس اتاق اصناف ایران در شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی عضویت می‌یابد.
- تبصره ۴- اتاق اصناف ایران می‌تواند در راستای ایفای وظایف خود کمیسیون‌های تخصصی صنفی متشکل از اعضای اتحادیه‌های آن صنف در سراسر کشور را تشکیل دهد.
- ماده ۳۱- ماده (۴۷) قانون^۱ به شرح زیر اصلاح و یک تبصره به آن الحاق می‌شود:
- ماده ۴۷- منابع مالی اتاق اصناف ایران عبارتند از:
- ۱- سه درصد (۳٪) از درآمد اتاق اصناف شهرستان‌ها
 - ۲- وجوه دریافتی بابت ارائه خدمات فنی و آموزشی غیرموظف
 - ۳- کمک‌های داوطلبانه و بلاعوض مردمی
 - ۴- وجوه حاصل از چاپ و فروش نشریات، کتب و جزوات منتشره به منظور ارتقای سطح اطلاعات و آگاهی اعضای هیئت مدیره اتحادیه‌ها و افراد صنفی
 - ۵- درآمد موضوع تبصره (۷) ماده (۷۲) این قانون.
- تبصره- میزان و نحوه دریافت موارد فوق حسب آیین‌نامه‌ای است که توسط دبیرخانه هیئت عالی نظارت و با همکاری اتاق اصناف ایران تهیه می‌شود و حداکثر ظرف سه ماه از لازم‌الاجراء شدن این قانون به تصویب وزیر صنعت، معدن و تجارت می‌رسد.
- ماده ۳۲- ماده (۴۸) قانون و تبصره (۳) آن^۲ به شرح زیر اصلاح می‌شود:

۱. ماده (۴۷) قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴: «ماده ۴۷- منابع مالی شورای اصناف کشور شامل حق عضویت و کمک‌های دریافتی از مجامع امور صنفی کشور و حق ارائه خدمات فنی و آموزشی، حسب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط دبیرخانه هیئت عالی نظارت و با نظرخواهی از مجامع امور صنفی مراکز استان‌ها تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید.»
۲. ماده (۴۸) قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴: «ماده ۴۸- کمیسیون نظارت در شهرستان‌های مراکز استان‌ها و در سایر شهرستان‌های هر استان با ترتیب زیر تشکیل می‌گردد:
- الف- در شهرستان‌های مراکز استان‌ها
- مدیران کل یا رؤسای سازمان‌های زیر:
- بازرگانی (رئیس کمیسیون)
- امور اقتصادی و دارایی
- بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
- دادگستری



ترکیب هیئت عالی نظارت مذکور در ماده (۳۶) این مصوبه که مشتمل بر (۶) وزیر و (۱۴) نفر غیروزیر است، تفویض تصویب آیین‌نامه به این هیئت مغایر اصل (۱۳۸) قانون اساسی^۲ است.^۳

آقای علیزاده - حرف خوبی است. بالاخره ایجاد وظیفه [برای عموم مردم] می‌کند. آیین‌نامه‌ی چیست این آیین‌نامه؟

آقای مؤمن - آیین‌نامه‌ی خودشان است.

آقای علیزاده - مگر منظور آیین‌نامه‌ی مالی نیست؟

آقای ره‌پیک - نه، آیین‌نامه‌ی تشکیلات اداری، مالی و نحوه فعالیت دبیرخانه‌های کمیسیون‌های نظارت است.

آقای علیزاده - آیین‌نامه‌ی مالی مربوط به خودشان است. آیین‌نامه اگر داخلی باشد که اشکالی ندارد. آیین‌نامه اگر برای عموم مردم ایجاد وظیفه کند، باید به تصویب هیئت دولت برسد؛ اما آیین‌نامه‌ای که برای مردم ایجاد وظیفه نکند، نیازی به تصویب هیئت دولت ندارد. آیین‌نامه‌ی تبصره (۳) منظورشان است دیگر؟

آقای سلیمی - بله.

آقای علیزاده - اگر این است که می‌گوید: «تشکیلات اداری، مالی و نحوه فعالیت دبیرخانه‌های فوق به‌موجب آیین‌نامه‌ای است که ...»، اشکالی ندارد.

آقای سلیمی - مرکز تحقیقات، در مورد این ماده دو تا تذکر داده‌اند. تذکر دوم برای اضافه کردن کلمه‌ی «فرمانده» به جزء (۵) بند (الف) ماده (۴۸) است: «با توجه به عضویت مسئولین



ماده (۴۸) اصلاحی، عبارت «رئیس شورای شهرستان» به «رئیس شورای اسلامی شهرستان» اصلاح شود.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (مرکز تحقیقات شورای نگهبان)، شماره ۹۲۰۵۰۱۵، مورخ ۱۳۹۲/۵/۱۶،

ص ۶، قابل مشاهده در نشانی: <http://yon.ir/EODT>

۲. اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی: «علاوه بر مواردی که هیئت وزیران یا وزیری مأمور تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی قوانین می‌شود، هیئت وزیران حق دارد برای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمان‌های اداری به وضع تصویب‌نامه و آیین‌نامه بپردازد. هر یک از وزیران نیز در حدود وظایف خویش و مصوبات هیئت وزیران حق وضع آیین‌نامه و صدور بخشنامه را دارد، ولی مفاد این مقررات نباید با متن و روح قوانین مخالف باشد. دولت می‌تواند تصویب برخی از امور مربوط به وظایف خود را به کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر واگذار نماید. مصوبات این کمیسیون‌ها در محدوده قوانین پس از تأیید رئیس جمهور لازم‌الاجراء است. تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت و مصوبات کمیسیون‌های مذکور در این اصل، ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی می‌رسد تا در صورتی که آنها را برخلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدیدنظر به هیئت وزیران بفرستد.»

۳. نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (مرکز تحقیقات شورای نگهبان)، شماره ۹۲۰۵۰۱۵، مورخ ۱۳۹۲/۵/۱۶، ص ۶، قابل مشاهده در نشانی:

<http://yon.ir/EODT>

۱۳- نماینده مطلع و تام‌الاختیار استاندار.

ب- در سایر شهرستان‌های هر استان مرکب از رؤسا یا معاونان ذی‌ربط ادارات و نهادهای زیر در صورت وجود:

۱- صنعت، معدن و تجارت (رئیس کمیسیون)

۲- امور مالیاتی

۳- بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

۴- تعزیرات حکومتی

۵- نیروی انتظامی

۶- انجمن حمایت از مصرف‌کنندگان شهرستان

۷- اتاق بازرگانی و صنایع و معادن و کشاورزی شهرستان

۸- اتاق تعاون شهرستان

۹- بسیج اصناف

۱۰- رئیس و نایب‌رئیس اتاق اصناف شهرستان

۱۱- نماینده مطلع و تام‌الاختیار فرماندار

۱۲- رئیس شورای شهرستان.

تبصره ۳- کمیسیون‌های نظارت مراکز استان‌ها دبیرخانه‌ای دارند که در سازمان صنعت، معدن و تجارت استان‌ها مستقر می‌باشد. تشکیلات اداری، مالی و نحوه فعالیت دبیرخانه‌های فوق به‌موجب آیین‌نامه‌ای است که توسط دبیرخانه هیئت عالی نظارت و با کسب نظر از سازمان صنعت، معدن و تجارت استان‌ها، تهیه می‌شود و ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون به تصویب هیئت عالی نظارت می‌رسد.»

آقای اسماعیلی - منظور از «رئیس شورای شهرستان» در شماره (۱۲)، همان رئیس شورای اسلامی شهر است دیگر؟ منظور همان شوراهای شهری است؟

آقای علیزاده - بله.

آقای اسماعیلی - در قانون اساسی شوراهای «اسلامی» شهر آمده است؛ بنابراین باید کلمه‌ی اسلامی را در اینجا هم اضافه کنند.

آقای علیزاده - چه گفته‌اند؟ بند چند؟

آقای ابراهیمیان - شماره (۱۱) بند (الف) و شماره (۱۲) بند (ب).

آقای علیزاده - منظور از شورای استان، همین شورای اصناف نیست؟

آقای اسماعیلی - نه، [منظور همان شورای شهر است و] کلمه‌ی «اسلامی» باید اضافه شود.

آقای سلیمی - آقای علیزاده، کارشناسان مرکز تحقیقات، غیر از این تذکر،^۱ یک اشکالی هم به ماده (۴۸) گرفته‌اند: «با توجه به

۱. «تذکر ۱- در جزء (۱۱) بند (الف) ماده (۴۸) اصلاحی، عبارت «رئیس شورای استان» به «رئیس شورای اسلامی استان» و در جزء (۱۲) بند (ب)



به شرح زیر اصلاح می‌شود:

الف- تصمیم‌گیری در مورد ادغام اتحادیه‌ها یا تقسیم یک اتحادیه به دو یا چند اتحادیه، تعیین رسته‌های صنفی و موافقت با تشکیل اتحادیه جدید در صورت تشخیص ضرورت یا با کسب نظر از اتاق اصناف شهرستان

تبصره- وضعیت اموال، دارایی‌ها، حقوق و تعهدات اتحادیه‌ای که به دو یا چند اتحادیه تقسیم می‌گردد به موجب آیین‌نامه‌ای تعیین می‌شود که به پیشنهاد اتاق اصناف ایران توسط دبیرخانه هیئت عالی نظارت تهیه می‌شود و حداکثر ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون به تصویب وزیر صنعت، معدن و تجارت می‌رسد.

ماده ۳۴- ماده (۵۱) قانون^۴ به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۵۱- کمیسیون نظارت مکلف است نرخ کالاها و خدمات عمومی و انحصاری و کالاهای اساسی یارانه‌ای و ضروری را که هیئت عالی نظارت قیمت‌گذاری آنها را لازم تشخیص می‌دهد، بر اساس دستورالعمل قیمت‌گذاری آن هیئت برای مدت معین تعیین کند و به اتاق اصناف ذی‌ربط اعلام دارد. نرخ کالاها و خدماتی که از طرف مجلس شورای اسلامی، دولت یا شورای اقتصاد تعیین می‌شود، برای کمیسیون لازم‌الرعایه است.

اتاق اصناف شهرستان مکلف است مراتب را از طریق رسانه‌های گروهی برای اطلاع عموم آگهی و از طریق اتحادیه‌ها به افراد و



دادن اقدامات انجام شده آنها با قوانین و مقررات

د- رسیدگی به بودجه، ترازنامه و صورت‌های مالی مجامع امور صنفی و تصویب آنها

ه- سایر مواردی که در این قانون پیش‌بینی شده است.

تبصره ۱- کمیسیون نظارت موظف به اجرای تصمیمات هیئت عالی نظارت در حدود وظایف و اختیارات قانونی است.

تبصره ۲- کمیسیون نظارت هر شهرستان موظف است براساس امکانات و به منظور رعایت مصالح عمومی و حفظ حقوق دیگران در ابتدای هر سال براساس دستورالعمل تعیین شده از سوی هیئت عالی نظارت تعداد واحدهای مورد نیاز هر صنف را در هر شهرستان مشخص و جهت صدور پروانه کسب به اتحادیه‌های صنفی مربوط ابلاغ کند.

۴. ماده (۵۱) قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴: «ماده ۵۱- کمیسیون نظارت مکلف است انواع کالاها و خدمات واحدهای صنفی را که تعیین نرخ برای آنها از نظر کمیسیون ضرورت دارد، مشخص و نرخ آنها را برای مدت معین تعیین کند و به مجمع امور صنفی ذی‌ربط اعلام دارد. نرخ کالاها و خدماتی که از طرف مجلس شورای اسلامی، دولت یا شورای اقتصاد تعیین می‌شود، برای کمیسیون لازم‌الرعایه است. مجمع امور صنفی مکلف است مراتب را از طریق رسانه‌های گروهی برای اطلاع عموم آگهی و از طریق اتحادیه‌ها به افراد و واحدهای صنفی اعلام کند. کلیه افراد و واحدهای صنفی ملزم به رعایت نرخ‌های تعیین شده از طرف کمیسیون نظارت هستند.»

نیروی انتظامی شهرستان در کمیسیون نظارت بر اساس جزء (۵) بند (الف) ماده (۴۸) اصلاحی، نظر به اینکه مسئول نیروی انتظامی، مدیر کل و رئیس نیست، واژه «فرمانده» پیش از واژه «مدیرکل و رؤسای سازمان‌ها» اضافه شود.^۱

منشی جلسه - حاج آقا بند (الف) ماده (۴۸) می‌گوید: «... مرکب از مدیران کل و رؤسای سازمان‌ها و نهادهای استانی ...»

آقای سلیمی - در جزء (۵) هم می‌گوید: «نیروی انتظامی». مرکز تحقیقات می‌گوید چون مسئول نیروی انتظامی، نه رئیس و نه مدیر کل، پس باید بنویسند «فرمانده نیروی انتظامی».

آقای ره‌پیک - فرمانده همان رئیس است.

آقای علیزاده - ابتدای بند (الف) ماده (۴۸)، گفته‌اند «رؤسا» دیگر. رؤسا شامل فرماندهان هم می‌شود.

آقای سلیمی - باشد.

آقای ابراهیمیان - این نکته‌ای که در مورد آیین‌نامه فرمودید، معنایش این است که رویه‌ی قبلی شورای نگهبان هم همین بوده که اگر آیین‌نامه [برای مردم ایجاد وظیفه نکند، نیازی به تصویب در هیئت وزیران ندارد؟]

آقای علیزاده - این آیین‌نامه‌ای است که مربوط به امور داخلی یک اداره است و نیازی به مصوبه‌ی هیئت وزیران ندارد.

آقای سوادکوهی - نیازی به تصویب دولت ندارد اصلاً.

آقای علیزاده - مثل شرکت‌های دولتی، که باید برای چگونگی اداره‌ی جلسات داخلی خود آیین‌نامه تصویب کنند. [این موارد نیازی به تصویب هیئت وزیران ندارد].^۲

منشی جلسه - «ماده ۳۳- بند (الف) ماده (۴۹) و تبصره آن^۳

۱. تذکر (۲) مندرج در نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (مرکز تحقیقات شورای نگهبان)، شماره ۹۲۰۵۰۱۵، مورخ ۱۳۹۲/۵/۱۶، ص ۶، قابل مشاهده در نشانی: <http://yon.ir/EOdT>

۲. بند (۴) تذکرات مندرج در نظر شماره ۹۲۳۰/۵۱۵۵۵ مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۹ شورای نگهبان در خصوص لایحه اصلاح قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۹۲/۵/۱: «۴- در جزء (۱۱) بند (الف) و جزء (۱۲) بند (ب) ماده (۴۸) اصلاحی، واژه «اسلامی» پس از واژه «شورای» ذکر گردد.»

۳. ماده (۴۹) قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴: «ماده ۴۹- وظایف و اختیارات کمیسیون نظارت به شرح زیر است:

الف- ادغام اتحادیه‌ها یا تقسیم یک اتحادیه به دو یا چند اتحادیه و موافقت با تشکیل اتحادیه جدید

تبصره- وضعیت اموال، دارایی‌ها، حقوق و تعهدات اتحادیه‌ای که به دو یا چند اتحادیه تقسیم می‌گردد به موجب آیین‌نامه‌ای تعیین می‌شود که توسط دبیرخانه هیئت عالی نظارت تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید.

ب- نظارت بر انتخابات اتحادیه‌ها و مجامع امور صنفی

ج- رسیدگی و بازرسی عملکرد اتحادیه‌ها و مجامع امور صنفی و تطبیق



رعایت مقررات مربوط»، از وظایف شورای رقابت تعیین شده است. بنابراین به نظر من آوردن کلمه «انحصاری» در این مصوبه، ابهام دارد و تا حدودی با بند (۵) ماده (۵۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) در تعارض است. و احتمالاً یک مقدار اصطکاک در بازار ایجاد می‌کند، شبیه آنچه مثلاً در ارتباط با قیمت‌گذاری خودرو پیش آمد. البته در انتهای ماده (۵۱) ذکر شده که «نرخ کالاها و خدماتی که از طرف مجلس شورای اسلامی، دولت یا شورای اقتصاد تعیین می‌شود، برای کمیسیون لازم‌الرعایه است»؛ اما فکر می‌کنم این تا آنجایی که لازم است، پاسخ‌گوی وضعیتی که در بازار ما هست، نخواهد بود. از این جهت اگر نسبت «انحصاری» که در این ماده آمده، با آن وظیفه‌ای که به عهده کمیسیون نظارت است، روشن‌تر بشود، بهتر از وضعیتی است که در آن به این صورت کلی یا مطلق درباره‌ی انحصار، تعیین وظیفه شود.

آقای علیزاده - این قسمت [بند (۵) ماده (۵۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴)] مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام است یا مصوب مجلس؟

آقای ابراهیمیان - قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه و اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی است؟

آقای سوادکوهی - مصوب مجلس شورای اسلامی بوده که در تاریخ ۱۳۸۶/۱۱/۱۷ به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال شده و مجمع در تاریخ ۱۳۸۷/۳/۲۵ آن را تصویب کرده است. **آقای رهپیک** - ماده (۵۱) مصوبه که وارد موضوع خود کالای انحصاری نمی‌شود.

آقای سوادکوهی - مگر مصوبه درباره‌ی انحصار حرف نزده است؟

آقای رهپیک - گفته است اگر کالا یا خدماتی انحصاری بود، در مورد نرخ‌گذاری و ابلاغش، طبق این ماده عمل بشود. حالا اینکه چه مرجعی این کالاها و خدمات را انحصاری کرده است، در این مصوبه مطرح نیست. هر مرجعی که انحصاری‌اش کرده، فرقی نمی‌کند.

آقای سوادکوهی - نه، هیچ مرجعی که نمی‌تواند [کالا یا خدماتی را] انحصاری کند. انحصار تعریف دارد: «وضعیتی در بازار که سهم یک یا چند بنگاه یا شرکت تولیدکننده، خریدار و فروشنده از عرضه و تقاضای بازار به میزانی باشد که قدرت تعیین قیمت و یا مقدار را در بازار داشته باشد یا ورود

واحدهای صنفی اعلام کند. کلیه افراد و واحدهای صنفی ملزم به رعایت نرخ‌های تعیین‌شده از طرف کمیسیون نظارت هستند».

آقای سوادکوهی - بسم الله الرحمن الرحیم. با توجه به تعریفی که «انحصار» در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی دارد، فکر می‌کنم کلمه «انحصاری» در ماده (۵۱) مصوبه یک مقدار ابهام ایجاد می‌کند. چرا؟ چون که «انحصار» خودش یک تعریف خاص دارد که در بند (۱۲) ماده (۱) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی^۱ آمده است. در بند (۱۳) و (۱۴) همان قانون تعاریف دیگری برای انحصار قانونی و انحصار طبیعی آمده است.^۲ [با این تعاریف،] آیا کمیسیون نظارت می‌تواند در تمام موارد کالاها و خدمات انحصاری را نرخ‌گذاری یا تعیین قیمت کند یا خیر؟ ضمن اینکه به نظر می‌رسد ماده (۵۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی^۳ در مورد انحصار طبیعی، اختیاراتی هم برای شورای رقابت قائل شده است. در بند (۵) ماده (۵۸) همین قانون، «تصویب دستورالعمل تنظیم قیمت، مقدار و شرایط دسترسی به بازار کالاها و خدمات انحصاری در هر مورد با

۱. بند (۱۲) ماده (۱) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی: «انحصار: وضعیتی در بازار که سهم یک یا چند بنگاه یا شرکت تولیدکننده، خریدار و فروشنده از عرضه و تقاضای بازار به میزانی باشد که قدرت تعیین قیمت و یا مقدار را در بازار داشته باشد، یا ورود بنگاه‌های جدید به بازار یا خروج از آن با محدودیت مواجه باشد».

۲. بندهای (۱۳) و (۱۴) ماده (۱) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی:

«۱۳- انحصار طبیعی: وضعیتی از بازار که یک بنگاه به دلیل نزولی بودن هزینه متوسط، می‌تواند کالا یا خدمت را به قیمتی عرضه کند که بنگاه دیگری با آن قیمت قادر به ورود یا ادامه فعالیت در بازار نباشد.

«۱۴- انحصار قانونی: وضعیتی از بازار که به موجب قانون، تولید، فروش و یا خرید کالا و یا خدمت خاص در انحصار یک یا چند بنگاه معین قرار می‌گیرد».

۳. ماده (۵۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی: «ماده ۵۸- علاوه بر موارد تصریح شده در سایر مواد، این شورا وظایف و اختیارات زیر را نیز دارد:

۱- تشخیص مصادیق رویه‌های ضد رقابتی و معافیت‌های موضوع این قانون و اتخاذ تصمیم در مورد این معافیت‌ها در خصوص امور موردی مندرج در این قانون

۲- ارزیابی وضعیت و تعیین محدوده بازار کالاها و خدمات مرتبط با مواد (۴۴) تا (۴۸)

۳- تدوین و ابلاغ راهنماها و دستورالعمل‌های لازم به منظور اجرای این فصل و دستورالعمل‌های داخلی شورا

۴- ارائه نظرات مشورتی به دولت برای تنظیم لوایح مورد نیاز

۵- تصویب دستورالعمل تنظیم قیمت، مقدار و شرایط دسترسی به بازار کالاها و خدمات انحصاری در هر مورد با رعایت مقررات مربوط».

انحصاری پیش‌بینی شده است، تغییر آن باید با اصلاح قانون برنامه باشد نه با قانون دیگری.^۱ متنها من تردید دارم که در آن قانون برای قیمت‌گذاری کالاهای انحصاری، مکانیزمی تعیین شده باشد.

آقای سوادکوهی - بله مکانیزم تعیین شده است. چرا؟ چون که این قانون می‌گوید اگر بخواهید یک کالا یا خدمات انحصاری را قیمت‌گذاری کنید، باید چند شاخص را در نظر بگیرید که این شاخص‌ها یک مسئله‌ی فنی است. قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی، نرخ‌گذاری را به عهده‌ی شورای رقابت گذاشته است. چرا؟ چون مسئله‌ی درآوردن یک امر از انحصار دولت، موضوع بسیار مهمی است. در تعیین چگونگی قیمت‌گذاری این کالاها و خدمات انحصاری، شما باید مسئله‌ی رقابت و بسیاری از شاخص‌ها را لحاظ کنید. باید دستورالعمل بنویسید و بعد طبق آن دستورالعمل و با توجه به مسائلی که در تنظیم آن هست، می‌توانید قیمتی را استخراج کنید. مثلاً در مورد مخابرات، در ارتباط با تنظیم قیمت برای هر پالس تلفن، شما باید یک شاخصی داشته باشید تا بدانید چه قیمتی می‌شود برایش منظور کرد. این یک کار کاملاً فنی است. یعنی شما باید ملاحظاتی را داشته باشید و بعد با تنظیم دستورالعمل، یک قیمتی را برای آن استخراج کنید.

آقای علیزاده - حالا ماده (۵۱) مصوبه هم نگفته که جنبه‌ی فنی را در نظر نگیرند.

آقای سوادکوهی - نه نگفته، ولی قیمت‌گذاری به این نحو، به نظر می‌رسد ساده گرفتن این قضیه است؛ در حالی که به این سادگی که در این مصوبه گفته‌اند، نمی‌شود که این کالاها را قیمت‌گذاری کرد.

آقای علیزاده - مجلس است [و این‌گونه تشخیص داده است]؛ این یک امر مصلحتی است دیگر [که تشخیص بر عهده‌ی مجلس است].

آقای ره‌پیک - حالا مغایر قانون اساسی که نیست.

آقای علیزاده - نه.

آقای ابراهیمیان - از این حیث که طبق آیین‌نامه‌ی داخلی مجلس، تغییر در برنامه‌ی توسعه باید با اصلاح قانون برنامه

بنگاه‌های جدید به بازار یا خروج از آن با محدودیت مواجه باشد.»

این تعریف انحصار است. برای این نوع کالا و خدمات نمی‌شود قیمت تعیین کرد و شما نمی‌توانید بگویید یک کمیسونی بیاید برای کالاها یا خدمات انحصاری قیمت تعیین کند. انحصار یک وضعیتی در بازار است و این ماده با آنچه که در تعریف انحصار گفته شده، سازگار به نظر نمی‌رسد. یعنی اگر بخواهید بگویید ماده (۵۱) مصوبه در مورد انحصار طبیعی یا قانونی است، بندهای (۱۳) و (۱۴) ماده (۱) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی، انحصار طبیعی و انحصار قانونی را هم تعریف کرده و گفته چیست. بنابراین به نظر می‌رسد ماده (۵۱) مصوبه، با وضعیتی که اخیراً در ارتباط با مسئله‌ی امور انحصاری در کشور پیش آمد، یک مقدار ایجاد شبهه می‌کند. یعنی به نظر می‌رسد گذاشتن وظیفه‌ی نرخ‌گذاری کالاها و خدمات انحصاری بر عهده‌ی کمیسیون نظارت، ایراد دارد.

آقای علیزاده - قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی مربوط به جاهایی است که دارد واگذار می‌شود، اما ماده (۵۱) مصوبه برای مواردی غیر از آن واگذاری‌ها است.

آقای سوادکوهی - قبلاً که چیزی در قانون نظام صنفی نبوده است، الآن این را در این قانون آورده‌اند. این مسئله در قانون قبلی نبود و مسئله‌ی بسیار مهمی هم است که یک کمیسیون بخواهد برای امور انحصاری قیمت تعیین کند.

آقای علیزاده - حالا اگر نرخ‌گذاری روی کالاها و خدمات انحصاری را کمیسیون انجام دهد، اشکالی پیدا می‌شود؟ از جهت قانون اساسی می‌گوییم.

آقای سوادکوهی - نمی‌شود در مورد کالاها و خدمات انحصاری قیمت‌گذاری کرد. بر اساس آنچه که در قانون در تعریف امور اقتصادی هست، در موارد انحصاری شما نمی‌توانید بگویید یک مرجعی می‌تواند برایش قیمت‌گذاری بکند.

آقای علیزاده - چرا؟

آقای ره‌پیک - نرخ‌گذاری بکنند، مگر چه می‌شود؟

آقای علیزاده - بالاخره این کالاها و خدمات را قیمت‌گذاری که باید بکنند.

آقای سوادکوهی - مگر اینکه قانونی بگذرانیم و قانون قبلی را به نحوی اصلاح کنیم.

آقای ابراهیمیان - به‌موجب آیین‌نامه‌ی داخلی مجلس، اگر در قانون برنامه‌ی چهارم توسعه، روشی برای قیمت‌گذاری کالاها

۱. ماده (۱۸۵) آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۸۵ - اصلاح قانون برنامه توسعه در ضمن لایحه بودجه مبتنی بر آن برنامه و نیز دیگر طرح‌ها و لوایح با رأی دو سوم نمایندگان حاضر پذیرفته می‌شود و هر گونه اصلاح نیز با رأی دو سوم نمایندگان معتبر خواهد بود.»

باشد، [اشکال دارد].

آقای ره‌پیک - خود نمایندگان باید رعایت کنند دیگر.

آقای یزدی - بالاخره از نظر قانون اساسی، اشکال دارد.

آقای ره‌پیک - چرا؟

آقای یزدی - ملاک قیمت‌گذاری در اینجا چیست؟

آقای سلیمی - نمی‌خواهید بگویید در تنظیم این ماده، ماده (۵۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی هم باید رعایت شود؟

آقای ره‌پیک - آن را هم باید رعایت کنند. همه‌ی قوانین را باید رعایت کنند.

آقای علیزاده - به نظر من این دو قانون مربوط به دو امر جداگانه است. قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی مربوط به واگذاری‌ها است، اما قانون نظام صنفی مربوط به عموماً است.

آقای سوادکوهی - نه، نیست.

آقای علیزاده - این قانون، اصلاً آن قانون را نفی نمی‌کند.

آقای ابراهیمیان - ماده (۳۴) مصوبه، استثنایی که کرده این است که نرخ کالاها و خدمات اگر از طرف مجلس شورای اسلامی، دولت یا شورای اقتصاد تعیین شود، برای کمیسیون لازم‌الرعايه است؛ در غیر این صورت نرخ‌گذاری بر عهده‌ی این کمیسیون است. استثنایی که در اینجا هست، مربوط به مجلس شورای اسلامی، دولت و شورای اقتصاد است؛ بنابراین با این انحصار مفهوم این ماده این است که محدودیت دیگری برای کمیسیون در قیمت‌گذاری کالاها و خدمات انحصاری نیست. اما قانون اصلاح برنامه‌ی چهارم توسعه و اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی، اقتضا می‌کرده مکانیزم دیگری پیش‌بینی بشود. عرضم این است که اگر ماده (۳۴) مصوبه با آن قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) مغایر باشد، طبق آیین‌نامه‌ی داخلی مجلس، [جز با اصلاح قانون برنامه نمی‌توان آن را تغییر داد].

آقای علیزاده - این به ما ربطی ندارد. [نمایندگان، خودشان] آیین‌نامه‌ی داخلی را رعایت نکرده‌اند.

آقای ابراهیمیان - نه عرضم این است که اگر آیین‌نامه‌ی داخلی مجلس شورای اسلامی رعایت نشود، پس در واقع این مصوبه، مغایر قانون اساسی است.

آقای علیزاده - مغایر نیست. ما اصل (۶۵) قانون اساسی^۱ را ناظر به همه جای آیین‌نامه نمی‌دانیم. اصل (۶۵) فقط به رعایت نصاب مربوط می‌شود.

آقای ابراهیمیان - اصل (۶۵) اطلاق دارد.

آقای شب‌زنده‌دار - بسم الله الرحمن الرحيم. من ابتدائاً این عبارت «تحریرالوسيله» را می‌خوانم. امام (ره) در باب احتکار فرموده‌اند: «... یُجبر المَحْتَكِر علی البیع و لا یعین علیه السعر علی الاحوط، بل له أن یبیع بما شاء الا اذا أجحف، فیجبر علی النزول من دون تسعیر علیه، و مع عدم تعیینه یعین المحاکم بما یری المصلحة»^۲ بنابراین نرخ‌گذاری حق حاکم است، در صورتی که محکوم در تعیین قیمت اجحاف کند و حاضر نباشد از قیمت نزول کند، در این صورت فرموده‌اند حاکم می‌تواند تسعیر [= قیمت‌گذاری] کند. البته بعضی از فقها در مواردی غیر از احتکار نیز گفته‌اند اگر اختلال در نظام لازم بیاید، در آنجا هم به همین شکل حق تسعیر برای حاکم هست. حالا ماده (۳۴) این مصوبه، به‌طور مطلق به کمیسیون نظارت، حق تسعیر داده و کمیسیون را ملزم کرده که کالاها و خدمات انحصاری را نرخ‌گذاری کند. حالا در خصوص تسعیر کالاها و خدمات اساسی که یارانه برایش پرداخت می‌شود و امثال آن، مشکلی نیست. ممکن است کمیسیون نظارت بگوید ما به این کالاها یارانه می‌دهیم، پس واحدهای صنفی باید این کالاها را به این قیمت بفروشند. اما در غیر این موارد و به‌صورتی که اینها خودشان [= هیئت عالی نظارت]، ضرورتی را تشخیص می‌دهند، آیا کمیسیون نظارت حق تسعیر دارد؟ به‌حسب این فتاوا، نه؛ این حق ولیّ امر است، مگر اینکه ایشان این حق را به مجلس شورای اسلامی واگذار کرده باشد.

آقای یزدی - در حقیقت اگر حق تسعیر در این مصوبه برای اتحادیه‌ی اصناف گذاشته شده است، معنایش این است که ولیّ

۱. اصل شصت و پنجم قانون اساسی: «پس از برگزاری انتخابات، جلسات مجلس شورای اسلامی با حضور دو سوم مجموع نمایندگان رسمیت می‌یابد و تصویب طرح‌ها و لوایح طبق آیین‌نامه مصوب داخلی انجام می‌گیرد، مگر در مواردی که در قانون اساسی نصاب خاصی تعیین شده باشد.»

۲. «و باید شخص محکوم به فروختن اجبار شود و بنا بر احتیاط قیمت برای او تعیین نشود؛ بلکه حق دارد به هر قیمت که می‌خواهد، بفروشد، مگر آنکه اجحاف کند؛ پس او را اجبار می‌کنند که قیمت را پایین بیاورد - بدون آنکه برایش قیمت تعیین نمایند - و اگر او قیمت تعیین نکرد، حاکم شرع قیمتی را که مصلحت می‌بیند، معین می‌کند.» موسوی خمینی، سید روح‌الله، تحریرالوسيله، ترجمه علی اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۲۱، ۱۴۲۵ هـ.ق، ج ۲، ص ۳۶۰.

آقای یزدی - اگر این تصور در میان نباشد، بنابراین سیستم مورد تأیید [ولی امر] است.

آقای شب‌زنده‌دار - سؤال این است که ایشان [= ولی امر] تفویض اختیار فرموده‌اند یا نه؟

آقای یزدی - سیستم مورد تأیید است. رهبری که نباید بگوید ماشین را این قیمت بفروشید، پنی‌ر را این قیمت و خرما را آن قیمت!

آقای شب‌زنده‌دار - من این را نمی‌گویم.

آقای یزدی - اینها معنا ندارد. مقتضیات زمان و مکان، کمبود عرضه و تقاضا و ده‌ها عامل اقتصادی دیگر در قیمت‌گذاری نقش دارد. وقتی یک مؤسسه‌ای حق قیمت‌گذاری پیدا کرد به اختلاف شرایط، قیمت هم اختلاف پیدا می‌کند.

آقای علیزاده - آقای شب‌زنده‌دار در مورد تقنینش می‌فرمایند. ببینید، آقا [= مقام معظم رهبری] هم که فرمودند در مواردی [از تقنین] که نیاز به اجازه‌ی ولی فقیه دارد، من [آنها را اجازه دادم]؛ اما اینهایی که در حیطه‌ی اختیار دولت است، دولت می‌تواند [آن امور را انجام دهد]؛ چون حاکمی که می‌گوییم در اینجا به معنای دولت است.

آقای یزدی - دولت مجاز است از طرف ولی امر این کار را انجام دهد؛ [چون] دولتی است که زیر نظر ولی امر است.

آقای علیزاده - در قانون اساسی ما که مورد تأیید ولی فقیه هم قرار گرفته است، مجموعه‌ی حکومت دارای سه مرجع است؛ قوه‌ی مقننه که قانون را وضع می‌کند، قوه‌ی مجریه که اجرا می‌کند و قوه‌ی قضائیه که قضاوت می‌کند.

آقای یزدی - همه‌ی اینها از طرف ولی امر مجازند.

آقای علیزاده - اگر ما بخواهیم در همه‌ی امر و نهی‌هایی که مجلس می‌خواهد تصویب کند بگوییم باید بروند جداگانه از ولی فقیه اجازه بگیرند، امکان‌پذیر نیست. آن مواردی که جزو اختیارات خاص ولی فقیه است، بله باید از او اجازه بگیرند.

آقای شب‌زنده‌دار - در چه مواردی، مصوبات به شورای مصلحت می‌رود؟

آقای علیزاده - مجمع تشخیص مصلحت؟

آقای شب‌زنده‌دار - بله.

آقای علیزاده - در مواردی که فقهای شورای نگهبان مصوبه‌ی مجلس شورای اسلامی را خلاف بین شرع تشخیص دهند.

آقای شب‌زنده‌دار - خلاف بین شرع باشد. خب [این مصوبه هم خلاف بین شرع است].

امر از طریق مجلس شورای اسلامی، کالاها و خدمات را تسعیر می‌کند. این معنا را دارد. و آلا ولی امر که مستقیم در هر مسئله‌ای وارد نمی‌شود. مثلاً نمی‌گوید اگر زید می‌خواهد خانه‌اش را اجاره بدهد، به این مبلغ بدهد یا اگر عمرو می‌خواهد جنسی را بفروشد، به این مبلغ بفروشد. نه، آن مقامی که در مقررات قانونی یا در مقررات صنفی مثل همین مقررات، حق تسعیر را به او داده‌اند، معنایش این است که از طریق ولی امر این حق را پیدا کرده است. البته اگر قانون این را بگوید.

آقای شب‌زنده‌دار - سؤال بنده همین است که واقعاً ایشان [حق تسعیر را به مجلس شورای اسلامی واگذار کرده است یا نه]. آخر معلوم نیست که اینها [= کمیسیون] ضوابطی دارند و عدالت و جهات دیگر را مراعات می‌کنند یا نه. بله، ممکن است ولی امر، یک گروهی را معین بفرمایند و بگویند اگر شما ضرورت تشخیص دادید، [کالاها و خدمات را نرخ‌گذاری کنید].

آقای یزدی - الان همین مصوبه دارد آن ضوابط را معین می‌کند. **آقای شب‌زنده‌دار -** اما آیا ولی امر، حق تسعیر را به این کمیسیون نظارت یا هر جای دیگر یا هر فرد دیگری تفویض فرموده و گفته که در هر جایی به هر شکلی و هر افرادی که بودید، می‌توانید تسعیر کنید؟! من از خود آقا [= مقام معظم رهبری] که سؤال کردم، ایشان فرمودند من انشای تفویض نکرده‌ام.

آقای یزدی - تفویض ولی امر این نیست که ایشان به هر شهر یا روستایی بروند و بگویند شما این کار را باید بکنید و شما آن کار را باید بکنید. وقتی یک نظامی تعیین شد و قانونی در مجلس شورای اسلامی یا دولت تصویب شد و شورای نگهبان هم آن را تأیید کرد، معنایش این است که این قانون مورد تأیید ولی امر است؛ بنابراین اگر مثلاً یک اتحادیه‌ی صنفی در آن طرف مملکت، در دورترین نقطه‌ی مملکت به تناسب خصوصیات آن شهر، یک قیمتی می‌گذارد، این از طرف ولی امر مجاز است؛ نه اینکه رهبری مستقیماً بگویند آقای مثلاً مشهدی فلان، شما وقتی می‌خواهید ماشینتان را بفروشید، در این شهر باید این‌جور عمل کنید و در آن شهر، آن‌جور. این‌جور که نیست. یک مجموعه است که مورد قبول ولی امر است. این یک مبنای کلی است که باید یکی دو بار در خدمت شما با هم بحث کنیم. شما تصورتان این است که اجازات ولی امر، باید برای مورد به مورد و در همه‌ی موارد باشد.

آقای شب‌زنده‌دار - نه، من این را نمی‌گویم.

کشور است و به هر طرف بخواهند بروند، می‌آیند از قم رد می‌شوند را در نظر بگیرید، با یک شهری که رفت و آمد کمی در آن صورت می‌گیرد. اختیارات کسی که در قم اختیار وضع مالیات دارد، با اختیارات مسئولی که در یک شهر کم رفت و آمد مسئولیت دارد، فرق می‌کند. حالا آیا ما می‌توانیم بگوییم به این مسئول اجازه داده‌اند این‌طور مالیات وضع کند و به آن یکی اجازه داده‌اند جور دیگری وضع کند؟ نه، یک قانون است که مقاماتی که اختیار وضع مالیات را دارند، مشخص کرده است؛ مثلاً ظاهراً وزیر کشور است و شورای شهر و یکی دیگر.

آقای علیزاده - منظورتان عوارض است؟

آقای یزدی - بله، همین وضع عوارض. [دولت] اعلام می‌کند شما که از این دروازه وارد شهر می‌شوی و از آن دروازه خارج می‌شوی، باید ده تومان بدهی. خب، این ده تومان را برای چه باید بدهند؟ چرا حق دارد بگوید باید ده تومان بدهی؟ می‌گوید برای اینکه این راه را من برای مردم درست کرده‌ام، آسفالتش کرده‌ام و امنیتش را حفظ می‌کنم و من به عوارض رسیدگی می‌کنم. در اینجا «من» به معنای حکومت است، نه به معنای یک شخص معین. حالا در اینجا منظور از اینکه که ولی امر اجازه داده‌اند برای قیمت‌گذاری، معنایش این نیست که به هر اتحادیه‌ی صنفی به خصوص آن اتحادیه صنفی اجازه بدهند. اگر یک قانونی می‌گوید اتحادیه‌های صنفی حق دارند به تناسب اوضاع و احوال اصنافشان و زمان و شرایط دیگر، [قیمت‌گذاری کنند، معنایش این است که از ولی امر اجازه دارند قیمت‌گذاری کنند]. مثلاً امسال یک جنسی خیلی زیاد است یا خیلی کم است یا نیاز مردم به یک جنسی بیشتر یا کمتر است؛ حالا با دسته‌بندی‌هایی که خودشان دارند از قبیل اجناس حیاتی، اجناس تشریفاتی، اجناس جانبی. مثلاً آب، نان، مواد غذایی و دارو و امثال اینها چیزهایی است که قیمت‌گذاری‌اش یک جور است و کالاهای دیگر، جور دیگر. در هر صورت من خیال می‌کنم این حق تسعیر که برای اتحادیه‌های اصناف گذاشته شده است، معنایش این نیست که باید در همه جا یک‌جور قانون بگذارند؛ یک اختیاری به کمیسیون نظارت داده شده تا تناسبات محل و زمان و مکان و جنس و کالا و کمی و زیادی‌اش را [در قیمت‌گذاری] لحاظ کند. مثلاً یک اجناسی در مناطق مرزی، چون به مرز نزدیک‌تر است و زیاد وارد می‌شود، هزینه‌اش کمتر است از آن مناطقی که از مرز دورتر است و کالا برای رسیدن به آنجا باید از آن طرف مرز تا مثلاً آخرین نقطه‌ی کشور [در سمت

آقای علیزاده - اما در اینجا مجلس بر اساس مصالح می‌گوید اولاً دولت می‌تواند قیمت کالاها و خدمات را تعیین کند؛ ثانیاً من می‌گویم این بخش از دولت تعیین کند.

آقای یزدی - مثل این است که می‌گوییم نمایندگان می‌توانند قانون‌گذاری کنند؛ قانون‌گذاری‌ای که بر اساس مصالح کشور باشد.

آقای علیزاده - قانون اساسی اجازه‌ی تقنین در همه‌ی امور را به مجلس شورای اسلامی داده است.^۱

آقای یزدی - این نظام که دارای سه قوه است و هر قوه‌ای بر اساس مقررات یک سری اختیارات، سازمان‌ها و زیرمجموعه‌ای دارد و هر سازمانی هم یک سری اختیارات دارد، مورد تأیید ولیّ امر است؛ این نظام، مورد تأیید ولیّ امر است، نه اینکه ایشان به تک تک این سازمان‌ها و نهادها اجازه داده باشند یا مثلاً به این بخش اجازه داده باشند و به آن بخش اجازه نداده باشند. مجموعه‌ی این سیستم [از طرف ولی امر مجاز شمرده شده است]. من اتفاقاً یادم است که یک وقتی این بحث، هم در اینجا با حاج آقای مؤمن و دیگران مطرح شد و هم در یک جایی در محضر امام (ره) مطرح شد که آیا رهبری مثلاً می‌تواند بگوید اصلاً من این سیستم را قبول ندارم، اصلاً این سه قوه بروند کنار، ما می‌خواهیم یک حکومت مثلاً خلافتی داشته باشیم. بله می‌تواند این کار را بکند و بگوید یک حکومت خلافتی درست می‌کنیم و در هر استانی یک مأمور می‌گذاریم تا استان را اداره کند، مثل بعضی کشورها که به شکل ایالتی اداره می‌شوند؛ ولی فقیه می‌تواند این کار را بکند، چنانچه می‌تواند این سیستمی که الآن حاکم هست را اجازه بدهد یا هر سیستم دیگری را حاکم کند. اما مجموعه‌ی یک سیستم اگر مورد قبول قرار گرفت، به اصطلاح رنگ و بوی ولایت در آن جریان پیدا می‌کند و ولایت در حقیقت در تمام این مجموعه حرکت می‌کند، البته با نظارت‌هایی که وجود دارد. نه تنها شورای نگهبان بر مجلس شورای اسلامی نظارت می‌کند، بلکه رئیس مجلس شورای اسلامی هم بر مصوبات دولت نظارت می‌کند تا ببیند آن مصوبات با قوانین تطبیق می‌کند یا نمی‌کند. همین‌طور حالا ریزتر که بشویم، می‌رسیم به این مصوبه که کمیسیون نظارت در یک گوشه‌ای می‌خواهد قیمت‌گذاری کند. برای مثال وضع مالیات [= عوارض رفت و آمد خودروها] در قم که چهارراه

۱. اصل هفتاد و یکم قانون اساسی: «مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند.»

مطلق داریم [به مجلس و به تبع مجلس، به کمیسیون نظارت] اجزای تسعیر می‌دهیم. خود پیغمبر اکرم (ص) به حسب روایات می‌گویند تسعیر برای این موارد است.

آقای یزدی - اجحاف بحث دیگری است. اجحاف جایز نیست، اسراف جایز نیست ...

آقای شب‌زنده‌دار - ما اسراف را نمی‌گوییم. فروشنده دارد یک جنسی را معجفانه می‌فروشد. اگر حاضر نیست از اجحاف دست بردارد، ولی امر یا کسانی که این حق به آنها تفویض شده مثل مجلس، می‌آیند و تسعیر می‌کنند؛ اما آنجا که اجحافی در کار نیست، آنجا حوزه‌ی ولایت نیست.

آقای یزدی - اجحاف است یا نیست، تکلیف را چه کسی باید معین کند؟ به دستگاه قضایی شکایت می‌کند [و تکلیف را روشن می‌کند].

آقای شب‌زنده‌دار - اصل کلی این است که حق تسعیر در جایی است که فروشنده اجحاف می‌کند.

آقای عزیزاده - جناب آقای سلیمی، بفرمایید.

آقای سلیمی - بسم الله الرحمن الرحیم. البته دلیلی که حضرت آقای شب‌زنده‌دار از تحریرالوسیله خواندند، در باب احتکار است.

آقای شب‌زنده‌دار - همان‌جا که خیلی مهم است.

آقای سلیمی - در آنجا بحث بر سر مال احتکار شده است که می‌خواهند تسعیر کنند و حضرت امام (ره) فرموده‌اند که تسعیر نشود.

آقای یزدی - در انبار محترک را باز می‌کنند و کالاهایش را قیمت می‌گذارند و ...

آقای سلیمی - آن مطلب خاصی است. حالا این دلیل خاص است.

آقای شب‌زنده‌دار - چون مهم‌تر است، [امام (ره)] این‌طور گفته‌اند.

آقای سلیمی - عیبی ندارد، اگر قیاس بفرمایید ...

آقای شب‌زنده‌دار - قیاس نیست.

آقای سلیمی - یا نه، تنقیح مناط کنید و بخواهید استدلال کنید و به موارد دیگر تسری بدهید، حرفی نیست؛ وگرنه دلیل شما در یک مورد خاص است. از این عبارت، نمی‌توانید در اینجا استفاده کنید. به آن روایتی که می‌فرمایید، می‌توانید استناد کنید، ولی این فرمایش امام (ره) منحصرأ به احتکار مربوط است.

آقای یزدی - در یک جایی ولی امر هم می‌تواند در انبار را باز بکند و جنس‌ها را بدون رضایت طرف [قیمت‌گذاری کند و در معرض فروش قرار دهد]. این موارد حسابش جدا است.

دیگر] بیاید. بنابراین این از اختیارات کمیسیون نظارت است.

آقای شب‌زنده‌دار - ببینید من عرضم این است: یک مسئله این است که بالاخره [حق تسعیر] به‌طور کلی به مجلس شورای اسلامی تفویض شده است یا نه. فرض می‌کنیم که شده است. حالا خود اصیل در کجا حق تسعیر دارد؟

آقای یزدی - چه کسی؟

آقای شب‌زنده‌دار - خود اصیل، یعنی خود رهبری. خود رهبری، شرعاً کجا حق تسعیر دارد که حالا این حق را به مجلس شورای اسلامی تفویض می‌کند؟

آقای یزدی - اصلاً رهبری نباید کاری به تسعیر داشته باشد. اگر رهبر است، باید بگوید شما برو تسعیر کن، شما برو [کالا را] بیاور و شما هم فلان کار را بکن. رهبری معنایش این نیست که با مشهدی حسن و مشهدی حسین کار کند.

آقای شب‌زنده‌دار - آنجایی که می‌خواهد خودش تسعیر کند ...

آقای یزدی - رهبری یک کشور را دارد اداره می‌کند.

آقای شب‌زنده‌دار - می‌دانم. در باب احتکار روایت داریم که مردم آمدند خدمت پیغمبر اکرم (ص) [و از ایشان خواستند که بر روی کالاهای احتکار شده قیمت بگذارند، ولی] ایشان برافروخت ...^۱

آقای یزدی - بله، یک جایی هم پیغمبر اکرم (ص) قیمت‌گذاری کرده‌اند، درست است.

آقای شب‌زنده‌دار - به این زودی که نمی‌شود تسعیر کرد.

آقای یزدی - امیرالمؤمنین (ع) هم یک روز به بازار آمدند و یک کالایی را گران کردند و کالای دیگری را ارزان. بله اینها درست است.

آقای شب‌زنده‌دار - خب حرف بر سر این است که ولی امری که می‌خواهد ولایت خودش را به مجلس تفویض کند، محدوددهی ولایتش کجا است؟ آنجایی است که فروشنده اجحاف می‌کند و حاضر نیست دست از اجحاف بردارد، ولی ما در اینجا به‌طور

۱. «مر رسول الله (ص) بالمحتکرین فأمر بحُكْرَتِهِمْ أَنْ يَخْرُجَ إِلَى بَطْنِ الْأَسْوَاقِ وَ حَيْثُ تَنْظَرُ الْأَبْصَارُ لِيَهَا فَيَقِيلُ لِرَسُولِ اللَّهِ (ص) لَوْ قَوْمَتْ عَلَيْهِمْ فَعَضِبَ حَتَّى عُرِفَ الْغَضَبُ فِي وَجْهِهِ وَ قَالَ أَنَا أَقْوَمُ عَلَيْهِمْ أَنَّمَا السَّعْرُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ...» شيخ صدوق، التوحيد، تحقيق و تصحيح هاشم حسيني، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۱، ۱۳۹۸ هـ.ق، ص ۳۸۸.

ترجمه روایت: «پیامبر اکرم (ص) با محتکرین برخورد کرد؛ دستور داد که کالاهای آنها را بیرون بیاورند و در میان بازار عرضه کنند تا در منظر همگان باشد. به پیامبر (ص) گفتند: چه خوب بود قیمت‌گذاری می‌کردی. حضرت عصبانی شدند، به‌طوری که آثار خشم در چهره‌ی ایشان پیدا شد و فرمودند: من قیمت‌گذاری کنم؟ قیمت به دست خدا است ...»

عبارت، مسئله‌ی احتکار را نمی‌گوید و عمومیت دارد. این مشکل را حل می‌کند. همین را می‌خواستم عرض کنم.

آقای علیزاده - ماده‌ی بعدی را بخوانید. ما که یادمان نمی‌آید تا به حال اینها [= کمیسیون‌های نظارت اتحادیه‌های صنفی] قیمت‌گذاری کرده باشند.

منشی جلسه - «ماده ۳۵- ماده (۵۲) قانون و تبصره آن^۲ به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۵۲- کمیسیون نظارت موظف است برای نظارت بر واحدهای صنفی، بازرسان و ناظرانی از بین معتمدان خود تعیین کند. گزارش بازرسان و ناظران برای مراجع قانونی ذی‌صلاح قابل پیگیری است. برای بازرسان و ناظران از سوی کمیسیون نظارت کارت شناسایی صادر می‌شود.

تبصره- دبیرخانه هیئت عالی نظارت موظف است ظرف شش ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون، آیین‌نامه چگونگی انتخاب و تأمین مالی بازرسان و ناظران موضوع این ماده و چگونگی نظارت و برخورد با تخلف‌های آنها را تهیه کند و به تصویب وزیر صنعت، معدن و تجارت برساند.»

آقای علیزاده - این تبصره خیلی کلی است؛ گفته است: «... و چگونگی نظارت و برخورد با تخلف‌های آنها ...»

آقای اسماعیلی - آیین‌نامه است دیگر.

آقای علیزاده - می‌دانم ولی «چگونگی نظارت» هیچ ضابطه‌ای نمی‌خواهد؟ می‌توانند هر چیزی بنویسند؟!

آقای ره‌پیک - تبصره در خصوص بازرسان و ناظران است.

آقای علیزاده - بله دیگر، بازرسان و ناظرانی که می‌خواهند بروند بر کار مردم نظارت بکنند.

آقای یزدی - می‌گوید دبیرخانه‌ی هیئت عالی نظارت باید این آیین‌نامه را برای خودش تهیه کند.

→

انجام دهد؛ مانند ثابت نگه‌داشتن قیمت‌ها، محدود کردن تجارت، یا غیر آن از آنچه در حفظ نظام و صلاح جامعه نقش دارد.» موسوی خمینی، سید روح‌الله، تحریرالوسیله، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، ج اول، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۲۶، مسئله (۷).

۲. ماده (۵۲) قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴: «ماده ۵۲- کمیسیون نظارت برای نظارت بر نرخ‌گذاری کالاها و خدمات موظف است ناظرانی از بین معتمدان خود و مصرف‌کنندگان انتخاب و معرفی کند. گزارش ناظران برای مراجع قانونی ذی‌صلاح موضوع ماده (۷۲) قابل پیگیری است. برای ناظران از سوی کمیسیون نظارت کارت شناسایی صادر می‌گردد. تبصره- کلیه امور ناظران اعم از عزل و نصب آنها بر عهده وزارت بازرگانی است.»

آقای سلیمی - این متن فرمایش امام (ره) در باب احتکار است. البته آن مبنای کلی را شما می‌خواهید از آن روایات استنباط کنید. بله، اصلاً حاکم اسلامی حق تسعیر ندارد؛ بازار خودش با عرضه و تقاضا قیمت را تعیین می‌کند. کالایی که کم است، نوعاً قیمتش بالا می‌رود و کالایی که زیاد است، خودبه‌خود قیمتش پایین می‌آید. قیمت، خودش تنظیم می‌شود و حکومت نباید در بازار دخالت کند.

آقای شب‌زنده‌دار - مگر اینکه در نظام اقتصادی، اخلاص شود. آن هم هست.

آقای سلیمی - حالا در آنجا خودتان می‌توانید به‌طور کلی به آن نتیجه برسید، ولی این استدلال [بر نفي صلاحیت قیمت‌گذاری در این مصوبه]، از این فتوای حضرت امام (ره) بر نمی‌آید.

آقای علیزاده - نه، از فتوای امام (ره) این را می‌فهمیم که حکومت هم [می‌تواند تسعیر کند].

آقای سلیمی - اگر بخواهید بگویید که طبق نظر امام (ره)، این دستور [= دادن اختیار قیمت‌گذاری به کمیسیون نظارت] اشکال دارد، [درست نیست و فتوای امام (ره)] این را نمی‌رساند.

آقای شب‌زنده‌دار - چرا، بحث اولویت است. وقتی در جایی که مردم به اجناس احتکارشده نیاز دارند، حاکم دستش [در قیمت‌گذاری] بسته است، مگر در صورتی که محتکر [در تعیین قیمت کالا] در حق مردم اجحاف کند، پس [به طریق اولی] در جایی که احتکار نیست، حاکم نمی‌تواند قیمت‌گذاری کند.

آقای ابراهیمیان - حاج آقا می‌فرمایند از نظر فقهی، قیمت‌گذاری باید یک مبنایی داشته باشد.

آقای علیزاده - حالا حضرت آیت‌الله مؤمن مطلبی دارند، گوش بدهیم ببینیم چیست.

آقای یزدی - در زمان جنگ اصلاً آن‌قدر محدود می‌کنند که حتی جنس‌ها را درجه‌بندی می‌کنند. در زمان صلح هم وضعیت جور دیگری است.

آقای علیزاده - آقای مؤمن می‌خواهند تحریرالوسیله را بخوانند. بفرمایید.

آقای مؤمن - عرض کنم که این در قسمت ملحقات تحریرالوسیله است: «السابع- للامام علیه‌السلام و والی المسلمین أن يعمل ما هو صلاحٌ للمسلمین من تثبیت سعر أو صنعَةٍ أو حذف تجارةٍ أو غیرها مما هو دخیل فی النظام و صلاحٌ للجماعة.»^۱ این

۱. «امام و سرپرست مسلمانان می‌تواند کاری را که به‌صلاح مسلمانان است،

←

«معتدان» انتخاب می‌شوند.

آقای علیزاده - این تبصره حتی نگفته که آیین‌نامه بر اساس این قانون تهیه بشود. حتی نگفته که این آیین‌نامه، آیین‌نامه‌ی اجرایی است. واقعاً این با این اطلاق، ایراد دارد. من نظرم این است که بنویسیم اگر منظور شما آیین‌نامه‌ی اجرایی است، تصریح کنید.

آقای یزدی - تبصره گفته است: «... پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون ...».

آقای علیزاده - درست است، گفته‌اند ظرف شش ماه پس از لازم‌الاجرا شدن؛ ولی نگفته‌اند این آیین‌نامه باید بر اساس این قانون یا با رعایت فلان موارد تهیه شود و همچنین نگفته‌اند بازرسان باید چه شرایطی داشته باشند. واقعاً کلیات این تبصره اشکال دارد. حرف آنها [= کارشناسان مرکز تحقیقات] در مورد مغایرت این تبصره با اصل (۸۵) صحیح است. البته نظرشان درباره‌ی مغایرت با اصل (۳۶) درست نیست. فقط اطلاقش خلاف اصل (۸۵) قانون اساسی است.

حضرات آقایانی که اطلاق این تبصره را خلاف اصل (۸۵) قانون اساسی می‌دانند، رأی بدهند. آقای دکتر اسماعیلی رأی می‌دهند. خب چند نفر شدیم؟

منشی جلسه - چهار رأی دارد.

آقای علیزاده - چطور؟

منشی جلسه - آقایان رأی ندادند. پنج رأی شد.

آقای علیزاده - آقای دکتر، باید برای بازرسان شرایط تعیین کنند.

آقای ابراهیمیان - این بازرسان هم برای امور داخلی و اداری هیئت عالی نظارت انتخاب می‌شوند دیگر!

آقای علیزاده - نه، برای امور داخلی نیست. این بازرس‌ها باید بروند و بر مردم نظارت کنند.

آقای ابراهیمیان - بازرسی کجا؟

آقای علیزاده - بازرسی مغازه‌ها.

آقای سلیمی - نظارت بر بازار.

آقای علیزاده - بازرسی مغازه‌ها. می‌روند و به مغازه‌ها سرکشی می‌کنند تا ببینند که کالاها را گران می‌فروشند یا ارزان.

آقای یزدی - بله، این برای آنها است.

آقای علیزاده - «چگونگی انتخاب بازرسان». خب بالاخره چند تا رأی شدیم؟

منشی جلسه - پنج رأی.

آقای علیزاده - شش رأی.

منشی جلسه - شش رأی.

آقای علیزاده - بله قبول داریم، اما چگونه تهیه کند؟ بر چه اساسی؟ این بازرسان چه شرایطی باید داشته باشند؟ حداقل کلیاتش را باید قانون بگوید. نمی‌شود همین‌جور به هر کسی [اجازه‌ی بازرسی و نظارت] بدهند. هیچ ضابطه‌ای نه برای تخلف تعیین کرده‌اند، نه ...

آقای یزدی - در چارچوب این قانون [= مصوبه] آیین‌نامه را می‌نویسند.

آقای اسماعیلی - خود قانون گفته است.

آقای علیزاده - «چگونگی انتخاب» یعنی بازرسان چه شرایطی داشته باشند؟ مصوبه حتی نگفته بازرسان چه شرایطی داشته باشند؟ به نظر من، این اشکال دارد.

آقای سلیمی - آقایان [= کارشناسان مرکز تحقیقات شورای نگهبان] هم گفته‌اند که این تبصره با اصل (۳۶)^۱ و (۸۵)^۲ قانون اساسی مغایرت دارد.^۳

آقای علیزاده - قانون باید کلیات مربوط به شرایط ناظران و بازرسان را تعیین کند، بعد بگوید آیین‌نامه‌ی اجرای آن را بنویسید؛ ولی این تبصره هیچ شرایط کلی هم برای بازرسان تعیین نکرده است. حداقل این قسمتش ایراد دارد که گفته است: «... برخورد با تخلف‌های آنها ...»؛ این تخلف‌ها چیست؟

آقای رهپیک - گفته است این بازرسان و ناظران از بین

۱. اصل سی و ششم قانون اساسی: «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به‌موجب قانون باشد.»

۲. اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی: «سمت نمایندگی قائم به شخص است و قابل واگذاری به دیگری نیست. مجلس نمی‌تواند اختیار قانون‌گذاری را به شخص یا هیئتی واگذار کند، ولی در موارد ضروری می‌تواند اختیار وضع بعضی از قوانین را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون‌های داخلی خود تفویض کند. در این صورت این قوانین در مدتی که مجلس تعیین می‌نماید، به‌صورت آزمایشی اجرا می‌شود و تصویب نهایی آنها با مجلس خواهد بود. همچنین، مجلس شورای اسلامی می‌تواند تصویب دائمی اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون‌های ذیربط واگذار کند و یا اجازه تصویب آنها را به دولت بدهد. در این صورت مصوبات دولت نباید با اصول و احکام مذهب رسمی کشور و یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیب مذکور در اصل نود و ششم با شورای نگهبان است. علاوه بر این مصوبات دولت نباید مخالف قوانین و مقررات عمومی کشور باشد و به‌منظور بررسی و اعلام عدم مغایرت آنها با قوانین مزبور باید ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی برسد.»

۳. «تفویض تعیین چگونگی «برخورد با تخلف‌های» بازرسان و ناظران موضوع این ماده به آیین‌نامه مصوب وزیر، مغایر اصول (۳۶) و (۸۵) قانون اساسی است.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (مرکز تحقیقات شورای نگهبان)، شماره ۹۲۰۵۱۵، مورخ ۱۳۹۲/۵/۱۶، ص ۷، قابل مشاهده در نشانی: <http://yon.ir/EOdT>

آقای علیزاده - یکی از غایبان هم رأی می‌دهند؛ پس فعلاً شش رأی داریم. آقایان [غایب‌ها] هم رأی می‌دهند.

آقای یزدی - تبصره می‌گوید: «... چگونگی انتخاب و تأمین مالی بازرسان و ناظران ...».

آقای علیزاده - منظور این است که بازرسان دارای چه شرایطی باشند.

آقای یزدی - می‌گوید: «... چگونگی انتخاب بازرس و تأمین مالی بازرسان ...» یعنی چه؟ [یعنی] مشهدی حسن [شرایط بازرس شدن را] دارد یا مشهدی حسین. این آقا [شرایط را] دارد یا آن آقا.

آقای علیزاده - چگونگی انتخاب بازرس است. معطل نشویم. برویم ماده‌ی بعدی را بخوانیم.

منشی جلسه - رأی نداشت.

آقای یزدی - این تبصره می‌گوید چه کسانی را برای بازرسی یا نظارت انتخاب کنیم.

آقای علیزاده - حداقل این تذکر را بدهیم که منظور، نوشتن آیین‌نامه‌ی اجرایی است. بنویسیم که این را توضیح بدهند. این را که قبول داریم دیگر^۱.

«ماده ۳۶ - ماده (۵۳) قانون^۲ به شرح زیر اصلاح می‌گردد و

۱. بند (۵) تذکرات مندرج در نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۱۵۵۵ مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۹ شورای نگهبان در خصوص لایحه اصلاح قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۹۲/۵/۱: «۵- در تبصره ماده (۵۲) اصلاحی، منظور از «آیین‌نامه»، «آیین‌نامه اجرایی» است.»

۲. ماده (۵۳) قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴: «ماده ۵۳- هیئت عالی نظارت با ترکیب زیر تشکیل می‌شود:

الف- وزیر بازرگانی (رئیس هیأت)

ب- وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

ج- وزیر کشور

د- وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

ه- وزیر دادگستری

و- وزیر امور اقتصادی و دارایی

ز- وزیر صنایع و معادن

ح- فرماندهی نیروی انتظامی کشور

ط- شهردار تهران

ی- رئیس شورای اصناف کشور

ک- رؤسای مجامع امور صنفی شهرستان تهران

تبصره ۱- جلسات هیئت عالی نظارت با حضور اکثریت نسبی اعضاء رسمیت می‌یابد.

تبصره ۲- وزیران دیگر، بر اساس دستور جلسه، با داشتن حق رأی در جلسات حضور خواهند یافت.

تبصره ۳- هیئت عالی نظارت می‌تواند از افراد ذی‌صلاح و صاحب‌نظر

تبصره‌های آن به قوت خود باقی است:

ماده ۵۳- هیئت عالی نظارت با ترکیب زیر تشکیل می‌شود:

الف- وزیر صنعت، معدن و تجارت (رئیس هیئت)

ب- وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

پ- وزیر کشور

ت- وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

ث- وزیر دادگستری

ج- وزیر امور اقتصادی و دارایی

چ- رئیس شورای عالی استان‌ها

خ- فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران

د- هیئت رئیسه اتاق اصناف ایران

ذ- رئیس اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی ایران

ر- دبیر کل اتاق تعاون ایران

ز- نماینده بسیج اصناف کشور

ژ- دو نفر از نمایندگان عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی به انتخاب مجلس.

آقای یزدی - [در این موارد معمولاً] اشکال می‌کردیم که عضویت نمایندگان مجلس در این هیئت چه ضرورتی دارد.

آقای علیزاده - نمایندگان مجلس را باید بگوییم به‌عنوان عضو ناظر می‌توانند اضافه کنند.

آقای مؤمن - به هر حال [اعضای این هیئت] ناظر هستند دیگر.

آقای علیزاده - نیستند؛ در کارهای اجرایی هم وارد می‌شوند و دستور می‌دهند.

آقای یزدی - خب، این بند (ژ) چطور شد؟

منشی جلسه - حاج آقا، می‌فرمایند [وظیفه‌ی این هیئت]، نظارت است.

آقای یزدی - همیشه [عضویت نمایندگان در این هیئت‌ها را] اشکال می‌کردیم.

آقای اسماعیلی - این هیئت عالی نظارت است و فقط وظیفه‌ی نظارت را بر عهده دارد. کار اجرایی نمی‌کند.

آقای علیزاده - حالا ببینیم وظایف چیست؟ اگر رسیدیم به این که این هیئت وظایف اجرایی هم دارد، [به عضویت نمایندگان در این هیئت] ایراد می‌گیریم. چرا نگیریم؟ با اینها که برادرخواندگی نداریم. اول ببینیم وظایف هیئت عالی نظارت چیست.

→

برای حضور بدون داشتن حق رأی در جلسات خود دعوت به عمل آورد.»

←

اشکال دارد.

منشی جلسه - حاج آقا، بند (الف) حذف شده، بند (ب) اصلاح شده، بقیه‌ی بندها به قوت خود باقی است و بندهای (ط) و (ی) هم اضافه شده است.

آقای علیزاده - «و- تعیین دستورالعمل نظارت بر چگونگی صدور پروانه‌ی کسب در سطح کشور، رسیدگی به اختلاف بین کمیسیون نظارت با مجامع امور صنفی یا شورای اصناف کشور، ارائه‌ی راهکارهای اجرایی مناسب برای صدور کالاها و خدمات واحدهای صنفی با رعایت قوانین و مقررات کشور» از دیگر وظایف این هیئت است. ارائه‌ی راهکارهای اجرایی هم باز نظارت است؟! بنویسیم چون اطلاق این وظایفی که برای هیئت نظارت تعیین شده، موجب ...

آقای ابراهیمیان - حاج آقا، ابطال انتخابات که هست.

آقای علیزاده - بله اینها اشکال دارد. آقایانی که معتقدند با توجه به اطلاق این ماده از آنجا که بعضی از اموری که جزو وظایف هیئت نظارت آورده، از امور اجرایی است، و از آنجا که وظیفه‌ی نمایندگان مجلس [در قانون] معلوم است، عضویت نمایندگان با چنین حقی مغایر قانون اساسی است، بگویند.

آقای ره‌پیک - نمایندگان باید عضو ناظر باشند.

آقای علیزاده - بله. آقایانی که به عضویت نمایندگان در این هیئت اشکال دارند، رأی بدهند.

منشی جلسه - سه رأی شد.

آقای سلیمی - این وظایف به قوه‌ی مجریه مربوط است؟

آقای علیزاده - بله.

آقای سلیمی - یا به اصناف مربوط است؟

آقای علیزاده - به قوه‌ی مجریه.

آقای سلیمی - نه، این وظایف به بازار مربوط است.

آقای علیزاده - مربوط به قوه‌ی مجریه است. عضویت مقامات دولتی مثل وزیر صنعت، معدن و تجارت در این هیئت درست است.

آقای سلیمی - این کار اگر اجرایی است، ما حرفی نداریم که بگوییم دخالت مجلس خلاف قانون اساسی است، ولی اینها [غیراجرایی و مربوط به بازار است].

آقای علیزاده - مجلس جز تقنین و نظارت، در کار دیگری نمی‌تواند دخالت بکند.

آقای سلیمی - موضوع را مشخص کنید. در کارهایی هم که بازاری‌ها می‌خواهند [انجام دهند، عضویت نمایندگان مجلس

منشی جلسه - «ماده ۳۷- بند (الف) ماده (۵۵) قانون^۱ حذف، بند (ب) اصلاح و دو بند به‌عنوان بندهای (ط) و (ی) به‌شرح زیر الحاق می‌شود:

ب- ابطال انتخابات یا عزل هیئت رئیسه اتحادیه‌ها یا اتاق‌های اصناف

ط- بررسی و تعیین صنوف مشمول قانون نظام صنفی کشور

ی- تهیه و تصویب دستورالعمل‌های لازم در رابطه با نحوه نرخ‌گذاری کالاها و خدمات واحدهای صنفی.»

آقای ابراهیمیان - این همان وظایف هیئت عالی نظارت است.

آقای علیزاده - نمایندگان، این وظایف را به ماده (۵۵) قانون نظام صنفی اضافه کرده‌اند. ببینم ماده (۵۵) چه بوده است. اسمش کمیسیون نظارت است. این کمیسیون نظارت خیلی کارها دارد. «ماده ۵۵- وظایف و اختیارات هیئت عالی نظارت به‌شرح زیر است:

الف- تشخیص ضرورت برقراری حدود صنفی و تعیین سقف تعدادی برای صنوف و صدور دستورالعمل در این زمینه‌ها.» اینها کارهای اجرایی است.

آقای ابراهیمیان - این بند حذف شده است.

منشی جلسه - حاج آقا، این بند حذف شده است.

آقای علیزاده - یکی دیگر از وظایف این هیئت، ابطال انتخابات است. ابطال انتخابات هم نظارت است یا عزل هیئت رئیسه هم نظارت است؟ واقعاً عضویت نمایندگان مجلس در این هیئت

۱. ماده (۵۵) قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴: «ماده ۵۵-

وظایف و اختیارات هیئت عالی نظارت به‌شرح زیر است:

الف- تشخیص ضرورت برقراری حدود صنفی و تعیین سقف تعدادی برای صنوف و صدور دستورالعمل در این زمینه‌ها

ب- ابطال انتخابات یا عزل هیئت رئیسه اتحادیه‌ها یا مجامع امور صنفی شهرستان‌ها به پیشنهاد کمیسیون نظارت

ج- ابطال انتخابات یا عزل هیئت رئیسه شورای اصناف کشور

د- رسیدگی به اختلاف بین کمیسیون نظارت و مجامع امور صنفی یا شورای اصناف کشور

ه- تعیین دستورالعمل نظارت بر چگونگی صدور پروانه کسب در سطح کشور

و- تعیین دستورالعمل نظارت بر حسن انجام وظایف قانونی و ایجاد هماهنگی بین کمیسیون‌های نظارت، اتحادیه‌ها و مجامع امور صنفی کشور و شورای اصناف کشور و نظارت بر فعالیت آنها در حدود مفاد این قانون

ز- ارائه راهکارهای اجرایی مناسب برای صدور کالاها و خدمات واحدهای صنفی با رعایت قوانین و مقررات جاری کشور

ح- سایر مواردی که به موجب این قانون به هیئت عالی نظارت محول گردیده است.»

تحقیق و تفحص.] ما همیشه این را گفته‌ایم دیگر. این امور از امور تقنینی یا نظارتی به معنای نظارتی که مجلس دارد، نیست.

آقای یزدی - در هر حال مجلس در غیر از اموری که در قانون اساسی آمده است، [نمی‌تواند دخالت کند].

آقای علیزاده - بله همین. خب الان چند رأی شدیم؟

آقای سلیمی - این کاری که می‌خواهند انجام بدهند، از امور دولتی است یا نه؟

آقای علیزاده - شما الان عضویت نمایندگان مجلس را ایراد بگیرید.

آقای سلیمی - نه من حرفم چیز دیگری است. اگر این وظایف از امور دولتی هم نیست، نمایندگان مجلس هم در آن هیئت باشند، چه اشکالی دارد؟

آقای علیزاده - اشکال دارد.

آقای سلیمی - وقتی دولت عضویت دارد، مجلس هم عضو باشد؛ اشکالی ندارد.

آقای علیزاده - [این وظایف] دولتی است.

آقای سلیمی - این کار، کار اجرایی است که به مردم مربوط است.

آقای علیزاده - اگر این کار مربوط به مردم است، پس نظارت دولت را بر آن بگذارند، درست است.

آقای مؤمن - پس عضویت وزیر دادگستری را هم باید ایراد بگیریم.

آقای علیزاده - چرا؟ کار اجرایی است.

آقای مؤمن - برای اینکه کار قضایی نیست.

آقای علیزاده - خب ببینید، یکی یکی برویم جلو. شما چرا اشکال را تفسیر می‌کنید؟ اینکه دولت بیاید نظارت کند که اشکالی ندارد.

آقای مؤمن - عضویت وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی برای چه ذکر شده است؟

آقای یزدی - می‌گویند مجلس دو کار بیشتر نمی‌تواند انجام بدهد: قانون‌گذاری و نظارت.

آقای مؤمن - عضویت رئیس شورای عالی استان‌ها برای چیست؟

آقای علیزاده - اما به دولت می‌توانیم بگوییم بر کار مردم نظارت کند.

آقای ابراهیمیان - حاج آقای علیزاده، من عرضی دارم. نکته‌ای که حضرت آیت‌الله مؤمن فرمودند هم به نظرم در خور توجه است.

چون - شاید شما در جریان باشید - به زودی احتمالاً لوایحی به مجلس خواهند آورد که در آنها به وزارت دادگستری وظایفی را

اشکال دارد یا نه؟]

آقای علیزاده - مجلس نمی‌تواند به یک نماینده چنین اختیاری بدهد.

منشی جلسه - حاج آقا، می‌گویند این وظایف از امور اجرایی مربوط به قوه‌ی مجریه هم نیست.

آقای سلیمی - اگر دولت هم در اینجا دارد دخالتی می‌کند از این جهت است که کار صنفی و مربوط به بازار است.

آقای علیزاده - نه.

آقای سلیمی - امور اصناف است. دولت هم به عنوان حاشیه [در این امور دخالت می‌کند].

آقای علیزاده - ما می‌گوییم این ابطال انتخابات و امثال اینها اصلاً کار صنفی نیست. اینها کارهای دولتی و اجرایی است.

آقای ابراهیمیان - ممکن است در عنوان کلی نظارت بگنجد، ولی واقعاً اجرایی است.

آقای علیزاده - ما می‌گوییم کجای قانون گفته که مجلس چنین اختیاری دارد؟ مجلس برای مداخله‌اش نیاز به [اذن] قانون

[اساسی] دارد. مجلس فقط می‌تواند تقنین کند، استیضاح کند، سؤال کند و ... این [وظایفی که برای هیئت عالی نظارت تعیین

شده] که اصلاً [از جنس اختیارات مجلس] نیست. چرا ما از حرف‌هایمان برگشته‌ایم؟!

آقای ابراهیمیان - نمی‌توان وظایف اضافی بر عهده‌ی نمایندگان گذاشت.

آقای علیزاده - نمی‌شود وظایفی غیر از آنچه که در قانون [اساسی] آمده است، برای نمایندگان تعیین کرد.

آقای ابراهیمیان - وظایف اضافی نمی‌توان به نمایندگان مجلس داد.

آقای علیزاده - می‌توانیم بگوییم نماینده‌ی مجلس برود زن مردم را طلاق بدهد؟! حالا آقای دکتر اسماعیلی هم رأی دادند.

آقای یزدی - من هم قبول دارم.

آقای ابراهیمیان - جزء وظایف مجلس شورای اسلامی نیست. ما هم قبول داریم. دولت باید [این امور را انجام دهد].

آقای یزدی - اگر اصناف مثل شهرداری‌ها باشند که وابستگی به دولت ندارند، [چه؟]

آقای علیزاده - ما می‌گوییم حدود وظایف مجلس شورای اسلامی در قانون [اساسی] معلوم است. اضافه بر آنها نمی‌توانیم

وظایفی برای مجلس تعیین کنیم. می‌توانیم بگوییم دولت در اینجا نظارت داشته باشد، اما مجلس نمی‌تواند این نوع نظارت را داشته باشد. مجلس یا تقنین می‌کند [یا استیضاح و سؤال و

واگذار می‌کنند که بیش از عنوانِ رابط قوا بودن است.

آقای علیزاده - ما به آن ایراد داریم.

آقای ابراهیمیان - من عرضم این است ما باید همین‌جا مبنا را مشخص کنیم. اگر شما در اینجا بپذیرید که به وزیر دادگستری وظیفه‌ای غیر از آنچه که در قانون اساسی ذکر شده واگذار بشود، آنجا هم باید آن وظایف را بپذیرید. به نظرم اینجا باید به عضویت وزیر دادگستری ایراد بگیریم.

آقای علیزاده - آن را ما گفتیم. این مصوبه مثل آن لایحه که قرار است بیاید، نیست. این کار، کار دولتی است و برای همین نفراتی از طرف دولت در این هیئت عضویت دارند.

آقای ابراهیمیان - ولی وزیر دادگستری [وظیفه‌اش این] نیست؛ یعنی وزیر دادگستری تکلیفش مربوط به روابط قوه‌ی قضائیه با قوای مجریه و مقننه است.

آقای علیزاده - ببینید آقای دکتر، الان یکی یکی بحث می‌کنیم. الان برای این موضوع رأی بگیریم. آقایانی که به عضویت دو نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در هیئت عالی نظارت با توجه به بعضی از وظایفی که در این مصوبه برای هیئت نظارت گذاشته شده، اشکال دارند، رأی بدهند. هفت رأی شدیم.^۱ اما در مورد بقیه‌ی موارد.

آقای سوادکوهی - جناب علیزاده، به نظرم ماده (۱۱) قانون نظام صنفی کشور^۲ هیئت عالی نظارت را تعریف کرده است. اگر این‌طور باشد، حضور نمایندگان مجلس در این هیئت عالی اشکالی ندارد.

آقای اسماعیلی - اطلاق را برای همین گفتند.

آقای علیزاده - اطلاق را برای همین گفتیم.

آقای سوادکوهی - اگر این باشد، بله. چون این ماده (۱۱) تعریف کرده است که هیئت‌های نظارت چه وظیفه‌ای بر عهده دارند. برای همین شرکت نمایندگان در این هیئت اشکالی ندارد.

۱. بند (۲) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۱۵۵۵ مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۹ شورای نگهبان در خصوص لایحه اصلاح قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۹۲/۵/۱: «۲- ماده (۳۶) موضوع اصلاح ماده (۵۳) در بند (ز)، با توجه به اطلاق وظایفی که در این قانون برای هیئت عالی نظارت ذکر گردیده است، عضویت دو نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی با حق رأی در این هیئت، مغایر اصل (۶۰) قانون اساسی شناخته شد.»

۲. ماده (۱۱) قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴: «ماده ۱۱- هیئت عالی نظارت: هیئتی است که به منظور تعیین برنامه‌ریزی، هدایت، ایجاد هماهنگی و نظارت بر کلیه اتحادیه‌ها، مجامع امور صنفی، شورای اصناف کشور و کمیسیون‌های نظارت تشکیل می‌گردد و بالاترین مرجع نظارت بر امور اصناف کشور است.»

آقای علیزاده - بله، حالا چه می‌فرمایید؟ این کار یک کار صنفی است. وزیر دادگستری و وزرای دیگر که در این هیئت شرکت می‌کنند به‌عنوان نماینده‌ی حکومت و قوه‌ی مجریه هستند. این که اشکالی ندارد. مشهدی جعفر بقال هم می‌تواند از طرف دولت عضو این هیئت بشود. عضویت نماینده‌ی دولت در این هیئت که اشکالی ندارد.

آقای مؤمن - این قضیه فرق دارد.

آقای علیزاده - خب ایراد بگیرید، ما حرفی نداریم. شما رأی بدهید، برای این بند هم رأی می‌گیریم. آقایانی که به حضور وزیر دادگستری در این هیئت اشکال دارند، بفرمایند. ما به عضویت وزیر دادگستری ایراد نداریم.

آقای مؤمن - بعضی از آقایان ایراد دارند؛ عضویت وزیر دادگستری هم همین‌طور است.

آقای ابراهیمیان - من با عضویت وزیر دادگستری مخالفم.

آقای علیزاده - رأی ندارد.

آقای سلیمی - وزیر دادگستری ذو حیاتین است.

آقای اسماعیلی - نه، در هیئت حق رأی دارد.

آقای علیزاده - بله، در هیئت دولت حق رأی دارد. چطور می‌گوییم اینجا ندارد؟! نماینده‌ی دولت است.

آقای ابراهیمیان - نه، وزیر دادگستری در دولت به اعتبار عضویتش در هیئت وزیران است که حق رأی دارد.

آقای رهپیک - این ماده یک اشکال شکلی دارد. آقای علیزاده بگویید بنویسند این ماده یک اشکال شکلی دارد؛ نوشته بند (الف) حذف می‌شود و از بند (ب) شروع کرده است.

آقای علیزاده - بله بنویسید که ترتیب بندها را اصلاح کنند. تذکر بدهید وقتی بند (الف) حذف شده است، کدام بند جایگزین بند (الف) می‌شود؟

آقای ابراهیمیان - یکی از این بندها باید جایگزین بند (الف) شود.

آقای علیزاده - بگویید که اینجا اصلاح عبارتی نیاز دارد.^۳

منشی جلسه - «ماده ۳۸- ماده (۵۶) قانون^۴ به شرح زیر اصلاح می‌شود:

۳. بند (۶) تذکرات مندرج در نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۱۵۵۵ مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۹ شورای نگهبان در خصوص لایحه اصلاح قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۹۲/۵/۱: «۶- در ماده (۳۷) موضوع اصلاح ماده (۵۵)، با توجه به حذف بند (الف)، عناوین سایر بندها نیازمند اصلاح می‌باشد.»

۴. ماده (۵۶) قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴: «ماده ۵۶- هیئت عالی نظارت می‌تواند قسمتی از وظایف خود را به کمیسیون یا کمیسیون‌هایی مرکب از نمایندگان خود تفویض کند.»

هیئت عالی نظارت می‌تواند قسمتی از وظایف خود را به کمیسیون‌های نظارت مراکز استان‌ها تفویض کند.]

ماده ۳۹- جریمه مقرر در ماده (۵۷) قانون^۱ به شرح زیر اصلاح شد: متخلف علاوه بر الزام به پرداخت خسارت وارد شده به خریدار یا مصرف‌کننده، در مرتبه اول به دو برابر مبلغ گران‌فروشی و در مرتبه دوم به چهار برابر مبلغ گران‌فروشی جریمه می‌گردد.

در مرتبه سوم به شش برابر مبلغ گران‌فروشی جریمه می‌شود و علاوه بر پرداخت جریمه، پارچه یا تابلو بر سردر محل کسب به‌عنوان متخلف صنفی به مدت دو هفته نصب می‌شود.

در مرتبه چهارم به هشت برابر مبلغ گران‌فروشی جریمه می‌شود و پارچه یا تابلو بر سردر محل کسب به‌عنوان متخلف صنفی به مدت یک ماه نصب می‌شود.

در مرتبه پنجم و مراتب بعدی به ده برابر مبلغ گران‌فروشی جریمه می‌شود و پارچه یا تابلو بر سردر محل کسب به‌عنوان متخلف صنفی به مدت دو ماه نصب می‌شود. همچنین به مدت شش ماه، پروانه کسب وی تعلیق و محل کسب تعطیل می‌گردد.»

آقای علیزاده - یک‌بار یک مصوبه‌ای برای بررسی به شورای نگهبان آمده بود که اسمش الان یادم نیست. آقایان فقها ایرادات زیادی به آن گرفته بودند که یکی هم مربوط به پرداخت خسارت وارده بود. آن‌طور که من یادم می‌آید، آقایان در آنجا فرموده بودند در جایی که جنس، عیب دارد یا فلان دارد، معامله فسخ است و موارد آن هم معلوم است. بنابراین در اینجا هم اطلاق «خسارت وارد شده» اشکال دارد. یعنی شامل آن موارد، که طرف می‌تواند معامله را فسخ کند و پولش را پس بگیرد هم می‌شود.

۱. ماده (۵۷) قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴: «ماده ۵۷- گران‌فروشی: عبارت است از عرضه یا فروش کالا یا ارائه خدمت به بهایی بیش از نرخ‌های تعیین‌شده به وسیله مراجع قانونی ذی‌ربط، عدم اجرای مقررات و ضوابط قیمت‌گذاری و انجام دادن هر نوع عملی که منجر به افزایش بهای کالا یا خدمت به زیان خریدار گردد. جریمه گران‌فروشی، با عنایت به دفعات تکرار در طول هر سال به شرح زیر است:

الف- جبران خسارت وارد شده به خریدار و جریمه نقدی معادل مبلغ گران‌فروشی. در صورتی که جریمه نقدی کمتر از پنجاه هزار (۵۰,۰۰۰) ریال باشد، جریمه نقدی معادل پنجاه هزار (۵۰,۰۰۰) ریال خواهد بود.

ب- چنانچه کل مبلغ جریمه‌های نقدی پس از سومین مرتبه تخلف به بیش از دو میلیون (۲,۰۰۰,۰۰۰) ریال برسد، پارچه یا تابلو بر سردر محل کسب به‌عنوان متخلف صنفی به مدت ده روز نصب خواهد شد.

ج- در صورتی که کل مبلغ جریمه‌های نقدی پس از چهارمین مرتبه تخلف به بیش از بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال برسد، پارچه یا تابلو بر سردر محل کسب به‌عنوان متخلف صنفی نصب و محل کسب به مدت سه ماه تعطیل خواهد شد.»

آقای مؤمن - اگر در سند، ...

آقای علیزاده - چرا، شما آنجا ایراد گرفتید. گفتید چون اطلاق خسارت وارده ممکن است شامل همه‌ی موارد بشود، ایراد دارد.

آقای مؤمن - نه، اینجا [شامل همه‌ی موارد] نمی‌شود.

آقای علیزاده - خب بگذریم.

آقای شب‌زنده‌دار - در اینجا فروشنده، کالای معیوب نفروخته، بلکه گران‌فروشی کرده است.

آقای علیزاده - [اگر کالایی که گران فروخته،] معیوب هم بوده باشد، خریدار چند تا حق دارد که یکی از آنها هم فسخ است. در همه‌جا حقش دریافت خسارت نیست.

آقای شب‌زنده‌دار - نه بحث این ماده معیوب بودن کالا نیست؛ بحثش گران‌فروشی است.

آقای علیزاده - یکی از اختیارات خریدار، آرش و یکی دیگر هم فسخ است. اختیارات متعددی دارد.

آقای شب‌زنده‌دار - در اینجا گران‌فروشی، موضوع بحث است.

آقای علیزاده - بله.

آقای شب‌زنده‌دار - خب اگر فروشنده گران‌فروشی کرده و خریدار متوجه شده است، خریدار خیار غبن دارد.

آقای علیزاده - من همین را گفتم.

آقای شب‌زنده‌دار - نه آن [= خیار غبن] غیر از عیب است.

آقای اسماعیلی - این ماده آن خیار غبن را منتفی نمی‌کند؛ خیار غبن سر جای خودش است.

آقای شب‌زنده‌دار - یعنی علاوه بر اینکه خریدار بر اثر خیار غبن می‌تواند آن معامله را فسخ کند، حالا فروشنده باید یک جریمه‌ای هم بدهد. با اینکه معامله تمام [= فسخ] شده است، باید یک جریمه‌ای هم بدهد؛ چون تخلف کرده است.

آقای علیزاده - بله، این جریمه از باب تخلف از نظامات است و آن را به خریدار نمی‌دهند.

آقای شب‌زنده‌دار - اگر خریدار اعمال خیار غبن کرد، دیگر خسارتی به او وارد نشده است.

آقای علیزاده - جریمه را به صنف می‌پردازند.

آقای شب‌زنده‌دار - پس واژه‌ی «خسارت» دیگر درست نیست.

آقای ابراهیمیان - این نکته، نکته‌ی مهمی است. در قوانین حمایت از مصرف‌کننده که حاج‌آقای علیزاده اشاره کردند، اتفاقاً ضمانت اجرایی معمول فقهی و حقوقی را کافی نمی‌دانند و می‌گویند اگر شما به مصرف‌کننده بگویید که بیا و معامله را فسخ کن، او چاره‌ای ندارد و چون فسخ، خسارت وارد شده به او را

پارچه یا تابلو بر سردر محل کسب به‌عنوان متخلف صنفی به‌مدت یک ماه نصب می‌شود.

در مرتبه پنجم و مراتب بعدی به ده برابر مبلغ کم‌فروشی جریمه می‌شود و به‌مدت دو ماه پارچه یا تابلو بر سردر محل کسب به‌عنوان متخلف صنفی نصب می‌گردد. همچنین به‌مدت شش ماه پروانه کسب وی تعلیق و محل کسب تعطیل می‌گردد.

تبصره- عدم انجام خدمات پس از فروش در دوره ضمانت (گارانتی) توسط متعهد در حکم کم‌فروشی است و متخلف از این امر علاوه بر انجام خدمت مربوط، به جریمه‌های موضوع این ماده نیز محکوم می‌شود. مبنای محاسبه ارزش خدمات پس از فروش، قیمت کارشناسی خدمات مورد نظر است که توسط کارشناسان سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان تعیین می‌شود.

ماده ۴۱- جریمه مقرر در ماده (۵۹) قانون و تبصره (۱) آن^۲ به شرح زیر اصلاح و دو تبصره به‌عنوان تبصره‌های (۳) و (۴) به آن الحاق می‌شود:

۲. ماده (۵۹) قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴: «ماده ۹ - تقلب: عبارت است از عرضه یا فروش کالا یا ارائه خدمتی که از لحاظ کیفیت یا کمیت منطبق با مشخصات کالا یا خدمت ابرازی یا درخواستی نباشد. جریمه تقلب، با عنایت به دفعات تکرار در طول هر سال به شرح زیر است:

الف- مرتبه اول: جبران خسارت واردشده به خریدار و جریمه نقدی معادل چهار برابر مابه‌التفاوت ارزش کالا یا خدمت ابرازی یا درخواستی و کالای عرضه یا فروخته‌شده یا خدمت ارائه داده‌شده. در صورتی که جریمه نقدی از مبلغ یکصد هزار (۱۰۰,۰۰۰) ریال کمتر باشد، جریمه نقدی معادل یکصد هزار (۱۰۰,۰۰۰) ریال خواهد بود.

ب- مرتبه دوم: جبران خسارت واردشده به خریدار و جریمه نقدی به میزان هشت برابر مابه‌التفاوت ارزش کالا یا خدمت ابرازی یا درخواستی و کالای عرضه یا فروخته‌شده یا خدمت ارائه داده‌شده. در صورتی که جریمه نقدی از مبلغ دویست هزار (۲۰۰,۰۰۰) ریال کمتر باشد، جریمه نقدی معادل دویست هزار (۲۰۰,۰۰۰) ریال خواهد بود.

ج- مرتبه سوم: جبران خسارت واردشده به خریدار، جریمه نقدی معادل دوازده برابر مابه‌التفاوت ارزش کالا یا خدمت ابرازی یا درخواستی و کالای عرضه یا فروخته‌شده یا خدمت ارائه داده‌شده و نصب پارچه یا تابلو بر سردر محل کسب به‌عنوان متخلف صنفی و تعطیل محل کسب به مدت شش ماه. در صورتی که جریمه نقدی از مبلغ یک میلیون (۱,۰۰۰,۰۰۰) ریال کمتر باشد، جریمه نقدی معادل یک میلیون (۱,۰۰۰,۰۰۰) ریال خواهد بود.

تبصره ۱- در صورت تقاضای خریدار مبنی بر استرداد کالای مورد تقلب، فروشنده علاوه بر تحمل مجازات‌های مقرر، مکلف به قبول کالا و استرداد وجه دریافتی به خریدار خواهد بود.

تبصره ۲- در صورتی که در قوانین دیگر برای عمل متقابلانه، مجازات شدیدتری پیش‌بینی شده باشد، فرد متقلب به مجازات مزبور محکوم خواهد شد.»

جبران نمی‌کند، بالاخره مجبور است تن بدهد به معامله. لذا در کشورهای دیگر در حمایت از مصرف‌کننده گفته‌اند این فسخ کافی نیست و بنابراین علاوه بر حق فسخ، به خریدار اجازه می‌دهیم که مطالبه‌ی خسارت کند تا هم بتواند معامله کند و هم بتواند خسارت بگیرد. یعنی این مسئله‌ی «خسارت واردشده»، غیر از خیار فسخ و ... در معاملات است و در واقع یک مسئله‌ی جدید فقهی است.

آقای شب‌زنده‌دار - آنجا که از روی اختیار معامله را فسخ کردند.

آقای ره‌پیک - به هر حال منافاتی ندارد. خسارت، خودش موضوع است؛ اگر خسارت احراز شد، [باید جبران شود].

آقای ابراهیمیان - نه، در احکام برخی از خیارات، فقط می‌توان معامله را فسخ کرد.

آقای ره‌پیک - اگر خسارت وارد شد و محرز بود، باید پرداخت شود دیگر.

آقای عزیزاده - این مربوط به آنجایی است که خریدار شرعاً و قانوناً باید خسارت بگیرد.

منشی جلسه - «ماده ۴۰- جریمه مقرر در ماده (۵۸) قانون^۱ به شرح زیر اصلاح و یک تبصره به آن الحاق می‌شود:

متخلف علاوه بر الزام به پرداخت خسارت واردشده به خریدار یا مصرف‌کننده در مرتبه اول به دو برابر مبلغ کم‌فروشی و در مرتبه دوم به چهار برابر مبلغ کم‌فروشی جریمه می‌شود.

در مرتبه سوم به شش برابر مبلغ کم‌فروشی جریمه می‌شود و علاوه بر پرداخت جریمه پارچه یا تابلو بر سردر محل کسب به‌عنوان متخلف صنفی به‌مدت دو هفته نصب می‌شود.

در مرتبه چهارم به هشت برابر مبلغ کم‌فروشی جریمه می‌شود و

۱. ماده (۵۸) قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴: «ماده ۵۸- کم‌فروشی: عبارت است از عرضه یا فروش کالا یا ارائه خدمت کمتر از میزان یا معیار مقررشده. جریمه کم‌فروشی با عنایت به دفعات تکرار در طول هر سال به شرح زیر است:

الف- جبران خسارت واردشده به خریدار و جریمه نقدی معادل دو برابر مبلغ کم‌فروشی. در صورتی که جریمه نقدی کمتر از مبلغ یکصد هزار (۱۰۰,۰۰۰) ریال باشد، جریمه نقدی معادل یکصد هزار (۱۰۰,۰۰۰) ریال خواهد بود.

ب- چنانچه کل مبلغ جریمه‌های نقدی پس از سومین مرتبه تخلف به بیش از دو میلیون (۲,۰۰۰,۰۰۰) ریال برسد، پارچه یا تابلو بر سردر محل کسب به‌عنوان متخلف صنفی به مدت ده روز نصب خواهد شد.

ج- در صورتی که کل مبلغ جریمه‌های نقدی پس از چهارمین مرتبه تخلف به بیش از بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال برسد، پارچه یا تابلو بر سردر محل کسب به‌عنوان متخلف صنفی نصب و محل کسب به مدت چهار ماه تعطیل خواهد شد.»

تقلب شده است و یک وقت نه، خرید و فروش کالا به صورت کلی بوده و کالایی که تحویل داده شده، در مقام تحویل مشخص شده است که با شرایط تعیین شده مطابقت ندارد. در صورت دوم، خریدار حق استرداد کالا را ندارد، بلکه باید آن را تعویض کند. اینکه تبصره (۱) می‌گوید حتماً اگر مشتری خواست، باید کالا را تعویض کند، در صورتی که معامله به صورت کلی بوده باشد، درست نیست.

آقای عزیزاده - بله.

آقای اسماعیلی - تبصره (۴) را می‌فرمایید؟

آقای شب‌زنده‌دار - تبصره (۱).

آقای عزیزاده - البته آقایان فقها دفعه‌ی قبل، همه‌ی این موارد را ایراد گرفتند، اما الآن ایراد نمی‌گیرند. همین فرمایش شما را می‌گفتند که اگر بیع به صورت کلی باشد، باید بگوید جنسی که من خریدم، این نیست. این را پس بگیر و جنسی را که خریده‌ام، به من بده.

آقای شب‌زنده‌دار - خریدار نمی‌تواند معامله را به هم بزند.

آقای عزیزاده - آقایان الآن از آن نظرشان کوتاه آمده‌اند؟ اگر این تبصره برای بیع عین معین باشد، خوب بله درست است؛ خریدار می‌تواند به فروشنده بگوید جنس را پس بگیر و پولم را به من پس بده.

آقای شب‌زنده‌دار - ولی اگر این تبصره اطلاق داشته باشد، [نمی‌توان حکم آن را درست دانست]. مگر اینکه شما بگویید اطلاق ندارد و مربوط به صورتی است که بیع عین معین بوده است که ظاهراً این‌طور نیست.

آقای یزدی - معنای تبصره این است که معامله مشخص بوده است. درست است؛ اگر موضوع معامله کلی باشد، نمی‌توانیم [کالا را برگردانیم و وجه پرداختی را دریافت کنیم]، بلکه باید مصداق کالا را عوض کنیم.

آقای شب‌زنده‌دار - در خیلی از معاملات هم معمول همین است که فروش به صورت کلی است. مثلاً فروشنده می‌گوید: چقدر از فلان کالا بدهم؟

آقای سلیمی - و خریدار اگر موقع تحویل گرفتن کالا ببیند تقلبی است، ...

آقای شب‌زنده‌دار - خوب، عوض آن کالا را می‌گیرد.

آقای یزدی - بله. اگر بیع به صورت کلی باشد، خریدار می‌گوید این تقلبی است [و عوض کالا را می‌گیرد].

آقای ابراهیمیان - این تبصره، فسخ را پیش‌بینی کرده است.

متخلف علاوه بر الزام به پرداخت خسارت وارد شده به خریدار یا مصرف‌کننده در مرتبه اول معادل دو برابر مابه‌التفاوت ارزش کالا یا خدمت ابرازی یا درخواستی و کالای عرضه‌شده یا فروخته‌شده یا خدمت ارائه داده‌شده و در مرتبه دوم به چهار برابر مابه‌التفاوت مذکور جریمه می‌شود.

در مرتبه سوم به شش برابر مابه‌التفاوت، جریمه می‌شود و علاوه بر پرداخت جریمه پارچه یا تابلو بر سردر محل کسب به‌عنوان متخلف صنفی به مدت دو هفته نصب می‌گردد.

در مرتبه چهارم به هشت برابر مابه‌التفاوت جریمه می‌شود و پارچه یا تابلو بر سردر محل کسب به‌عنوان متخلف صنفی به مدت یک ماه نصب می‌گردد.

در مرتبه پنجم و مراتب بعدی به ده برابر مابه‌التفاوت جریمه می‌شود و پارچه یا تابلو بر سردر محل کسب به‌عنوان متخلف صنفی به مدت دو ماه نصب می‌گردد. همچنین به مدت شش ماه پروانه کسب وی تعلیق و محل کسب تعطیل می‌گردد.

تبصره ۱- در صورت تقاضای خریدار مبنی بر استرداد کالای مورد تقلب، فروشنده علاوه بر پرداخت جریمه مقرر، مکلف به قبول کالا و استرداد وجه دریافتی به خریدار است و در صورت استنکاف، واحد صنفی تا اجرای کامل حکم، تعطیل می‌شود.

تبصره (۲) ندارد؟!!

آقای عزیزاده - لابد تبصره (۲) قبلی به قوت خودش باقی است.

منشی جلسه - بله درست می‌فرمایید.

«تبصره ۳- عرضه، نگهداری به قصد فروش و فروش کالا بدون علامت استاندارد ایران و ارائه خدمات بدون تأیید مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران در صورتی که استاندارد کالا یا خدمات اجباری شده باشد، مشمول مقررات این ماده می‌شود.

تبصره ۴- فروش کالاهای تاریخ مصرف گذشته در حکم تقلب محسوب می‌شود و مرتکب به جریمه مقرر در این ماده محکوم می‌شود. چنانچه کالا یا خدمات عرضه‌شده بنا بر نظر کارشناسی غیرقابل مصرف باشد، جریمه و خسارت بر مبنای قیمت عرضه‌شده محاسبه می‌شود.»

آقای شب‌زنده‌دار - اطلاق تبصره (۱) آیا شامل آن مواردی است که کالا به صورت کلی فروخته می‌شود و مصداقش به‌نحو متقابلانه تحمیل می‌شود؟ آیا اطلاقش این موارد را هم در بر می‌گیرد یا نمی‌گیرد؟ فرض کنید معامله به‌نحو کلی انجام شده و کالایی که فروشنده تحویل داده، در مقام تطبیق، متقابلانه بوده است. آیا تبصره (۱) شامل این صورت هم می‌شود یا نه؟ یک وقت معامله بر سر یک عین خارجی بوده و حالا در آن

بنابراین این ماده خودش یک مقید و مفسر و مبینی در قانون حمایت از حقوق مصرف‌کننده دارد و به نظرم مشکلی پیش نمی‌آید.

آقای عزیززاده - این قانون، قانون لاحق است.

آقای رهپیک - متنها این تبصره گفته است: «... کالای مورد تقلب...». تقلب غیر از عدم تطبیق است.

آقای مؤمن - ماده (۵۹) قانون نظام صنفی می‌گوید: «تقلب عبارت است از عرضه یا فروش کالا یا ارائه خدمتی که از لحاظ کیفیت یا کمیت منطبق با مشخصات کالا یا خدمت ابرازی یا درخواستی نباشد.» منظور این است که در خود آن کالایی که دارد عرضه می‌شود، تقلبی شده است. نه [بیع به صورت] کلی که شما می‌فرمایید.

آقای عزیززاده - نه، اتفاقاً همین است. فروشنده نمونه را به من نشان داده، من هم گفته‌ام صدتا از این کالا به من بده.

آقای مؤمن - «نشان داده» منظور نیست. همان چیزی را که ابراز کرده، همان را فروخته است؛ نه اینکه به صورت کلی چیزی را به من فروخته، بعد چیز دیگری را به من تحویل داده است.

آقای عزیززاده - تقلب عبارت است از عرضه یا فروش کالا یا ارائه خدمتی که از لحاظ کیفیت یا کمیت منطبق با مشخصاتی که ابراز کرده است، نیست؛ نه آن چیزی که فروخته است.

آقای مؤمن - نه، ابراز.

آقای عزیززاده - فروشنده به من گفته چهل عدد از این کالاها را به شما می‌دهم.

آقای یزدی - بنابراین فروش به صورت کلی نبوده است.

آقای مؤمن - کلی نبوده است. این تبصره هم همین را می‌گوید؛ فروشنده می‌گوید همین کالا را به تو می‌دهم. از این جهت فقها به این مورد ایراد نگرفتند و الا خب در مورد همان ماده‌ی قبلی هم همین حرف را می‌توان زد.

آقای عزیززاده - پس بگذریم.

حاج آقا می‌فرمایند در بیع با موضوع کلی، فسخ نیست و خریدار از فروشنده می‌خواهد که کالا را جایگزین کند و فرد دیگری که مطابق [با اوصاف جنس فروخته شده است را تحویل دهد].

آقای سوادکوهی - منظور این است که در صورتی که خریدار تقاضا کند، [فروشنده باید کالا را پس بگیرد و معامله را فسخ کند.] من این کالا را خریده‌ام، حالا [که فروشنده تقلب کرده است،] می‌گویم پس بگیر.

آقای ابراهیمیان - خب همین دیگر.

آقای سوادکوهی - مشکل چیست؟

آقای ابراهیمیان - طبق عموماً، در این موارد شما نمی‌توانید معامله را فسخ کنید.

آقای سوادکوهی - چرا؟ خب در اینجا قانون می‌گوید.

آقای شبزنده‌دار - [می‌گوید] باید پولش را برگردانند، ولی در آن مورد [= فروش کالا به صورت کلی] نه؛ [نمی‌توان معامله را فسخ کرد].

آقای اسماعیلی - این تبصره هم در مورد فروش کالا به صورت کلی است.

آقای شبزنده‌دار - عبارت «... و استرداد وجه دریافتی به خریدار ...» یعنی خریدار، دیگر معامله را به هم بزند؛ و حال اینکه مجبور نیست این کار را بکند.

آقای سوادکوهی - مجبور نیست، ولی خودش می‌خواهد معامله را فسخ کند و قانون به او اجازه می‌دهد.

آقای شبزنده‌دار - خوب است ابهام بگیریم و بگویم اگر مقصود از فسخ، مطلق است، اطلاقش اشکال دارد.

آقای اسماعیلی - نه دیگر، بگویم اصلاح کنند.

آقای ابراهیمیان - در قانون حمایت از حقوق مصرف‌کننده این ایراد را گرفته بودیم و نمایندگان مجلس آنجا را درست کرده بودند.^۱ به نظرم این قانون را با آن قانون می‌توانند تفسیر کنند.

۱. نظر شماره ۱۶۲۳۴/۸۵/۳۰ مورخ ۱۳۸۵/۴/۲۵ شورای نگهبان در خصوص لایحه حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۵/۳/۳۱ مجلس شورای اسلامی: «۱- واژه «تقصیر» در ماده (۲) از این جهت که راجع به سلامت کالا یا خدمات و یا مبنای مسئولیت جبران خسارت است ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.

- اطلاق حکم به تخخیر مصرف‌کننده در این ماده بین استیفا، رد و اخذ بدون مابه‌التفاوت و یا اخذ با مابه‌التفاوت در مواردی که کالا به صورت کلی فروخته شده باشد، نیز خلاف موازین شرع شناخته شد؛ زیرا در صورت مزبور خواه کالا معیوب باشد و خواه منطبق با مشخصات تعیین شده نباشد، حکم به تخخیر نیست.

- حکم به تخخیر در غیر مورد بیع کالا (مورد خدمات) شرعاً جاری نیست؛



لذا اطلاق این حکم خلاف موازین شرع است.

- اطلاق حکم تخخیر در این ماده، با توجه به ذیل بند (۴) ماده (۱) (عدم

امکان انتفاع متعارف)، خلاف موازین شرع است.

- شمول حکم تخخیر مذکور در این ماده، در مواردی که کالا یا خدمات منطبق بر شرایط مندرج در قرارداد نبوده، خلاف موازین شرع شناخته شد.

- حکم به مابه‌التفاوت در این ماده، در صورتی که عرضه کالا به صورت غیربیع باشد مانند صلح، و همچنین در صورتی که مشتری علم به عیب داشته باشد، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.»

برود. حالا حکومت می‌خواهد با او برخورد کند. در اولین مرحله، باید جریمه‌اش کند؟! یا باید بگوید شما اجباراً باید جنس را بیاوری و در بازار با قیمت عادلانه بفروشی. نباید به قیمت گران بفروشد؛ باید به قیمت عادلانه‌ی بازار بفروشد. اگر نیاورد و نفروخت، بعد از آن می‌شود مثلاً سراغ جریمه رفت. اینجا در همان مرحله‌ی اول می‌گوید محکوم جریمه شود.

آقای اسماعیلی - هم می‌گوید بفروشد و هم می‌گوید جریمه پرداخت کند.

آقای یزدی - می‌گوید: «جریمه احتکار، با عنایت به دفعات تکرار در طول هر سال به شرح زیر است: مرتبه اول ... مرتبه‌ی اول یعنی مرتبه‌ی اول احتکار. یعنی اولین باری است که شخص کالایی را احتکار کرده است. [کمیسیون نظارت هم] هنوز هیچ‌کاری نکرده و [چیزی درباره‌ی کالاهایی که اعلام موجودی‌اش را ضروری تشخیص داده]، به او ابلاغ نکرده است. حالا فهمیده که این کالا مورد نیاز مردم است و آن را در انبار نگه داشته و نیاورده در بازار عرضه کند. حالا دولت می‌خواهد با او چه کار کند؟ خب باید به او [اجازه] بدهد که کالایش را بیاورد و به قیمت متعارف در بازار بفروشد. اگر کالایش را به بازار نیاورد، بعد ...

آقای اسماعیلی - خب این ماده می‌گوید کالایش را بفروشد. «مرتبه اول - الزام محکوم به عرضه و فروش کل کالاهای احتکار شده و جریمه نقدی معادل هفتاد درصد (۷۰٪) قیمت روز کالاهای احتکار شده.» یعنی عرضه و فروش قطعی.

آقای یزدی - «الزام محکوم به عرضه و فروش کل کالاهای احتکار شده ...» دیگر جریمه‌ی نقدی برای چیست؟ من سؤال همین است.

آقای اسماعیلی - دولت دارد جریمه‌اش هم می‌کند. می‌گوید علاوه بر اینکه باید کالای احتکار شده را بفروشد، جریمه هم باید پرداخت کند.

آقای رهپیک - نفس احتکار تخلف است یا نه؟ عمل متخلفانه است یا نه؟

آقای یزدی - کالایی را نگه داشته برای اینکه گران‌تر بفروشد.

آقای رهپیک - می‌دانم. خود این کار تخلف است دیگر.

آقای یزدی - محکوم اصلاً نمی‌داند که بازار به آن کالا نیاز دارد. ولی اگر عمل او صدق احتکار کند، یعنی مخصوصاً خواسته باشد مردم را در فشار بگذارد، [تخلف کرده است].

آقای رهپیک - بله. و خود احتکار تخلف است دیگر. برای

منشی جلسه - «ماده ۴۲ - جریمه مقرر در ماده (۶۰) قانون^۱ به شرح زیر اصلاح و دو تبصره به آن الحاق می‌شود:

جریمه احتکار، با عنایت به دفعات تکرار در طول هر سال به شرح زیر است:

مرتبه اول - الزام محکوم به عرضه و فروش کل کالاهای احتکار شده و جریمه نقدی معادل هفتاد درصد (۷۰٪) قیمت روز کالاهای احتکار شده.

مرتبه دوم - الزام محکوم به عرضه و فروش کل کالاهای احتکار شده و جریمه نقدی معادل سه برابر قیمت روز کالاهای احتکار شده و نصب پارچه یا تابلو بر سردر محل کسب به عنوان متخلف صنفی و تعطیلی محل کسب به مدت یک ماه.

مرتبه سوم - الزام محکوم به عرضه و فروش کل کالاهای احتکار شده و جریمه نقدی معادل هفت برابر قیمت روز کالاهای احتکار شده و نصب پارچه یا تابلو بر سردر محل کسب به عنوان متخلف صنفی و تعطیلی محل کسب به مدت سه ماه.

تبصره ۱ - عدم اعلام موجودی کالا به صورت ماهیانه به اتحادیه مربوط توسط تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان عمده و خرده‌فروشان که کالاهای خود را به صورت عمده در انبار یا هر محل دیگری نگهداری می‌کنند، صرفاً در مورد کالاهایی که کمیسیون نظارت ضروری تشخیص بدهد، تخلف محسوب می‌شود و با متخلفان برابر مقررات مربوط رفتار می‌شود.»

آقای یزدی - اولین تکلیفی که می‌شود به محکوم کرد این است که اجناس احتکار شده را بیاورد و در بازار به قیمت متعارف بفروشد. برای چه جریمه‌اش کنند؟! محکوم، کالایی را احتکار کرده و آن را در بازار عرضه نکرده است تا قیمتش در بازار بالا

۱. ماده (۶۰) قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴: «ماده ۶۰ - احتکار: عبارت است از نگهداری کالا به صورت عمده با تشخیص مراجع ذیصلاح و امتناع از عرضه آن به قصد گران‌فروشی یا اضرار به جامعه پس از اعلام ضرورت عرضه از طرف وزارت بازرگانی یا سایر مراجع قانونی ذیربط. جریمه احتکار، با عنایت به دفعات تکرار در طول هر سال به شرح زیر است:

الف - مرتبه اول: الزام محکوم به عرضه و فروش کل کالاهای احتکار شده و جریمه نقدی معادل پنجاه درصد (۵۰٪) قیمت روز کالاهای احتکار شده.

ب - مرتبه دوم: الزام محکوم به عرضه و فروش کل کالاهای احتکار شده و جریمه نقدی معادل دو برابر قیمت روز کالاهای احتکار شده و نصب پارچه یا تابلو بر سردر محل کسب به عنوان متخلف صنفی به مدت یک ماه.

ج - مرتبه سوم: الزام محکوم به عرضه و فروش کل کالاهای احتکار شده و جریمه نقدی معادل پنج برابر قیمت روز کالاهای احتکار شده و نصب پارچه یا تابلو بر سردر محل کسب به عنوان متخلف صنفی و تعطیل محل کسب به مدت یک ماه.»

تخلف هم می‌شود جریمه گذاشت.

آقای یزدی - بله، نفس احتکار خودش یک جرم است.

آقای علیزاده - وقتی به او پروانه‌ی کسب می‌دهند، به او می‌گویند که اجناسی را که داری، باید بیاوری و در بازار عرضه کنی، ولی بعداً این آقا عرضه نمی‌کند. پس مرحله‌ی اول را قبلاً به او گفته‌اند.

آقای یزدی - «... معادل هفتاد درصد (۷۰٪) قیمت روز کالاهای احتکار شده» جریمه دارد.

آقای علیزاده - اول اعلام ضرورت می‌کنند. ماده (۶۰) قانون نظام صنفی کشور می‌گوید: «... پس از اعلام ضرورت عرضه از طرف وزارت بازرگانی یا سایر مراجع قانون ذی‌ربط».

«تبصره ۲- برای کشف تخلف در صورتی که قرائنی حاکی از صحت گزارش و ضرورت ورود به محل اختفاء یا احتکار کالا باشد، در صورت عدم اعلام موجودی موضوع تبصره (۱) این ماده، حسب مورد، شعب سازمان تعزیرات حکومتی با رعایت مقررات قانونی و تحت نظارت مدیر کل استان یا رئیس اداره تعزیرات حکومتی شهرستان، اجازه ورود به محل یادشده را صادر می‌کند و نیروی انتظامی موظف به اجرای دستور ابلاغ و اجرای احکام شعب سازمان تعزیرات حکومتی است.

ماده ۴۳- حذف شد.»

آقای سوادکوهی - تبصره (۲) ماده (۴۲) می‌گوید: «... اجرای احکام شعب سازمان تعزیرات ...»؛ ولی در اینجا «حکم» درست نیست، تصمیم است. به نظرم اگر «تصمیم» جایگزین «احکام» بشود، بهتر است.

آقای علیزاده - بله؟

آقای سوادکوهی - اینجا در تبصره (۲) آمده است: «... نیروی انتظامی موظف به اجرای دستور ابلاغ و اجرای احکام شعب سازمان تعزیرات حکومتی است.» در حالی که اینجا اصلاً محل حکم نیست، [و کار شعب سازمان تعزیرات حکومتی در اینجا] یک تصمیم است.

آقای علیزاده - همان شعب تعزیرات حکومتی، حکم می‌دهند.

آقای سوادکوهی - نه، چون اینجا محل حکم نیست.

آقای علیزاده - بر اساس این [تبصره]، شعب سازمان تعزیرات حکومتی رأی می‌دهند دیگر. مگر رأی نمی‌دهند؟

آقای سوادکوهی - نه، اینجا محل صدور حکم نیست؛ چون موضوع این تبصره این است: «تبصره ۲- برای کشف تخلف در صورتی که قرائنی حاکی از صحت گزارش و ضرورت ورود به محل اختفاء یا احتکار کالا باشد، در صورت عدم اعلام

موجودی موضوع تبصره (۱) این ماده، حسب مورد، ...» حالا اینجا می‌خواهد بگوید تعزیرات حکومتی چه کار می‌کند: «... شعب سازمان تعزیرات حکومتی با رعایت مقررات قانونی و تحت نظارت مدیر کل استان یا رئیس اداره تعزیرات حکومتی شهرستان، اجازه ورود به محل یادشده را صادر می‌کند.»

آقای علیزاده - پس شعب تعزیرات حکومتی حکم ورود به محل یادشده را می‌دهد دیگر.

آقای سوادکوهی - موضوع این ماده فقط ورود است؛ «... و نیروی انتظامی موظف به اجرای دستور ابلاغ و اجرای احکام شعب سازمان تعزیرات حکومتی است.»

آقای علیزاده - [سازمان تعزیرات] حکم ورود به محل را می‌دهد.

آقای سوادکوهی - به نظرم اینجا محل حکم نیست.

آقای علیزاده - این تبصره الآن به صورت کلی دارد می‌گوید.

آقای سوادکوهی - حالا بگوییم کلی، ولی بعداً هم این مصوبه دوباره در این باره صحبت می‌کند. در ادامه [در ماده (۴۹) مکرر] هم در ارتباط با اجرای احکام، دادگستری [و همه‌ی وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی و ...] را ملزم به همکاری با سازمان تعزیرات حکومتی کرده است.

آقای علیزاده - این نیروی انتظامی از اینجا کلی است: «و نیروی انتظامی موظف به اجرای دستور ابلاغ و اجرای احکام شعب سازمان تعزیرات حکومتی است.» در این مورد، این کلی است.

آقای سوادکوهی - [در ماده (۴۹) مکرر] دادگستری را هم ملزم به اجرای احکام سازمان تعزیرات حکومتی کرده است.

آقای مؤمن - در این تبصره هم نیروی انتظامی ملزم شده است.

مثنی جلسه - «ماده ۴۴- یک تبصره به شرح زیر به ماده (۶۲) قانون الحاق می‌شود:

۱. ماده (۶۲) قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴: «ماده ۶۲- عرضه و

فروش کالای قاچاق: حمل و نقل، نگهداری، عرضه و فروش کالای قاچاق توسط واحدهای صنفی ممنوع است و متخلف با عنایت به دفعات تکرار در طول هر سال به شرح زیر جریمه می‌گردد:

الف- مرتبه اول: جریمه نقدی معادل دو برابر قیمت روز کالای قاچاق و ضبط کالای قاچاق موجود به نفع دولت.

ب- مرتبه دوم: جریمه نقدی معادل پنج برابر قیمت روز کالای قاچاق، ضبط کالای قاچاق موجود به نفع دولت و نصب پارچه یا تابلو بر سردر محل کسب به عنوان متخلف صنفی به مدت یک ماه.

ج- مرتبه سوم: جریمه نقدی معادل ده برابر قیمت روز کالای قاچاق، ضبط کالای قاچاق موجود به نفع دولت و نصب پارچه یا تابلو بر سردر محل کسب به عنوان متخلف صنفی و تعطیل محل کسب به مدت شش ماه.

د- چنانچه در قوانین دیگر برای عرضه و فروش کالای قاچاق مجازات

تبصره - هر فرد صنفی که نسخه‌ای از صورت حساب (فاکتور) خرید کالا را در واحد صنفی خود محفوظ ندارد و یا از ارائه آن به مأموران خودداری کند به پرداخت پانصد هزار (۵۰۰,۰۰۰) ریال جریمه محکوم می‌شود.

آقای شب‌زنده‌دار - می‌گویند این تبصره ربطی به ماده (۶۷) ندارد. **آقای علیزاده** - چرا ربطی ندارد؟ ماده (۶۷) قانون نظام صنفی می‌گوید: «چنانچه بر اثر وقوع تخلف‌های مندرج در این قانون، خسارتی به اشخاص ثالث وارد شود، به درخواست شخص خسارت‌دیده، فرد صنفی متخلف، علاوه بر جریمه‌های مقرر در این قانون، به جبران زیان‌های وارد شده به خسارت‌دیده نیز محکوم خواهد شد.» تبصره‌ای که می‌خواهند اضافه کنند، می‌گوید: «هر فرد صنفی که نسخه‌ای از صورت حساب ...» چون جای دیگری پیدا نکرده‌اند تا صورت حساب را بیاورند، به این ماده اضافه کرده‌اند. این تبصره باید خودش یک ماده بشود. اگر می‌خواهید [می‌توانیم به نمایندگان بگوییم که این تبصره را به شکل ماده بیاورند].

آقای اسماعیلی - برای اینکه شماره‌ی مواد به هم نخورد، ایرادی ندارد به همین شکل باشد.

آقای علیزاده - بله، بهتر است به هم نخورد. بگذریم.

منشی جلسه - «ماده ۴۶ - ماده (۶۸) قانون^۳ به شرح زیر اصلاح می‌شود:

آقای علیزاده - «ماده ۶۸ - عدم رعایت مفاد مواد (۱۶) و (۱۷) و مقررات موضوع بند (ک) ماده (۳۷) قانون از سوی فرد صنفی، تخلف محسوب می‌شود و متخلف به پرداخت جریمه نقدی در مرتبه اول دو میلیون (۲,۰۰۰,۰۰۰) ریال و در مرتبه دوم پنج میلیون (۵,۰۰۰,۰۰۰) ریال و در مرتبه سوم و مراتب بعدی به ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال محکوم می‌شود.»

منشی جلسه - تذکر بدهیم تبصره‌ی قبلی را به ماده (۶۶) ملحق کنند.

آقای علیزاده - «ماده ۴۷ - حذف شد.

ماده ۴۸ - ماده (۷۱) قانون و تبصره‌های آن،^۴ به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

۳. ماده (۶۸) قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴: «ماده ۶۸ - عدم رعایت مفاد ماده (۱۶)، تبصره (۴) ماده (۱۷) و بندهای (ک) و (م) ماده (۳۷) و همچنین دستورالعمل‌های بهداشتی موضوع ماده (۱۷) این قانون از سوی فرد صنفی، تخلف محسوب می‌شود و متخلف باید جریمه نقدی از دویست هزار (۲۰۰,۰۰۰) ریال تا پانصد هزار (۵۰۰,۰۰۰) ریال را در هر بار تخلف بپردازد.»

۴. ماده (۷۱) قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴: «ماده ۷۱ - به منظور تسهیل داد و ستد و ثبت و مستندسازی فعالیت‌های اقتصادی افراد صنفی عرضه‌کننده کالا و یا ارائه‌دهنده خدمت، مکلفند حداکثر ظرف مدت

تبصره - آیین‌نامه اجرایی این ماده در مورد چگونگی اجرا، نحوه تخصیص و پرداخت حق‌الکشف مأموران یا دستگاه مربوطه و نگهداری کالا توسط اتاق اصناف ایران با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط تهیه می‌شود و حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن قانون به تصویب وزیر صنعت، معدن و تجارت می‌رسد.»

آقای سلیمی - دوستان [= کارشناسان مرکز تحقیقات] گفته‌اند این تبصره با نظر مجمع تشخیص مصلحت نظام مغایر است.^۱

آقای علیزاده - نظر مجمع چه بوده است؟

آقای سلیمی - در گزارش مرکز تحقیقات مشخص شده است: «با توجه به اینکه ماده (۷) قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام، نحوه پرداخت حق‌الکشف کالاهای قاچاق را به مصوبه هیئت وزیران موکول کرده است ...»

آقای علیزاده - «کالاهای قاچاق»؛ این تبصره در خصوص کالاهای احتکار شده است، نه کالاهای قاچاق.

آقای سلیمی - در ادامه نوشته‌اند: «حکم این تبصره مبنی بر سپردن تعیین چگونگی اجرا، نحوه تخصیص و پرداخت حق‌الکشف ...» **آقای علیزاده** - حق‌الکشف در این تبصره مربوط به احتکار است، نه قاچاق.

منشی جلسه - «ماده ۴۵ - یک تبصره به شرح زیر به ماده (۶۷) قانون^۲ الحاق می‌شود:

→

شدیدتری پیش‌بینی شده باشد متخلف به مجازات مزبور محکوم خواهد شد.»

۱. «با توجه به اینکه ماده (۷) قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام، نحوه پرداخت حق‌الکشف کالاهای قاچاق را به مصوبه هیئت وزیران موکول کرده است، حکم این تبصره مبنی بر سپردن تعیین چگونگی اجرا، نحوه تخصیص و پرداخت حق‌الکشف به آیین‌نامه مصوب وزیر، مغایر مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام و مآلاً مغایر اصل (۱۱۲) قانون اساسی است. لازم به ذکر است حکم این تبصره، ناظر به ماده (۶۲) قانون نظام صنفی است و این ماده نیز در مورد جرایم و حق‌الکشف کالاهای قاچاق است و از این منظر با مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام، وحدت موضوعی دارد.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (مرکز تحقیقات شورای نگهبان)، شماره ۹۲۰۵۰۱۵، مورخ ۱۳۹۲/۵/۱۶، صص ۷-۸، قابل مشاهده در نشانی: <http://yon.ir/EOdT>

۲. ماده (۶۷) قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴: «ماده ۶۷ - چنانچه بر اثر وقوع تخلف‌های مندرج در این قانون، خسارتی به اشخاص ثالث وارد شود، به درخواست شخص خسارت‌دیده، فرد صنفی متخلف، علاوه بر جریمه‌های مقرر در این قانون، به جبران زیان‌های وارد شده به خسارت‌دیده نیز محکوم خواهد شد.»

←

ماده ۷۱- به منظور تسهیل داد و ستد، ثبت و مستندسازی، نظارت بر قیمت‌ها و شفافیت در مبادلات اقتصادی، افراد صنفی عرضه‌کننده کالا یا خدمات مکلفند مطابق اولویت‌بندی مشاغل که هر سال اعلام می‌شود، از سامانه صندوق مکانیزه فروش (posse) استفاده نمایند. معادل هزینه‌های انجام‌شده بابت خرید، نصب و راه‌اندازی دستگاه صندوق فروش اعم از سخت‌افزاری و نرم‌افزاری توسط صاحبان مشاغل مذکور، از درآمد مشمول مالیات مؤدیان مزبور در اولین سال استفاده قابل کسر است. عدم استفاده صاحبان مشاغل مذکور از صندوق فروش در هر سال، موجب محرومیت از معافیت‌های مالیاتی مقرر در قانون برای سال مربوط می‌شود.

تبصره- تعیین صنوف مشمول و اولویت‌بندی و نحوه استفاده از صندوق و چگونگی ارائه اطلاعات آن به مراجع ذی‌ربط به موجب آیین‌نامه‌ای است که توسط دبیرخانه هیئت عالی نظارت با همکاری سازمان امور مالیاتی و اتاق اصناف ایران تهیه می‌شود و حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

منشی جلسه - «ماده ۴۹- ماده (۷۲) قانون^۱ به شرح زیر اصلاح و

→

سه سال از تصویب این قانون در شهرستان‌های بیش از سیصد هزار نفر جمعیت و ظرف مدت پنج سال در سایر شهرستان‌ها به تناسب از صندوق مکانیزه فروش (Posse) و یا دستگاه توزین دیجیتالی و یا هر دو برای فروش کالا یا ارائه خدمت خود با رعایت شرایط مندرج در تبصره (۱) ماده (۱۵) استفاده نمایند.

تبصره ۱- تعیین صنوف مشمول این ماده و ضوابط نحوه استفاده و پلمب دستگاه توسط مراجع ذی‌ربط تابع آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط دبیرخانه هیئت عالی نظارت ظرف مدت شش ماه تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید.

تبصره ۲- از تاریخ اتمام مهلت مقرر، در صورت عدم استفاده از صندوق مکانیزه فروش و یا دستگاه توزین دیجیتالی، واحد صنفی مشمول این ماده برای هر ماه تأخیر معادل یک میلیون (۱,۰۰۰,۰۰۰) ریال جریمه خواهد شد.

۱. ماده (۷۲) قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴: «ماده ۷۲- خریداران و مصرف‌کنندگان می‌توانند شکایت خود را در مورد تخلف‌های موضوع این قانون به اتحادیه‌های ذی‌ربط و یا ناظران و بازرسان موضوع ماده (۵۲) این قانون تسلیم، ارسال یا اعلام دارند. همچنین بازرسان و ناظران موضوع این قانون نیز گزارش تخلفات موضوع این قانون، یا شکایت دریافتی را حداکثر ظرف ده روز به هیئت رسیدگی بدوی و یا اتحادیه‌های ذی‌ربط تسلیم می‌دارند. اتحادیه‌ها موظفند حداکثر ظرف مدت ده روز شکایت یا گزارش تخلف دریافتی را مورد بررسی قرار دهند و در صورت احراز عدم تخلف فرد صنفی، یا انصراف شاکی، با اعلام مراتب، پرونده را مختومه نمایند. در غیر این صورت و یا اعتراض شاکی، بازرسان یا ناظر ظرف مدت ده روز از تاریخ اعلام مختومه‌شدن، پرونده برای بررسی به هیئت رسیدگی بدوی ارسال خواهد گردید. هیئت یا هیئت‌های رسیدگی بدوی در هر

←

تبصره‌های (۱) تا (۸) جایگزین تبصره‌های آن می‌شود:

ماده ۷۲- خریداران و مصرف‌کنندگان و همچنین بازرسان و ناظران موضوع ماده (۵۲) این قانون می‌توانند شکایت یا گزارش خود را در مورد تخلفات موضوع این قانون به اتحادیه‌های ذی‌ربط تسلیم، ارسال یا اعلام دارند.

اتحادیه‌ها موظفند حداکثر ظرف ده روز شکایت یا گزارش تخلف دریافتی را مورد بررسی قرار دهند و در صورت احراز عدم تخلف فرد صنفی و یا انصراف شاکی، پرونده را مختومه نمایند و در صورت احراز تخلف و یا اعتراض شاکی، پرونده را در مرکز استان به سازمان تعزیرات حکومتی و در شهرستان‌ها به ادارات تابعه

→

شهرستان مرکب از سه نفر نمایندگان اداره یا سازمان بازرگانی، دادگستری با حکم رئیس قوه قضائیه و مجمع امور صنفی ذی‌ربط است که ظرف دو هفته در جلسه‌ای با دعوت از طرفین یا نمایندگان آنها به پرونده رسیدگی و طبق مفاد این قانون رأی صادر می‌کنند. عدم حضور هر یک از طرفین مانع از رسیدگی و اتخاذ تصمیم نخواهد بود. هر یک از طرفین می‌تواند در صورت معترض بودن به رأی صادره، اعتراض کتبی خود را ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ رأی به هیئت تجدیدنظر تسلیم دارد. هیئت یا هیئت‌های تجدیدنظر در هر شهرستان مرکب از سه نفر، رئیس اداره یا سازمان بازرگانی یا یکی از معاونان وی، رئیس دادگستری یا نماینده معرفی‌شده وی و رئیس یا یکی از اعضای هیئت رئیسه مجمع امور صنفی ذی‌ربط است که ظرف یک ماه به درخواست طرف معترض می‌تواند با دعوت از طرفین یا نمایندگان آنها رسیدگی و رأی صادر کند. این رأی قطعی و لازم‌الاجراء است. عدم حضور هر یک از طرفین مانع رسیدگی و اتخاذ تصمیم نخواهد بود. جلسه‌های هیئت‌های رسیدگی بدوی و تجدیدنظر با حضور هر سه نفر اعضای رسمی است و آراء صادره با دو رأی موافق معتبر و لازم‌الاجراء خواهد بود.

تبصره ۱- در صورت عدم امکان تشکیل هیئت رسیدگی در هر شهرستان، یکی از هیئت‌های رسیدگی شهرستان همجوار استان یا مرکز استان وظایف مقررشده را عهده‌دار خواهد شد.

تبصره ۲- اداره امور مراجع رسیدگی بدوی و تجدیدنظر و مسئولیت تشکیل جلسه‌های رسیدگی بر عهده اداره یا سازمان بازرگانی شهرستان یا استان است. همچنین مسئولیت هماهنگی و رسیدگی به تخلفات هیئت‌ها، صدور رأی و ابلاغ آن و آموزش بازرسان و ناظران به عهده وزارت بازرگانی می‌باشد. نحوه نظارت و بازرسی، تهیه گزارش و اجرای رأی، تجدیدنظر و رسیدگی به شکایات و تخلفات موضوع این قانون و دستورالعمل اجرایی و مالی آن به موجب این قانون خواهد بود.

تبصره ۳- درآمدهای ناشی از جریمه‌های دریافتی به حساب خزانه واریز خواهد گردید. معادل این مبلغ در بودجه‌های سنواتی منظور خواهد شد تا توسط وزارت بازرگانی برای اجرای این قانون به مصرف برسد.

تبصره ۴- دادگستری و نیروی انتظامی، کلیه وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی، مؤسسات، سازمان‌ها، شرکت‌های دولتی، سایر دستگاه‌های دولتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است، مؤسسات عمومی غیردولتی و سازمان‌های تابعه سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و بانک‌ها موظفند نسبت به امور مربوط به رسیدگی و اجرای احکام تخلفات موضوع این قانون همکاری نمایند.

تعزیرات حکومتی داده‌اند. بنابراین اساساً ماده‌ی هفتاد و دویسی باقی‌نمانده تا اصلاح شود. این یک اشکال. بحث بعدی هم این است که ما یا از این طرف بام می‌افتیم یا از آن طرف. یک زمانی می‌گفتیم قاضی باید مجتهد جامع‌الشرايط باشد. بعد به بقال و ... هم اختیار قضاوت و دادرسی در شورای حل اختلاف دادیم و حالا هم که تعزیرات حکومتی را با مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت و اختیارات ولی فقیه توجیه می‌کنیم تا بتوانند حکم بدهند. در یک مقطعی استثنائاً خود اصناف اجازه گرفته بودند و مداخله می‌کردند،^۲ اما آن هم نسخ شد. بنابراین به نظر می‌رسد که بهتر باشد امور داوری و دادرسی را کماکان به یک نهادی بدهیم که به هر حال حکومت در آن یک نقشی دارد. قاضی تعزیرات حکومتی، به نظر می‌رسد که حداقل مقامی است که از طرف حکومت پذیرش می‌شود، و الا اگر قرار باشد رسیدگی به تخلفات اصناف را به خود اصناف بدهیم، اصلاً این خودش منشأ ایجاد مشکلات و فساد می‌شود. مهم‌ترین مشکلی که این ماده دارد، این است که ماده‌ی منسوخ را اصلاح کرده‌اند. به نظر من ما باید یک تذکری به نمایندگان بدهیم و این را برگردانیم. شاید هم زمینه‌ای در مجلس وجود داشته باشد برای اینکه اصل قضیه را اصلاح کنند.

آقای علیزاده - اگر این ماده، منسوخ شده است، خوب این را تذکر بدهیم. اما این کسانی که در تعزیرات حکومتی حکم می‌دهند که قاضی نیستند. احکامشان در دیوان عدالت اداری قابل شکایت است؛ بنابراین اینها قاضی نیستند. حالا نمایندگان اصناف و دستگاه‌ها هم می‌خواهند بروند و در هیئت‌های رسیدگی سازمان تعزیرات نظر بدهند، خوب بروند؛ مثل سایر تخلفات [همه‌ی احکام اینها قابل شکایت در دیوان عدالت اداری است]. از این جهت واقعاً ما می‌گوییم مصلحت است این‌طور بشود، و الا ما که نمی‌توانیم ایراد [مغایرت با قانون اساسی یا

→

پرونده‌های مفتوحه در هیئت‌های بدوی و تجدیدنظر قانون نظام صنفی از زمان لازم‌الاجراء شدن این قانون به سازمان تعزیرات حکومتی ارجاع خواهد شد.

۲. ماده (۷۲) قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴: «ماده ۷۲ - خریداران و مصرف‌کنندگان می‌توانند شکایت خود را در مورد تخلف‌های موضوع این قانون به اتحادیه‌های ذی‌ربط و یا ناظران و بازرسان موضوع ماده (۵۲) این قانون تسلیم، ارسال یا اعلام دارند. همچنین بازرسان و ناظران موضوع این قانون نیز گزارش تخلفات موضوع این قانون، یا شکایت دریافتی را حداکثر ظرف ده روز به هیئت رسیدگی بدوی و یا اتحادیه‌های ذی‌ربط تسلیم می‌دارند. ...»

سازمان مذکور تسلیم نمایند. سازمان تعزیرات حکومتی و ادارات تابعه در شهرستان‌ها مکلفند حداکثر ظرف دو هفته در جلسه‌ای با دعوت از شاکی و مشتکی‌عنه به پرونده رسیدگی و طبق مفاد این قانون حکم مقتضی را صادر نمایند.

تبصره ۱- صدور رأی در مورد تخلفات موضوع این قانون به غیر از مواردی که در تبصره (۲) این ماده آمده است، رأساً توسط رؤسای شعب سازمان تعزیرات حکومتی و با دعوت از شاکی و مشتکی‌عنه انجام خواهد شد. حضور نمایندگان سازمان صنعت، معدن و تجارت و اتاق اصناف یا اتحادیه مربوط در جلسات رسیدگی به تخلفات موضوع این تبصره بلامانع است. تجدیدنظرخواهی در مورد تخلفات موضوع این تبصره، مطابق مقررات سازمان تعزیرات حکومتی انجام می‌شود.

تبصره ۲- رسیدگی بدوی به تخلفات موضوع مواد ۵۷ (گران‌فروشی)، ۵۸ (کم‌فروشی)، ۵۹ (تقلب)، ۶۰ (احتکار) و ۶۳ (عدم اجرای ضوابط قیمت‌گذاری و توزیع) در مواردی که موضوع شکایت شاکی یا گزارش بازرس حاکی از تخلف بیش از سه میلیون (۳,۰۰۰,۰۰۰) ریال است، توسط هیئتی متشکل از یکی از رؤسای شعب سازمان تعزیرات حکومتی، نماینده اتاق اصناف و نماینده سازمان صنعت، معدن و تجارت با دعوت از شاکی و مشتکی‌عنه انجام خواهد شد.

مبنای مذکور هر ساله بر اساس نرخ تورم سالانه با پیشنهاد وزارت صنعت، معدن و تجارت و تصویب هیئت وزیران قابل تغییر است. در صورت تجدیدنظرخواهی هر یک از طرفین، هیئت تجدیدنظر متشکل از یکی از رؤسای شعب تجدیدنظر سازمان تعزیرات حکومتی، نماینده اتاق اصناف شهرستان و نماینده اداره صنعت، معدن و تجارت شهرستان به موضوع رسیدگی خواهد کرد. نمایندگان اتاق اصناف و اداره صنعت، معدن و تجارت شهرستان در هیئت تجدیدنظر مربوط به هر پرونده باید غیر از نماینده دستگاه‌های مزبور در هیئت بدوی رسیدگی‌کننده به همان پرونده باشند.

جلسات هیئت‌های رسیدگی بدوی و تجدیدنظر با حضور هر سه عضو رسمی است و آرای صادره با دو رأی موافق معتبر می‌باشد.»

آقای ابراهیمیان - [در ماده (۲۲) قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان]^۱ رسیدگی به پرونده‌های تخلفات اصناف را به

۱. ماده (۲۲) قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸/۷/۱۵:

«ماده ۲۲- از زمان لازم‌الاجراء شدن این قانون، رسیدگی به تخلفات افراد صنفی توسط سازمان تعزیرات حکومتی و براساس مجازات‌های مقرر در قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴ مجلس شورای اسلامی و سایر قوانین انجام خواهد گرفت و قوانین مغایر لغو و بلااثر می‌گردد. همچنین

←

تعزیرات حکومتی.^۱

آقای ره‌پیک - به همین بهانه، ما تصمیم گرفتیم که صادرکنندگان رأی در شعب تعزیرات باید شرایط قاضی را داشته باشند.

آقای علیزاده - نه، اصلاً.

آقای ره‌پیک - آن قسمتش تصویب شد که رؤسای شعب تعزیرات باید شرایط قاضی را داشته باشند.

آقای اسماعیلی - حالا اگر قاضی نیستند، [دست‌کم] شرایط قاضی را داشته باشند.

آقای مؤمن - اگر در قانون هم چنین چیزی داشته باشیم، اگر اینها حکم بدهند اعتباری ندارد.

آقای اسماعیلی - مثل این است که مثلاً بگویند حقوقدان‌های شورای نگهبان، [باید شرایط فقها را داشته باشند].

آقای علیزاده - حکمی که در سازمان تعزیرات صادر می‌شود، حکم قضایی نیست. اگر حکم قضایی باشد که قابل شکایت در دیوان عدالت اداری نیست. تجدیدنظرخواهی از احکام قضایی که در دیوان عدالت اداری نیست. احکام قضایی قابل تجدیدنظر در دادگاه تجدیدنظر و در دیوان عالی کشور است. اما همه‌ی ما

موازین شرع به این مصوبه [بگیریم]. تعزیرات حکومتی الآن به‌عنوان یک مرجع قضایی نیست؛ یک مرجع رسیدگی به تخلفات مربوط به این امور [اقتصادی] است.

آقای یزدی - ولی زیر نظر قوه‌ی قضائیه است.

آقای علیزاده - زیر نظر وزیر دادگستری است؛ اصلاً زیر نظر قوه‌ی قضائیه هم نیست. تعزیرات حکومتی را از رئیس قوه‌ی قضائیه گرفتند.

آقای یزدی - تشکیلات سازمان تعزیرات، [از جنس شئون] قوه‌ی قضائیه است؛ حکم صادر می‌کنند که در مغازه را ببندید و پرده بکشید [= پارچه‌نوشته روی در واحد صنفی نصب کنید] و ...

آقای علیزاده - بله زمان شما، تعزیرات حکومتی تحت نظر قوه‌ی قضائیه بود، ولی از زمان آیت‌الله شاهرودی دیگر از قوه‌ی قضائیه جدا شد. در مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب شد که سازمان تعزیرات حکومتی زیر نظر وزیر دادگستری باشد. بعد هم آنجا دیگر اصلاً قاضی نیست. همه‌ی قضات را فرخواندند [و به قوه‌ی قضائیه] آوردند. پارسال که این قانون [نظام صنفی] به شورای نگهبان آمد، در مورد آن هیئت عالی ایراد گرفتیم و گفتیم که اعضای این هیئت باید از قضات باشند و بعد نمایندگان بردند و در مجلس شورای اسلامی آن را درستش کردند. الآن آنچه که جناب آقای دکتر ابراهیمیان می‌فرمایند، حرف صحیحی است؛ چون دفعه‌ی قبل این ماده (۷۲) را حذف کردند. در این باره یک دقتی بکنیم و اگر قبلاً حذف کرده‌اند، تذکر بدهیم. وگرنه آن زمان گفتند مأموران سازمان تعزیرات حکومتی باید حکم بدهند و حالا می‌گویند این دو تا [= نماینده‌ی اتاق اصناف و نماینده‌ی سازمان صنعت، معدن و تجارت] هم بروند حکم بدهند! به هر حال، احکام اینها قابل شکایت در دادگستری است.

آقای اسماعیلی - خودش در صدر ماده گفته است: «... در مورد تخلفات موضوع این قانون ...»

آقای علیزاده - بله. بعداً هم مجمع تشخیص مصلحت نظام مصوبه‌ای گذراند که رئیس قوه‌ی قضائیه و رئیس قوه‌ی مجریه بنشینند و رسیدگی به موضوعاتی که جزای کیفری دارد را به دادگستری‌ها بدهند و تخلفات را به تعزیرات حکومتی. ما هم در شورای نگهبان در رسیدگی به قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، این ایراد را گرفتیم که باید رسیدگی به موضوعات کیفری را بدهند به دادگستری و رسیدگی به غیرکیفری را هم بدهند به

۱. اعضای شورای نگهبان در حین بررسی مصوبه‌ی مربوط به مبارزه با قاچاق کالا و ارز، به تناسب در خصوص موضوع صلاحیت قضات سازمان تعزیرات حکومتی در صدور حکم قضایی بحث کرده‌اند و موادی از این مصوبه را از این حیث، واجد ایراد تشخیص داده‌اند؛ از جمله در بند (۱۱) نظر شماره ۹۰/۳۰/۴۵۹۴۴ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۸ در خصوص لایحه مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۰/۱۱/۱۱ مجلس شورای اسلامی، آمده است: «۱۱- اطلاق ماده (۵۵) نسبت به مواردی که تبدیل جزای نقدی به حبس بدون حکم قاضی باشد، خلاف موازین شرع است.» ماده (۵۵) این مصوبه‌ی مجلس مقرر می‌داشت: «ماده ۵۵- در صورتی که محکومین به جریمه‌های نقدی مقرر در این قانون ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ حکم قطعی به پرداخت جریمه‌های مقرر اقدام ننمایند، جریمه نقدی از محل وثیقه‌های سپرده‌شده و یا فروش اموال شناسایی‌شده محکوم‌علیه اخذ و مابقی به مالک مسترد می‌شود و چنانچه اموالی شناسایی نشود و یا کمتر از میزان جریمه باشد و جریمه مورد حکم، وصول نشود، جرائم نقدی مذکور مطابق قانون آیین دادرسی کیفری به حبس تبدیل می‌شود. در هر صورت حبس بدل از جزای نقدی نباید از پانزده سال بیشتر باشد.» برای آگاهی بیشتر در خصوص مباحث و استدلال‌های مطرح‌شده از سوی اعضای شورای نگهبان در این زمینه، بنگرید به: توکل‌پور، محمدهادی و مصطفی مسعودیان، قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (مصوب ۱۳۹۲) در پرتو نظرات شورای نگهبان؛ به انضمام مبانی نظرات شورای نگهبان پیرامون این قانون، تهران، پژوهشکده شورای نگهبان، چ ۱، ۱۳۹۳؛ مسعودیان، مصطفی و دیگران، مبانی نظرات شورای نگهبان در خصوص مصوبات و استفسارهای سال ۱۳۹۲ (برگرفته از مشروح مذاکرات شورای نگهبان)، تهران، پژوهشکده شورای نگهبان، چ ۱، ۱۳۹۴، صص ۴۴۱-۵۱۳.

آقای اسماعیلی - نه، می‌پرسم آیا [ماده (۲۲) قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان] به معنای نسخ ماده (۷۲) قانون نظام صنفی است یا نه؟ همین.

آقای علیزاده - اگر در آن قانون نسخ کرده باشند، دیگر ما چطور بگوییم [آیا به معنای نسخ ماده (۷۲) قانون نظام صنفی است یا نه؟]

آقای اسماعیلی - نه، می‌گوییم این ماده را نسخ کرده‌اند یا نه؟
آقای شب‌زنده‌دار - نه، این سوابق ما [در خصوص ماده (۷۲)] اشکال دارد؛ وقتی می‌گوییم قانون [حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان آن را] نسخ کرده است، دیگر این تعبیر اینجا درست نیست. البته به شرطی که سابقه [کامل باشد، می‌توان در این باره نظر داد].

آقای علیزاده - نه، ما باید بگوییم با توجه به این [ماده (۲۲) قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان]، آیا منظور از ماده (۴۹) مصوبه ابقا و تصویب مجدد ماده (۷۲) است یا نه، به معنای اصلاح آن ماده است؛ و اگر به معنای نسخ است، باید این را تصحیح کنید. بگوییم تکلیف این مسئله را روشن کنند تا ما اظهار نظر نکنیم. این را باید بگوییم. بعد از اینکه این ابهام رفع شد، در مورد این ماده و تبصره‌هایش اظهار نظر می‌کنیم.

آقای مؤمن - پس تبصره را نمی‌خواهید بخوانید؟
آقای علیزاده - نه، فعلاً نخوانیم. ممکن است ایرادات دیگری هم داشته باشد.

آقای مؤمن - حالا بعداً اعلام نظر می‌کنیم.
آقای علیزاده - بله، بگوییم با توجه به این [= ماده (۲۲) قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان]، ابتدا ابهام ماده (۴۹) مصوبه را رفع کنید تا بعد ما در مورد این ماده و تبصره‌هایش اظهار نظر کنیم.^۱

برویم ماده (۴۹) مکرر) را بخوانیم. «ماده ۴۹ مکرر - یک ماده به شرح زیر به عنوان ماده (۷۲) مکرر) به قانون الحاق می‌گردد:

۱. بند (۳) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۱۵۵۵ مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۹ شورای نگهبان در خصوص لایحه اصلاح قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۹۲/۵/۱: «۳- ماده (۴۹) موضوع اصلاح ماده (۷۲)، با توجه به نسخ ماده (۷۲) قانون نظام صنفی مصوب سال ۱۳۸۲ به موجب مواد (۱۴)، (۱۵)، (۱۷) و (۲۲) قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۷/۱۵، از این حیث که مشخص نیست این ماده به معنای تصویب مجدد مفاد مواد مذکور در مجلس است یا خیر، ابهام دارد و ماده (۵۹) مصوبه نیز رافع این ابهام نمی‌باشد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد. همچنین ماده (۵۶) موضوع الحاق ماده (۹۵) مکرر یک)، مبنیاً بر این ابهام، واجد ابهام است.»

اینها [= احکام سازمان تعزیرات حکومتی] را احکام تخلفات اداری و انتظامی تلقی کردیم.

آقای ابراهیمیان - ماده (۲۲) قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب سال ۱۳۸۸ می‌گوید: «از زمان لازم‌الاجراء شدن این قانون، رسیدگی به تخلفات افراد صنفی توسط سازمان تعزیرات حکومتی و بر اساس مجازات‌های مقرر در قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴ مجلس شورای اسلامی و سایر قوانین انجام خواهد گرفت. ...» بنابراین هم این ماده و هم دو سه ماده‌ی دیگر، [نسخ شده است].

آقای علیزاده - خب باشد، این ماده را تغییر داده‌اند. چه اشکالی دارد؟

آقای ابراهیمیان - ماده (۷۲) را قبلاً نسخ کرده‌اند؛ بنابراین با توجه به نسخ آن، اصلاحش [ممکن نیست].

آقای علیزاده - بله، نسخش درست است. ما باید بگوییم این ماده منسوخ است، چطور دارید آن را اصلاح می‌کنید. این درست است.

آقای مؤمن - یعنی اصل [ماده (۷۲) دیگر وجود ندارد که بخواهد اصلاح شود].

آقای علیزاده - در اصل این ماده (۷۲) یک دقتی بکنیم. بعداً هم باز من با آقای دکتر ابراهیمیان نگاه می‌کنیم. اگر این طور باشد، ما به مجلس می‌گوییم که این ماده منسوخ است، شما چطور می‌خواهید قانون منسوخ را اصلاح کنید؟ می‌گوییم که اگر می‌خواهید آن ماده را احیا کنید، باید بنویسید که این ماده احیا می‌شود.

آقای اسماعیلی - خب می‌خواهید الآن [از مجلس] سؤال کنیم که آیا این، نسخ است یا اصلاح است؟

آقای علیزاده - نه، این طور بنویسیم که با توجه به اینکه ماده (۷۲) قانون نظام صنفی ظاهراً نسخ شده است، چطور دارید آن را اصلاح می‌کنید؟ می‌توانید این جوری سؤال کنید.

آقای اسماعیلی - بپرسم آیا این ماده نسخ شده است یا نه؟

آقای ابراهیمیان - ابهام بگیریم.

آقای علیزاده - بله، بنویسیم با توجه به این مواد [از قانون حمایت از مصرف‌کنندگان]، ظاهراً ماده (۷۲) قانون نظام صنفی منسوخ شده است و قابل اصلاح نیست و از این جهت ماده (۴۹) مصوبه ابهام دارد.

آقای سلیمی - ابهام را برطرف کنید.

آقای شب‌زنده‌دار - اگر ماده (۷۲) منسوخ باشد که مجلس نمی‌تواند [آن را اصلاح کند].

ماده ۷۷- به منظور حمایت از بافندگان فرش دستباف و حرف مشابه، به کمیسیون‌های نظارت اجازه داده می‌شود، حسب مورد، نسبت به تشکیل اتحادیه استانی و شهرستانی، جهت بافندگان و حرف مشابه مزبور اقدام کنند. این اتحادیه‌ها تحت نظارت کمیسیون نظارت مرکز استان و شهرستان‌های خود می‌باشند.

ماده ۵۳- ماده (۸۶) قانون^۴ به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۸۶- فروشگاه‌های بزرگ چندمنظوره که مجموعه‌ای متنوع از کالاها و خدمات مورد نیاز عموم را در یک مکان مناسب عرضه می‌نمایند و فروشگاه‌های بزرگ زنجیره‌ای تحت مدیریت متمرکز و با نام تجاری واحد که حداقل در دو فروشگاه به عرضه کالا و خدمات مبادرت می‌کنند، مشمول این قانون می‌باشند و باید حداقل عضو یکی از اتحادیه‌های صنفی ذی‌ربط باشند و پروانه کسب دریافت نمایند.

ماده ۵۴- ماده (۸۷) قانون^۵ به شرح زیر اصلاح و یک تبصره به آن الحاق می‌شود:

ماده ۸۷- فعالیت افراد صنفی در فضای مجازی (سایبری) مستلزم اخذ پروانه کسب از اتحادیه مربوطه است.

تبصره- چگونگی صدور مجوز و نحوه نظارت بر این‌گونه فعالیت‌های صنفی به‌موجب آیین‌نامه‌ای است که توسط اتاق اصناف ایران با همکاری دبیرخانه هیئت عالی نظارت و وزارتخانه‌های اطلاعات و ارتباطات و فناوری اطلاعات تهیه می‌شود و پس از تأیید هیئت عالی نظارت حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون به تصویب وزیر صنعت، معدن و تجارت می‌رسد.»

آقای علیزاده - حداقل این یکی اشکال دارد: «... صدور مجوز و نحوه نظارت ...»

آقای اسماعیلی - شرایط صدور مجوز.

آقای علیزاده - همین دیگر.

آقای اسماعیلی - نه «چگونگی» صدور با «شرایط» صدور فرق می‌کند.

۴. ماده (۸۶) قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴: «ماده ۸۶- فعالیت فروشگاه‌های بزرگ، چندمنظوره یا زنجیره‌ای و نحوه نظارت بر آنها، طبق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط دبیرخانه هیئت عالی نظارت تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید.

تبصره- مرجع صدور مجوز فعالیت فروشگاه‌های موضوع این ماده، وزارت بازرگانی است.»

۵. ماده (۸۷) قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴: «ماده ۸۷- افراد صنفی که در بازارهای مجازی فعالیت می‌کنند، ملزم به ارائه مدارک مورد استفاده در آن بازارها هستند.»

ماده ۷۲ مکرر- دادگستری، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، کلیه وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی، مؤسسات، سازمان‌ها، شرکت‌های دولتی، سایر دستگاه‌ها و شرکت‌های دولتی که مشمول قانون بر آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است، مؤسسات عمومی غیردولتی و سازمان‌های تابعه سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و بانک‌ها موظفند در اجرای احکام تخلفات موضوع این قانون با سازمان تعزیرات حکومتی همکاری نمایند.

ماده ۵۰- ماده (۷۴) قانون^۱ به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۷۴- میزان جریمه‌های نقدی تعیین شده در این قانون، هر ساله بر اساس نرخ تورم سالانه بنا به پیشنهاد وزارت صنعت، معدن و تجارت و تأیید هیئت وزیران قابل تعدیل است.

ماده ۵۱- ماده (۷۵) قانون و تبصره آن^۲ به شرح زیر اصلاح می‌شود: ماده ۷۵- اتحادیه‌ها و اتاق‌های اصناف شهرستان می‌توانند برای خدمات اعضای هیئت‌مدیره یا هیئت‌رئیس خود، بر حسب آیین‌نامه‌ای که به پیشنهاد اتاق اصناف ایران و توسط دبیرخانه هیئت عالی نظارت تهیه می‌شود و حداکثر ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون به تصویب وزیر صنعت، معدن و تجارت می‌رسد، مبالغی را از محل درآمدهای خود در بودجه سالانه پیش‌بینی و پرداخت نمایند.

تبصره- اعضای موضوع این ماده تا زمانی که عضو هیئت‌مدیره اتحادیه یا هیئت‌رئیس اتاق اصناف شهرستان باشند، مشمول قانون تأمین اجتماعی می‌شوند.»

منشی جلسه - «ماده ۵۲- ماده (۷۷) قانون^۳ به شرح زیر اصلاح می‌شود:

۱. ماده (۷۴) قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴: «ماده ۷۴- میزان جریمه‌های نقدی تعیین شده در این فصل، هر سه سال یک بار و بر اساس نرخ تورم سالانه بنا به پیشنهاد وزارت بازرگانی و تأیید هیئت وزیران قابل تعدیل است.»

۲. ماده (۷۵) قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴: «ماده ۷۵- اتحادیه‌ها و مجامع امور صنفی می‌توانند برای خدمات اعضای هیئت‌مدیره یا هیئت‌رئیس خود، برحسب آیین‌نامه‌ای که توسط دبیرخانه هیئت عالی نظارت تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید، مبالغی را از محل درآمدهای خود در بودجه سالانه خود پیش‌بینی و پرداخت کنند.

تبصره- اعضای موضوع این ماده، با توجه به ماهیت کار خود، بابت دریافتی‌های یادشده مشمول قوانین و مقررات کار و تأمین اجتماعی نخواهند بود.»

۳. ماده (۷۷) قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴: «ماده ۷۷- به منظور حمایت از بافندگان فرش دستباف به کمیسیون‌های نظارت مراکز استان‌ها اجازه داده می‌شود، به تشخیص خود، در هر استان نسبت به تشکیل اتحادیه استانی، بدون رعایت مفاد ماده (۲۱) این قانون، جهت بافندگان مزبور اقدام کنند. این اتحادیه‌ها تحت نظارت کمیسیون نظارت مرکز استان خود خواهند بود.»

ایستگاه‌های راه‌آهن و مترو، مساجد و اماکن فرهنگی و مذهبی در صورتی که به عرضه کالا و خدمات به عموم بپردازند، مشمول این قانون می‌باشند و موظفند از اتحادیه‌های ذی‌ربط موضوع این قانون پروانه کسب اخذ نمایند.»

آقای یزدی - یعنی این چرخه‌هایی که کالاهایشان را می‌آورند و دم در مساجد و ... می‌فروشند هم باید پروانه داشته باشند؟!

آقای علیزاده - چرخه‌ها را هم گفته است؟

آقای یزدی - بله دیگر. می‌گوید کلیه واحدهای صنفی کذا و کذا در صورتی که به عرضه کالا و خدمات به عموم بپردازند.

آقای علیزاده - نه اینها را نمی‌گوید. چرخه‌ها را نمی‌گوید.

منشی جلسه - حاج‌آقا، این ماده می‌گوید: کلیه واحدهای صنفی «مستقر در میادین ...».

آقای یزدی - این معنایش این است که چرخه‌ها و این وانت‌باری‌هایی که میوه یا چیز دیگری می‌آورند و می‌فروشند [هم باید پروانه کسب بگیرند].

آقای اسماعیلی - واجب نیست [که مجوز بگیرند].

آقای علیزاده - بله، این ماده گفته است: «مستقر».

منشی جلسه - **منشی جلسه** - «ماده ۵۶ - یک ماده به عنوان ماده (۹۵ مکرر ۱) به قانون الحاق می‌شود:

ماده ۹۵ مکرر ۱- رسیدگی به تخلفات اعضای هیئت مدیره اتحادیه‌ها و هیئت رئیسه اتاق‌های اصناف شهرستان حسب شکایات و گزارش‌هایی که با ذکر مشخصات شاکی و گزارش‌دهنده واصل می‌شود، بر عهده کمیسیون‌های نظارت است.»

آقای شب‌زنده‌دار - اگر فرض کنیم که آن ماده (۷۲) منسوخ شده باشد، اشکالی که به ماده (۴۹) مصوبه بود، اینجا به ماده (۵۶) هم وارد می‌شود؛ اشکال اعتبار دادن به کمیسیون نظارت برای رسیدگی به تخلفات.

آقای علیزاده - تخلفات اعضای هیئت مدیره.

آقای شب‌زنده‌دار - بله، حالا اگر فرض کنیم ماده (۷۲) قانون نظام صنفی منسوخ شده است، ولی آن اشکال به این ماده هم وارد است که دارد به یک جمعی اعتبار [صدور حکم قضایی] می‌دهد که قاضی نیستند.

آقای علیزاده - ماده (۷۲) مگر در این باره هم چیزی گفته است؟

آقای شب‌زنده‌دار - اگر اشکال [سپردن کار قضایی به یک نهاد غیرقضایی] را در ماده (۴۹) مصوبه بپذیریم، به ماده (۵۶) هم وارد است، ولو اینکه ماده (۷۲) نسخ شده باشد.

آقای علیزاده - کمیسیون نظارت قبلاً این اختیار را نداشته است؟ **آقای شب‌زنده‌دار** - در کمیونی که دو نفرشان قاضی نیستند،

آقای مؤمن - جاهای دیگر مصوبه [هرچه] درباره‌ی صدور مجوز گفته‌اند، در اینجا هم مشابه همان را می‌گویند.

آقای علیزاده - ان‌شاء‌الله!

آقای مؤمن - در اینجا هم گفته‌اند صدور مجوز بر اساس آیین‌نامه است.

آقای علیزاده - بنویسیم اگر منظورشان آیین‌نامه‌ی اجرایی است، بنویسد آیین‌نامه‌ی اجرایی.

آقای مؤمن - بله همین است. منظورشان همین است. البته تذکر بدهید که اگر منظورشان از آیین‌نامه، غیر از آیین‌نامه‌ی اجرایی است، به ما بگویند.^۱

آقای علیزاده - «ماده ۵۵ - ماده (۹۱) قانون^۲ به شرح زیر اصلاح، تبصره آن به عنوان تبصره (۱) ابقاء و یک تبصره به عنوان تبصره (۲) به آن الحاق می‌شود:

ماده ۹۱- اشخاص حقیقی یا حقوقی اعم از دولتی یا غیردولتی که طبق قوانین جاری موظف به اخذ مجوز فعالیت یا پروانه تأسیس، بهره‌برداری یا اشتغال از وزارتخانه‌ها، مؤسسات، سازمان‌ها یا شرکت‌های دولتی و سایر دستگاه‌های دولتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است، می‌باشند و همچنین نهادهای عمومی غیردولتی چنانچه به عرضه کالاها یا خدمات به خرده‌فروشان یا مصرف‌کنندگان مبادرت ورزند، مکلفند علاوه بر دریافت مجوز فعالیت یا پروانه، به اخذ پروانه کسب از اتحادیه مربوط نیز اقدام کنند.

تبصره ۲- کلیه واحدهای صنفی مستقر در میادین میوه و تره‌بار شهرداری، پایانه‌های ورودی، خروجی، مسافربری، فرودگاهی،

۱. بند (۷) تذکرات مندرج در نظر شماره ۹۲۳۰/۵۱۵۵۵ مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۹ شورای نگهبان در خصوص لایحه اصلاح قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۹۲/۵/۱: «۷- در تبصره ماده (۸۷) اصلاحی، منظور از «آیین‌نامه»، «آیین‌نامه اجرایی» است.»

۲. ماده (۹۱) قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴: «ماده ۹۱- اشخاص حقیقی یا حقوقی که طبق قوانین جاری موظف به اخذ مجوز فعالیت یا پروانه تأسیس، بهره‌برداری یا اشتغال از وزارتخانه‌ها، مؤسسات، سازمان‌ها یا شرکت‌های دولتی، سایر دستگاه‌های دولتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است یا نهادهای عمومی غیردولتی هستند، چنانچه به عرضه مستقیم کالاها یا خدمات به مصرف‌کنندگان مبادرت ورزند، مکلفند علاوه بر دریافت مجوز فعالیت یا پروانه، نسبت به اخذ پروانه کسب از اتحادیه مربوط اقدام کنند. اشخاص مذکور مشمول قانون نظام صنفی و مقررات آن خواهند بود.

تبصره- اخذ پروانه کسب از اتحادیه، مانع اعمال نظارت مقرر در قوانین جاری از سوی هر یک از دستگاه‌های دولتی یا نهادهای عمومی غیردولتی یادشده بر آنها نخواهد بود.»

وسيله دبیرخانه هیئت عالی نظارت با همکاری اتاق اصناف ایران و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تهیه می‌شود و ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون به تصویب وزیر صنعت، معدن و تجارت می‌رسد. آیین‌نامه‌ی اجرایی را یک بار در تبصره (۲) ماده (۳) مصوبه گفته، یک بار دوباره اینجا دارد می‌گوید. این چیز خاصی به قانون نظام صنفی اضافه نکرده است. همان آیین‌نامه‌ی را که در ماده (۳) مصوبه گفته شده، دوباره در این ماده آورده است.

آقای مؤمن - بالاخره تکلیف این «آیین‌نامه‌ی» انتخابات اتحادیه‌ها شامل شرایط فردی و صنفی... چه شد؟
آقای علیزاده - این آیین‌نامه موضوع تبصره (۳) ماده (۲۲) قانون نظام صنفی است. آن را ببینیم.

آقای مؤمن - همان اصلی [= قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۸۲ (پیش از اصلاح)] را می‌فرمایید.

آقای علیزاده - آن اصلی است؟

منشی جلسه - تبصره (۳) ماده (۲۲) مصوبه می‌گوید: «انتخابات اتحادیه‌ها در دور اول با حضور حداقل یک‌سوم اعضا و در صورت عدم دستیابی به حد نصاب مذکور، در دور دوم با حضور حداقل یک‌چهارم اعضا رسمیت می‌یابد.»

آقای علیزاده - برویم. این تبصره در مورد انتخابات اتحادیه‌ها است.

منشی جلسه - [ادامه‌ی ماده (۵۷)]: «۵- شرح وظایف بازرس از جمله نظارت بر عملکرد هیئت مدیره اتحادیه و نیز تهیه گزارش بازرسی برای اتاق اصناف شهرستان مربوطه موضوع ماده (۲۳)»

آقای علیزاده - ماده (۲۳) [اصلاحی قانون نظام صنفی] این است: «ماده ۲۳- در اتحادیه‌ها افراد منتخب به ترتیب بر اساس اکثریت نسبی آرای مأخوذه شامل یک نفر رئیس، دو نفر نایب‌رئیس (اول و دوم)، یک نفر دبیر و یک نفر خزانه‌دار تعیین می‌شود. همزمان با برگزاری انتخابات اعضای هیئت مدیره اتحادیه، انتخاباتی برای انتخاب دو نفر بازرس (اصلی و علی‌البدل) برگزار می‌شود.» اینها را آورده است دیگر. ادامه‌اش را بخوانید.

منشی جلسه - [ادامه‌ی ماده (۵۷)]: «۶- میزان و نحوه دریافت منابع مالی، موضوع بندهای ماده (۳۷ مکرر)»

آقای شب‌زنده‌دار - آقای مؤمن، اشکال حل شد؟

آقای علیزاده - ماده (۳۷) درآمدهای اتاق‌های اصناف را می‌گوید: «ماده ۳۷ مکرر- منابع مالی اتاق اصناف شهرستان عبارتند از:

۱- بیست درصد (۲۰٪) دریافتی از درآمد اتحادیه‌ها

ممکن است رأی اکثریت بدون رأی قاضی باشد.

آقای علیزاده - این ماده (۵۶) مبنیاً بر ماده (۴۹) مصوبه ابهام دارد؛ این هم بماند بعداً درباره‌اش اظهار نظر می‌کنیم. این ایرادی که بر ماده (۴۹) نوشتیم را درستش بکنید.^۱

منشی جلسه - حاج‌آقا، «تعیین صنوف سیار» تقنینی نیست؟ بند (۱) ماده (۵۷).

آقای علیزاده - نه، صنوف سیار موضوع ماده (۳) منظور است.

«ماده ۵۷- آیین‌نامه‌های اجرایی این قانون در مورد:

۱- تعیین صنوف سیار موضوع ماده (۳)

۲- نحوه صدور، تمدید و تعویض پروانه کسب موقت و دائم موضوع ماده (۱۲)

۳- تبصره (۷) ماده (۲۱)

۴- انتخابات اتحادیه‌ها شامل شرایط فردی و صنفی داوطلبان و نحوه برگزاری انتخابات موضوع تبصره (۳) ماده (۲۲) ...»

آقای مؤمن - خب این یعنی چه؟ [آیین‌نامه‌ی] «انتخابات اتحادیه‌ها شامل شرایط فردی و صنفی...»؛ یعنی خود اتحادیه‌ها شرایط را تعیین کنند؟ این با اصل (۸۵) قانون اساسی منافات دارد.

آقای علیزاده - حالا ببینیم موضوع تبصره (۳) ماده (۲۲) چیست.

آقای مؤمن - آن تبصره را که ندیدید.

آقای علیزاده - الآن می‌بینیم، کاری ندارد.

آقای مؤمن - تبصره (۲) ماده (۳). تبصره (۲) ماده (۳) به شرح زیر اصلاح می‌شود: ...

آقای علیزاده - «ماده ۳- تبصره (۲) ماده (۳) قانون به شرح زیر اصلاح می‌شود:

تبصره ۲- اماکنی که واجد شرایط لازم جهت استقرار چند واحد صنفی باشند، می‌توانند به‌عنوان محل ثابت کسب، توسط یک یا چند فرد صنفی، پس از اخذ پروانه کسب از اتحادیه یا اتحادیه‌های ذی‌ربط، مورد استفاده قرار گیرند. آیین‌نامه اجرایی این تبصره به

۱. بند (۳) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۱۵۵۵ مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۹ شورای نگهبان در خصوص لایحه اصلاح قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۹۲/۵/۱: «۳- ماده (۴۹) موضوع اصلاح ماده (۷۲)، با توجه به نسخ ماده (۷۲) قانون نظام صنفی مصوب سال ۱۳۸۲ به‌موجب مواد (۱۴)، (۱۵)، (۱۷) و (۲۲) قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸/۷/۱۵، از این حیث که مشخص نیست این ماده به‌معنای تصویب مجدد مفاد مذکور در مجلس است یا خیر، ابهام دارد و ماده (۵۹) مصوبه نیز رافع این ابهام نمی‌باشد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد. همچنین ماده (۵۶) موضوع الحاق ماده (۹۵) مکرر یک، مبنیاً بر این ابهام، واجد ابهام است.»

فردی و صنفی ...» گفته‌اند موضوع تبصره (۳) ماده (۲۲) است. **آقای شب‌زنده‌دار** - «[آیین‌نامه‌ی] انتخابات اتحادیه‌ها شامل شرایط فردی و صنفی» یعنی آیین‌نامه باید شامل این شرایط هم باشد. این را قانون باید بگوید یا آیین‌نامه؟ در این بند چند وظیفه برای آیین‌نامه تعیین کرده‌اند: یکی نحوه‌ی برگزاری انتخابات موضوع تبصره (۳) ماده (۲۲) مصوبه است و قبل از آن هم یک وظیفه‌ی دیگر را گفته‌اند.

آقای علیزاده - شرایط فردی و صنفی. بله این درست است.

آقای مؤمن - شرایط فردی یعنی چه؟ یعنی اینها [= اصناف] بگویند شرایط فردی چیست؟

آقای علیزاده - نه، نمی‌توانند بگویند. این شرایط باید در قانون بیاید.

آقای مؤمن - همین دیگر. اصلاً خلاف اصل (۸۵) قانون اساسی است؛ یعنی این قانون‌گذاری است.

آقای شب‌زنده‌دار - خلاف اصل (۸۵) است.

آقای علیزاده - حضرات آقایانی که واگذاری تعیین شرایط فردی و صنفی داوطلبان را به آیین‌نامه، مغایر اصل (۸۵) می‌دانند و در واقع معتقدند که تعیین این امور قابل واگذاری به غیر از مجلس نیست، یک رأی بالا بدهند. چند رأی شدیم؟ **منشی جلسه** - پنج تا.

آقای علیزاده - همه‌اش پنج تا؟!

آقای مؤمن - توجه دارید که این بند، شرایط فردی داوطلبان را دارد می‌گوید.

آقای علیزاده - [این بند می‌گوید آیین‌نامه‌ی اجرایی] بیاید بگوید که داوطلبان چه شرایطی داشته باشند.

آقای مؤمن - شرایط را قانون باید تعیین کند.

آقای علیزاده - قانون باید بگوید. واقعش هم این است که قانون باید بگوید.

آقای اسماعیلی - شرایط فردی چه چیزی؟

آقای علیزاده - یعنی باید بگویند مثلاً این داوطلبان باید موقت باشند، این شرایط را داشته باشند. آقایان، این شرایط را قانون باید بگوید.

آقای یزدی - مثلاً ممکن است بگویند داوطلب باید تجربه داشته باشد، اطلاعات داشته باشد.

آقای علیزاده - قبلاً این قدر تجربه داشته باشد؛ تخلف نداشته باشد. این شرایط خیلی مهم است. چند رأی شدیم؟

آقای سلیمی - یک بار دیگر رأی بگیرد.

۲- درصدی از محل وجوه ناشی از جرایم و تخلفات صنفی موضوع تبصره (۳) ماده (۷۲) این قانون

۳- وجوه دریافتی در ازای ارائه خدمات غیرموظف به اشخاص حقیقی و حقوقی اعم از دولتی و غیردولتی.»

منشی جلسه - [ادامه‌ی ماده (۵۷)]: «۷- شرح وظایف، نحوه برگزاری انتخابات و منابع مالی کمیسیون‌های موضوع تبصره (۴) ماده (۴۵)»

آقای علیزاده - تبصره (۴) ماده (۴۵) گفته است که: «اتاق اصناف ایران می‌تواند در راستای ایفای وظایف خود کمیسیون‌های تخصصی صنفی متشکل از اعضای اتحادیه‌های آن صنف در سراسر کشور را تشکیل دهد.»

منشی جلسه - [ادامه‌ی ماده (۵۷)]: «۸- شرایط اعلام موجودی موضوع تبصره (۲) ماده (۶۰)»

آقای علیزاده - تبصره (۲) ماده (۶۰): «برای کشف تخلف در صورتی که فرائی حاکمی از صحت گزارش و ضرورت ورود به محل اختفاء یا احتکار کالا باشد، در صورت عدم اعلام موجودی موضوع تبصره (۱) این ماده، حسب مورد، شعب سازمان تعزیرات حکومتی با رعایت مقررات قانونی و تحت نظارت مدیر کل استان یا رئیس اداره تعزیرات حکومتی شهرستان، اجازه ورود به محل یادشده را صادر می‌کند و نیروی انتظامی موظف به اجرای دستور ابلاغ و اجرای احکام شعب سازمان تعزیرات حکومتی است.» این تبصره در مورد عدم اعلام موجودی است.

منشی جلسه - بند بعدی ماده (۵۷) [مربوط به آیین‌نامه‌ی] ماده (۹۱) است؛ «۹- ماده (۹۱)»

ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط اتاق اصناف ایران با همکاری دبیرخانه هیئت عالی نظارت تهیه می‌شود و پس از تأیید هیئت عالی نظارت به تصویب وزیر صنعت، معدن و تجارت می‌رسد.»

آقای شب‌زنده‌دار - جناب آقای علیزاده، من این را متوجه نشدم؛ اشکال مغایرت آن بند با اصل (۸۵) قانون اساسی جوابش چه شد؟

آقای علیزاده - کدام بند؟

آقای شب‌زنده‌دار - اینکه آیت‌الله مؤمن فرمودند در بند (۴) سپردن تعیین «شرایط فردی و صنفی» به خود اصناف مخالف اصل (۸۵) قانون اساسی است، جوابی دارد؟

آقای علیزاده - کدام ماده را می‌فرمایید؟

آقای مؤمن - بند (۴) ماده (۵۷).

آقای علیزاده - «[آیین‌نامه‌ی] انتخابات اتحادیه‌ها شامل شرایط

منشی جلسه - بله حاج آقا.

آقای یزدی - معنای این ماده این است که این مواد هم به قوانین لغوشده اضافه می‌شود.

منشی جلسه - حاج آقا، ماده (۷۲) قانون نظام صنفی که فرمودید [طبق ماده (۲۲) قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان نسخ شده است].

آقای سوادکوهی - حتی اگر [ماده (۲۲) قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان] لغو هم بشود، چیزی که نسخ شده است [را نمی‌توان بدون تصویب دوباره احیا کرد].

آقای علیزاده - این طوری که نباید بیابند بگویند آن ماده‌ی منسوخ در اینجا دوباره می‌آید. باید دوباره به مجلس ببرند و ماده به ماده رأی‌گیری کنند.

منشی جلسه - نه حاج آقا، الان آنجا [= مواد (۴۹) و (۵۶) مصوبه] ابهام دارد یا اشکال؟

آقای ابراهیمیان - اشکال می‌گیریم.

منشی جلسه - نه دیگر، اگر اشکال بشود، دیگر ابهام نیست.

آقای علیزاده - بنویسید این چیزی که در ماده (۵۹) مصوبه آمده هم رافع آن ابهام نیست.

منشی جلسه - نه حاج آقا، من می‌گویم آنجا دیگر ابهام نیست، اشکال است.

آقای علیزاده - چرا؟

منشی جلسه - ما ابهام گرفتیم که آیا اینها [= مواد (۱۴)، (۱۵)، (۱۷) و (۲۲) قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان نسخ شده است یا نه، و این ماده دارد می‌گوید دیگر [که نسخ شده است].

آقای علیزاده - این مواد منسوخ را باید از نو تصویب کنند.

آقای مؤمن - اشتباه کرده‌اند.

آقای علیزاده - حالا من درستش می‌کنم. این را بگذارید به عهده‌ی من.^۲ دستور بعدی چیست؟

منشی جلسه - «طرح دوفوریتی نحوه محاسبه و اعمال تسعیر

آقای علیزاده - حضرات آقایانی که این بند را خلاف اصل (۸۵) قانون اساسی می‌دانند، رأی بدهند.

منشی جلسه - همان پنج تا است.

آقای علیزاده - خب باشد. غایبین را حساب نمی‌کنیم. فعلاً پنج رأی دارد. بعداً از آنها رأی می‌گیریم. سه غایب داریم.^۱

منشی جلسه - «ماده ۵۸- یک ماده به شرح زیر به عنوان ماده (۹۵) مکرر (۲) به قانون الحاق می‌شود:

ماده ۹۵ مکرر ۲- رسیدگی به تخلفات صنفی کلیه افراد صنفی به موجب احکام این قانون خواهد بود و کلیه قوانین عام و خاص مغایر، لغو می‌شود.»

آقای شب‌زنده‌دار - این هم مبنیاً بر ماده (۴۹) مصوبه اشکال دارد.

آقای علیزاده - اگر منظور این باشد که قانون مربوط به مجمع تشخیص مصلحت نظام هم نقض بشود، اشکال دارد. چون آن قانون مربوط به اختلاف بین شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی نیست تا بگوییم مدت معتناهی از آن گذشته است. مصوبه‌ی خود مجمع است و مجمع از باب قانون اولیه به آن موضوع وارد شده است.

آقای یزدی - بالاخره وقتی این قانون تصویب بشود، معنایش این است که قوانین قبلی که خلاف این است، لغو می‌شود. کلیه‌ی قوانین عام و خاصی که مغایر این قانون است، لغو می‌شود.

آقای علیزاده - بله.

آقای یزدی - اگر نگویند هم همین‌طور می‌شود.

منشی جلسه - «ماده ۵۹- عبارت زیر به موارد لغوشده موضوع ماده (۹۶) قانون اضافه می‌شود:

«مواد (۱۴)، (۱۵)، (۱۷) و (۲۲) قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸/۷/۱۵»

آقای دکتر ابراهیمیان، این همان موادی است که شما فرمودید. مستندات نسخ همین‌ها است که در اینجا آورده‌اند. حاج آقا، این مواد راجع به نسخ همان ماده (۷۲) قانون نظام صنفی است. در اینجا تصریح به نسخ کرده‌اند.

آقای یزدی - یعنی این مواد هم لغو می‌شود؟

۲. بند (۳) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۱۵۵۵ مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۹ شورای نگهبان در خصوص لایحه اصلاح قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۹۲/۵/۱: «۳- ماده (۴۹) موضوع اصلاح ماده (۷۲)، با توجه به نسخ ماده (۷۲) قانون نظام صنفی مصوب سال ۱۳۸۲ به موجب مواد (۱۴)، (۱۵)، (۱۷) و (۲۲) قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸/۷/۱۵، از این حیث که مشخص نیست این ماده به معنای تصویب مجدد مفاد مواد مذکور در مجلس است یا خیر، ابهام دارد و ماده (۵۹) مصوبه نیز رافع این ابهام نمی‌باشد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد. همچنین ماده (۵۶) موضوع الحاق ماده (۹۵) مکرر یک، مبنیاً بر این ابهام، واجد ابهام است.»

۱. بند (۴) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۱۵۵۵ مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۹ شورای نگهبان در خصوص لایحه اصلاح قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۹۲/۵/۱: «۴- در بند (۴) ماده (۵۷)، نظر به اینکه از آنجا که واگذاری تعیین شرایط فردی و صنفی داوطلبان امری تقنینی است و واگذاری آن به آیین‌نامه، مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی شناخته شد.»

دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران». آقای علیزاده - بررسی این مصوبه را بگذارید برای هفته‌ی بعد. آقای مصباحی مقدم و یک نفر از بانک مرکزی یا وزارت امور اقتصادی و دارایی که به شورای نگهبان نامه نوشته‌اند را هم [برای بررسی این مصوبه] دعوت کنیم.^۱

۱. بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۵/۳۰ شورای نگهبان ادامه یافته است.

اصلاح اساسنامه شرکت فناوری‌های پیشرفته ایران

منشی جلسه - دستور بعدی، «اصلاح اساسنامه شرکت فناوری‌های پیشرفته ایران»^۱ است.

[«هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۴/۹ بنا به پیشنهاد سازمان انرژی اتمی ایران و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت»^۲ - مصوب ۱۳۷۷ - تصویب نمود:

در ماده (۱۴) اصلاحی اساسنامه شرکت فناوری‌های پیشرفته ایران^۳ موضوع بند (۳) تصویب‌نامه شماره ۱۵۳۷۲۸/ت/۴۶۸۰۶-هـ مورخ

۱. اصلاح اساسنامه شرکت فناوری‌های پیشرفته ایران در تاریخ ۱۳۹۲/۴/۹ به تصویب هیئت وزیران رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۸۵) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۴۶۸۰۶/۹۱۱۸۳ مورخ ۱۳۹۲/۴/۱۹ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۳، نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۱۵۱۲ مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۳ به هیئت وزیران اعلام کرد.

۲. قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰:

«موضوع استفساریه:

آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است، یا اصلاح اساسنامه، که در واقع اصلاح تصمیم دولت است، بر عهده هیئت وزیران می‌باشد؟

نظر مجلس:

ماده واحده - هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت واگذار شده است، چون تغییر نظر دولت محسوب می‌شود با هیئت وزیران است.»

۳. ماده (۱۴) اصلاح اساسنامه شرکت غنی‌سازی اورانیوم ایران مصوب ۱۳۹۰/۵/۲۳: «ماده ۱۴ - هیئت مدیره شرکت مرکب از هفت عضو اصلی خواهد بود که بر اساس پیشنهاد رئیس مجمع عمومی و تصویب مجمع عمومی عادی از بین افراد صاحب‌نظر و تجربه در تخصص‌های مرتبط برای مدت چهار سال با حکم رئیس مجمع عمومی انتخاب می‌شوند و پس از انقضای مدت قانونی که تجدید انتخاب به‌عمل نیامده است در سیمت خود باقی خواهند بود و انتخاب مجدد آنان برای دوره‌های بعدی بلامانع است. رئیس هیئت مدیره از بین اعضای هیئت مدیره توسط رئیس مجمع منصوب خواهد شد. اعضای هیئت مدیره شرکت با رعایت تبصره (۳) ماده واحده قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل - مصوب ۱۳۷۳ - نباید هیچ‌گونه سیمت یا پست سازمانی دیگری خارج از سازمان داشته باشند.»

۱۳۹۰/۸/۲، عبارت «و مؤسسات و شرکت‌های تابعه و وابسته» بعد از عبارت «خارج از سازمان» اضافه می‌شود.»^۱

حاج‌آقا، این اصلاحیه هم همانند اصلاح اساسنامه شرکت توسعه کاربرد پرتوها است.

آقای عزیززاده - بله، این اصلاحیه هم گفته است: عبارت «و مؤسسات و شرکت‌های تابعه و وابسته» بعد از عبارت «خارج از سازمان» اضافه شود. بنابراین، این مصوبه هم ایرادی ندارد.^۲

۴. نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۱۵۱۲ مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۳ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۴۶۸۰۶/۹۱۱۸۳ مورخ ۱۳۹۲/۴/۱۹، اصلاح اساسنامه شرکت فناوری‌های پیشرفته ایران مصوب جلسه مورخ نهم تیرماه یکهزار و سیصد و نود و دو هیئت وزیران، در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۳ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

اصلاح اساسنامه شرکت توسعه

کاربرد پرتوها

آقای عزیزاده - دستور بعدی، بررسی «اصلاح اساسنامه شرکت توسعه کاربرد پرتوها»^۱ است.

[«هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۴/۹ بنا به پیشنهاد سازمان انرژی اتمی ایران و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت»^۲ - مصوب ۱۳۷۷ - تصویب نمود:

در ماده (۱۴) اصلاحی اساسنامه شرکت توسعه کاربرد پرتوها^۳ موضوع بند (۶) تصویب‌نامه شماره ۱۵۳۷۱۸/ت/۴۶۸۰۶ مورخ

۱۳۹۰/۸/۲، عبارت «و مؤسسات و شرکت‌های تابعه و وابسته» بعد

از عبارت «خارج از سازمان» اضافه می‌شود.»]

این اصلاحیه هم ایرادی ندارد. عبارت «و مؤسسات و شرکت‌های تابعه و وابسته» بعد از عبارت «خارج از سازمان»، اینجا اضافه شده است. این اساسنامه اشکالی ندارد. از این هم بگذریم.

آقای اسماعیلی - اشکالی ندارد.

منشی جلسه - [پس نظر شورا نسبت به این مصوبه] عدم مغایرت [آن با موازین شرع و قانون اساسی است].

آقای عزیزاده - [این اصلاحیه،] مغایرتی [با موازین شرع و قانون اساسی] ندارد.^۴

۱. اصلاح اساسنامه شرکت توسعه کاربرد پرتوها در تاریخ ۱۳۹۲/۴/۹ به تصویب هیئت وزیران رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۸۵) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۴۶۸۰۶/۹۱۲۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۴/۱۹ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۳، نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۱۵۱۴ مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۳ به هیئت وزیران اعلام کرد.

۲. قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰: «موضوع استفساریه:

آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است، یا اصلاح اساسنامه، که در واقع اصلاح تصمیم دولت است، بر عهده هیئت وزیران می‌باشد؟
نظر مجلس:

ماده واحده - هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت واگذار شده است، چون تغییر نظر دولت محسوب می‌شود با هیئت وزیران است.»

۳. ماده (۱۴) اصلاح اساسنامه شرکت نیروگاه‌های اتمی (شرکت توسعه کاربرد پرتوها) مصوب ۱۳۹۰/۵/۲۳: «۱۴- هیئت مدیره شرکت مرکب از هفت عضو اصلی خواهد بود که بر اساس پیشنهاد رئیس مجمع عمومی و تصویب مجمع عمومی عادی از بین افراد صاحب‌نظر و تجربه در تخصص‌های مرتبط برای مدت چهار سال با حکم رئیس مجمع عمومی انتخاب می‌شوند و پس از انقضای مدت قانونی که تجدید انتخاب به عمل نیامده است در سیمت خود باقی خواهند بود و انتخاب مجدد آنان برای دوره‌های بعدی بلامانع است. رئیس هیئت مدیره از بین اعضای هیئت مدیره توسط رئیس مجمع منصوب خواهد شد. اعضای هیئت مدیره شرکت با رعایت تبصره (۳) ماده واحده قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل - مصوب ۱۳۷۳ - نباید هیچ‌گونه سیمت یا پست سازمانی دیگری خارج از سازمان داشته باشند.»

۴. نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۱۵۱۴ مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۳ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۴۶۸۰۶/۹۱۲۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۴/۱۹، اصلاح اساسنامه شرکت توسعه کاربرد پرتوها مصوب جلسه مورخ نهم تیرماه یکهزار و سیصد و نود و دو هیئت وزیران، در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۳ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

اصلاح اساسنامه شرکت مادر تخصصی تولید و

توسعه انرژی اتمی ایران

آقای علیزاده - دستور بعدی جلسه، بررسی «اصلاح اساسنامه شرکت مادر تخصصی تولید و توسعه انرژی اتمی ایران»^۱ است. [هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۴/۹ بنا به پیشنهاد سازمان انرژی اتمی ایران و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمانها، شرکتها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت^۲ - مصوب ۱۳۷۷ - تصویب نمود: در ماده (۱۴) اصلاحی اساسنامه شرکت مادر تخصصی تولید و توسعه انرژی اتمی ایران موضوع بند (۱) تصویب نامه شماره ۱۵۳۷۱۰/ت/۴۶۸۰۶ هـ مورخ ۱۳۹۰/۸/۲، عبارت «و مؤسسات و شرکت های تابعه و وابسته» بعد از عبارت «خارج از سازمان» اضافه می شود.]

در این اصلاحیه هم فقط عبارت «و مؤسسات و شرکت های تابعه و وابسته» بعد از عبارت «خارج از سازمان»، اضافه شده است. این اصلاحیه هم همانند اصلاح اساسنامه ی شرکت توسعه کاربرد پرتوها و اصلاح اساسنامه ی شرکت فناوری های پیشرفته ایران بوده و اشکالی ندارد.^۳

۱. اصلاح اساسنامه شرکت مادر تخصصی تولید و توسعه انرژی اتمی ایران در تاریخ ۱۳۹۲/۴/۹ به تصویب هیئت وزیران رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش بینی شده در اصل (۸۵) قانون اساسی، طی نامه ی شماره ۴۶۸۰۶/۹۱۱۹۵ مورخ ۱۳۹۲/۴/۱۹ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه ی مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۳، نظر خود مبنی بر عدم مغایرت مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه ی شماره ۹۲/۳۰/۵۱۵۱۷ مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۳ به هیئت وزیران اعلام کرد.

۲. قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمانها، شرکتها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰: «موضوع استفساریه:

آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه سازمانها، شرکتها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است، یا اصلاح اساسنامه، که در واقع اصلاح تصمیم دولت است، برعهده هیئت وزیران می باشد؟

نظر مجلس:

ماده واحده - هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت واگذار شده است، چون تغییر نظر دولت محسوب می شود با هیئت وزیران است.»

۳. نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۱۵۱۷ مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۳ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۴۶۸۰۶/۹۱۱۹۵ مورخ ۱۳۹۲/۴/۱۹، اصلاح اساسنامه شرکت



مادر تخصصی تولید و توسعه انرژی اتمی ایران، مصوب جلسه مورخ نهم تیرماه یکهزار و سیصد و نود و دو هیئت وزیران، در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۳ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»



اصلاح اساسنامه شرکت مادر تخصصی

تولید مواد اولیه و سوخت هسته‌ای ایران

آقای علیزاده - دستور بعدی «اصلاح اساسنامه شرکت مادر تخصصی تولید مواد اولیه و سوخت هسته‌ای ایران»^۱ است.

[هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۴/۹ بنا به پیشنهاد سازمان انرژی اتمی ایران و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت^۲ - مصوب ۱۳۷۷ - تصویب نمود:

در ماده (۱۴) اصلاحی اساسنامه شرکت مادر تخصصی تولید مواد اولیه و سوخت هسته‌ای ایران موضوع بند (۲) تصویب‌نامه شماره ۴۶۸۰۶/۱۵۳۷۲۲/ت/۴۶۸۰۶ هـ مورخ ۱۳۹۰/۸/۲، عبارت «و مؤسسات و شرکت‌های تابعه و وابسته» بعد از عبارت «خارج از سازمان» اضافه می‌شود.]

این اصلاحیه‌ی هم دقیقاً مثل موارد قبلی [اصلاح اساسنامه شرکت فناوری‌های پیشرفته ایران و اصلاح اساسنامه شرکت مادر تخصصی تولید و توسعه انرژی اتمی ایران] است. بنابراین اشکالی ندارد.^۳

۱. اصلاح اساسنامه شرکت مادر تخصصی تولید مواد اولیه و سوخت هسته‌ای ایران در تاریخ ۱۳۹۲/۴/۹ به تصویب هیئت وزیران رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۸۵) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۴۶۸۰۶/۹۱۲۰۴ مورخ ۱۳۹۲/۴/۱۹ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۳، نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۱۵۱۳ مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۳ به هیئت وزیران اعلام کرد.

۲. قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰: «موضوع استفساریه:

آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است، یا اصلاح اساسنامه، که در واقع اصلاح تصمیم دولت است، برعهده هیئت وزیران می‌باشد؟
نظر مجلس:

ماده واحده - هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت واگذار شده است، چون تغییر نظر دولت محسوب می‌شود با هیئت وزیران است.»

۳. نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۱۵۱۳ مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۳ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۴۶۸۰۶/۹۱۲۰۴ مورخ ۱۳۹۲/۴/۱۹، اصلاح اساسنامه شرکت

←



مادر تخصصی تولید مواد اولیه و سوخت هسته‌ای ایران، مصوب جلسه مورخ نهم تیرماه یکهزار و سیصد و نود و دو هیئت وزیران، در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۳ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

موضوع تصویب نامه شماره ۳۰۷۶۳/ت/۳۱۰۵۴ مورخ ۱۳۸۳/۶/۱۸ اضافه می‌گردد:

«تبصره - شرکت مجاز است به استناد ماده (۸۳) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت - مصوب ۱۳۸۰ - عملیات اجرایی قسمتی از پروژه‌های هر یک از طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای را که اعتبار آن از منابع عمومی دولت تأمین می‌شود برای اجرا به واحدهای استانی وزارت راه و شهرسازی واگذار و اعتبار مربوط را براساس ماده (۷۵) قانون محاسبات عمومی کشور ابلاغ نماید.»

→

- فنی و مهندسی در قبال دریافت حق الزحمه
- ۴- تحصیل اعتبار و وام از منابع مختلف اعم از داخلی و خارجی با رعایت قوانین و مقررات مربوط
- ۵- سرمایه‌گذاری به منظور اجرای وظایف سازمان به طور مستقل و یا با مشارکت سرمایه‌گذاران بخش عمومی یا بخش خصوصی اعم از داخلی و خارجی با رعایت مقررات مربوط
- ۶- تجهیز منابع داخل و خارج به منظور سرمایه‌گذاری در پروژه‌های مربوط به وظایف سازمان
- ۷- خرید زمین و ساختمان با رعایت قوانین و مقررات مربوط
- ۸- اجرای سایر موارد ارجاعی یا تفویضی از طرف مجمع عمومی سازمان مرتبط با موضوع فعالیت سازمان و با رعایت این اساسنامه و قوانین و مقررات مربوط.»
۴. ماده (۸۳) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰: «ماده ۸۳- وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و آموزشی و پژوهشی مجازند سهم ادارات و واحدهای سازمانی مذکور از محل اعتبارات مصوب مربوط اعم از هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و از محل درآمد اختصاصی یا اعتبارات اختصاص یافته از محل ردیف‌های مترقیه قانون بودجه را مطابق ماده (۷۵) قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۶/۱ به واحدهای ذی‌ربط ابلاغ نمایند. در موارد مذکور و همچنین دیگر مواردی که براساس مقررات قوانین بودجه و دیگر قوانین و مقررات، عملیات اجرایی تمام یا پروژه‌هایی از هر یک از طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای برای اجرا به دستگاه‌های اجرایی یا نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران واگذار و ابلاغ اعتبار می‌شود. دستگاه یا واحد سازمانی گیرنده اعتبار به عنوان دستگاه صاحب اعتبار مکلف است همچنان براساس شرح فعالیت‌های موافقتنامه‌های متبادله در حدود اعتبارات ابلاغی تخصیص یافته عمل نماید.»
۵. ماده (۷۵) قانون محاسبات عمومی کشور: «ماده ۷۵- مقررات مربوط به نحوه درخواست وجه برای هزینه‌های دستگاه‌های اجرایی در مرکز و شهرستان‌ها و نیز مقررات مربوط به ابلاغ اعتبار و حواله‌های نقدی به موجب دستورالعملی خواهد بود که از طرف وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه و به موقع اجرا گذارده خواهد شد.
- تبصره- حداکثر تا اول اردیبهشت‌ماه هر سال باید بودجه عمرانی مصوب آن سال و اعتبارات کلیه دستگاه‌ها و موافقتنامه‌ها به آنها ابلاغ و مقداری از اعتبارات طبق قانون به دستگاه‌های مجری تخصیص داده شود.»

اصلاح اساسنامه سازمان مجری ساختمان‌ها و

تأسیسات دولتی و عمومی

آقای علیزاده - دستور بعدی، «اصلاح اساسنامه سازمان مجری ساختمان‌ها و تأسیسات دولتی و عمومی»^۱ است. ببینید چه ماده‌ای در اساسنامه اصلاح شده است، آن را بخوانید.

منشی جلسه - [هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۴/۲ بنا به پیشنهاد شماره ۲۰۲۴۰/۱۰۰/۰۲ مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۶ وزارت راه و شهرسازی و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت^۲ - مصوب ۱۳۷۷- تصویب نمود:]

متن زیر به عنوان تبصره به ماده (۴) اساسنامه سازمان مجری ساختمان‌ها و تأسیسات دولتی و عمومی (شرکت مادر تخصصی)^۳

۱. اصلاح اساسنامه سازمان مجری ساختمان‌ها و تأسیسات دولتی و عمومی در تاریخ ۱۳۹۲/۴/۲ به تصویب هیئت وزیران رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۸۵) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۸۲۴۷۶/۳۱۰۵۴ مورخ ۱۳۹۲/۴/۹ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۳، نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۱۵۱۵ مورخ ۹۲/۵/۲۳ به هیئت وزیران اعلام کرد.

۲. قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰: «موضوع استفساریه:

آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است، یا اصلاح اساسنامه، که در واقع اصلاح تصمیم دولت است، برعهده هیئت وزیران می‌باشد؟

نظر مجلس:

ماده واحده- هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت واگذار شده است، چون تغییر نظر دولت محسوب می‌شود با هیئت وزیران است.»

۳. ماده (۴) اساسنامه سازمان مجری ساختمان‌ها و تأسیسات دولتی و عمومی (شرکت مادر تخصصی) مصوب ۱۳۸۳ هیئت وزیران: «ماده ۴- وظایف و اختیارات سازمان به شرح زیر است:

- ۱- تهیه و اجرای طرح‌های ساختمان‌ها و تأسیسات دولتی و عمومی
- ۲- فروش و اجاره دادن ساختمان و تأسیساتی که با سرمایه‌گذاری مستقل یا مشترک احداث می‌شود، طبق قوانین و مقررات مربوط
- ۳- قبول خدمات مدیریت طرح و اجرای ساختمان و یا هرگونه خدمات

←

آقای علیزاده - آقایان به نظرتان این اصلاحیه‌ی اساسنامه اشکالی دارد؟ چون در تبصره تصریح شده که با رعایت قانون مربوطه عمل شود، به نظر می‌رسد که اشکالی نداشته باشد.^۱

۱. نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۱۵۱۵ مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۳ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۸۲۴۷۶/۳۱۰۵۴ مورخ ۱۳۹۲/۴/۹، اصلاح اساسنامه سازمان مجری ساختمان‌ها و تأسیسات دولتی و عمومی (شرکت مادر تخصصی) مصوب جلسه مورخ دوم تیرماه یکهزار و سیصد و نود و دو هیئت وزیران، در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۳ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

اصلاح اساسنامه نمونه شرکت‌های عمران شهر جدید (شهرک‌های زیرمجموعه)

منشی جلسه - دستور بعدی، «اصلاح اساسنامه نمونه شرکت‌های عمران شهر جدید (شهرک‌های زیرمجموعه)»^۱ است. [هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۶ بنا به پیشنهاد شماره ۲۷۳۳/۱۰۰/۰۲ مورخ ۱۳۹۱/۱/۲۷ وزارت راه و شهرسازی و به استناد تبصره (۵) ماده (۱۱) قانون زمین‌شهری^۲ - مصوب ۱۳۶۶ - اساسنامه نمونه شرکت‌های عمران شهر جدید (شرکت‌های زیرمجموعه) را به شرح زیر تصویب نمود:

فصل اول: کلیات

ماده ۱- شرکت عمران شهر جدید که در این اساسنامه به اختصار شرکت نامیده می‌شود، شرکتی سهامی و دولتی و زیرمجموعه شرکت عمران شهرهای جدید (مادر تخصصی) و دارای شخصیت حقوقی مستقل است و بر اساس مفاد این اساسنامه و قوانین و مقررات مربوط فعالیت می‌نماید.

ماده ۲- مرکز اصلی شرکت است و شرکت با تصویب مجمع عمومی می‌تواند برای انجام عملیات و وظایف خود مجری منصوب نماید.

ماده ۳- مدت فعالیت شرکت طبق ماده (۱۲) قانون ایجاد شهرهای

جدید^۳ - مصوب ۱۳۸۰ - و تبصره آن خواهد بود.

ماده ۴- سرمایه شرکت مبلغ میلیون ریال منقسم به یکصد سهم ریالی می‌باشد که تماماً متعلق به شرکت عمران شهرهای جدید (مادر تخصصی) است. [...]

آقای علیزاده - ما قبلاً در شورای نگهبان نسبت به مثل این اساسنامه‌ی نمونه نظر داده‌ایم و به آن اشکال گرفته‌ایم. بنابراین همان ایرادی را که در سابق گرفته‌ایم، عیناً برای این اساسنامه هم بیاورید. باید بگوییم که اساسنامه شرکت‌های عمران هر شهر باید به طور مستقل برای شورا ارسال شود. این اساسنامه‌ی «نمونه» است. اساسنامه‌ی نمونه را که نباید برای ما بفرستند، بلکه باید در هر مورد، اصل اساسنامه‌ی مربوط به هر شهر را برای شورا بفرستند [تا بتوانیم نسبت به آن نظر دهیم].

آقای ابراهیمیان - پس از دستور خارجش کنید.

منشی جلسه - حاج آقای علیزاده، کارشناسان مرکز تحقیقات [شورای نگهبان] هم همین موضوع را گفته‌اند.^۴ سال ۱۳۸۶ [شورای نگهبان در خصوص اساسنامه‌ی نمونه شرکت‌های عمران شهر جدید، چنین نظری داده است].

آقای علیزاده - بله، همان سابقه‌ی قبلی را داشته‌ایم؛ قبلاً هم چنین اساسنامه‌ای را برای ما فرستاده‌اند. ما [= شورای نگهبان] هم باید بگوییم برای هر شهر جدیدی که می‌خواهید شرکت

۳. ماده (۱۲) قانون ایجاد شهرهای جدید مصوب ۱۳۸۰ (اصلاحی

۱۳۹۰/۳/۳۱): «ماده ۱۲- وزارت راه و شهرسازی مکلف است پس از اطمینان از اسکان حداقل ده هزار نفر جمعیت در شهر جدید مراتب را به وزارت کشور اعلام کند. وزارت کشور موظف است نسبت به تشکیل شورای شهر و ایجاد شهرداری در شهر جدید یاد شده حتی اگر طرح شهر جدید به پایان نرسیده باشد اقدام نماید. پس از ایجاد شهرداری، شرکت وابسته یا سازنده شهر جدید موظف است فضاهای عمومی (فضاهای سبز، پارک‌ها، معابر، میداين، گذرگاه‌ها، گورستان و غسلخانه) پیش‌بینی شده در طرح و تأسیسات زیربنایی را پس از تکمیل و آماده شدن نقشه‌ها و اسناد و مدارک مربوط به مجوزها و گواهی‌های صادرشده و نقشه‌های مرحله‌بندی ساخت به صورت بلاعوض به شهرداری تحویل دهد. از این تاریخ، شهر جدید در زمره سایر شهرهای کشور محسوب می‌شود.»

۴. «مضمون این اساسنامه، اساسنامه نمونه است که با مفاد اصل (۸۵) قانون اساسی مبنی بر صلاحیت هیئت وزیران بر تصویب دائمی اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت مطابقت نداشته و لذا قابل طرح در شورای نگهبان به نظر نمی‌رسد. لازم به ذکر است مشابه چنین نظری قبلاً طی نامه شماره ۸۶/۳۰/۲۱۱۷۱ مورخ ۱۳۸۶/۲/۲۵ قائم مقام دبیر شورای نگهبان خطاب به معاون اول رئیس جمهور اعلام گردیده بود.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (مرکز تحقیقات شورای نگهبان)، شماره ۹۲۰۴۰۱۲، مورخ ۱۳۹۲/۴/۲۶، ص ۷، قابل مشاهده در نشانی: <http://yon.ir/OKA3>

۱. اصلاح اساسنامه نمونه شرکت‌های عمران شهر جدید (شهرک‌های زیرمجموعه) در تاریخ ۱۳۹۲/۳/۲۶ به تصویب هیئت وزیران رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۸۵) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۴۸۰۳۶/۸۲۳۲۶ مورخ ۱۳۹۲/۴/۹ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه، با این دلیل که اساسنامه‌ی ارسال‌شده، «اساسنامه نمونه» است، نه اساسنامه‌ی مربوط به شرکتی معین و مشخص، آن را غیر قابل طرح در شورای نگهبان اعلام کرد. نظر شورا، طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۱۵۱۱ مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۳ به هیئت وزیران اعلام شد.

۲. ماده (۱۱) قانون زمین‌شهری مصوب ۱۳۶۶: «ماده ۱۱- وزارت مسکن و شهرسازی موظف است بر اساس سیاست عمومی کشور طبق آیین‌نامه اجرایی نسبت به آماده‌سازی یا عمران و واگذاری زمین‌های خود مطابق طرح‌های مصوب قانونی اقدام کند.

تبصره ۵- وزارت مسکن و شهرسازی در جهت اجرای مفاد این ماده و ایجاد شهرها و شهرک‌ها با رعایت ضوابط و مقررات مربوطه می‌تواند نسبت به تشکیل شرکت‌های عمرانی و ساختمانی رأساً و یا با مشارکت بخش غیردولتی اقدام نماید.

اساسنامه این قبیل شرکت‌ها به پیشنهاد وزارت مذکور به تصویب هیئت دولت خواهد رسید.»

عمران ایجاد کنید، اساسنامه‌ی آن را تصویب کنید و برای ما بفرستید، تا ما نسبت به آن اظهار نظر کنیم.

منشی جلسه - حاج آقای علیزاده، عین همان نظر قبلی شورای نگهبان را برای مجلس بفرستیم؟

آقای علیزاده - بله، عین همان نظر سابق را باید بفرستیم. هیئت دولت قبلاً هم برای برخی دیگر از شرکت‌های دولتی^۱ همین‌طوری یک اساسنامه‌ی کلی به عنوان «اساسنامه نمونه» فرستاده‌اند؛ یعنی گفته‌اند که این اساسنامه «برای نمونه» است. ما که نباید اساسنامه‌ی نمونه را تأیید کنیم، بلکه باید اصل آن را تأیید کنیم. این مصوبه را برگردانید. آمده‌اند در متن این مصوبه، جای همه چیز [از جمله نام شرکت عمران، مرکز اصلی شرکت و میزان سرمایه آن] را خالی گذاشته‌اند! خب، این که اساسنامه نیست. هیئت دولت باید یکی یکی اساسنامه‌ی مربوط به هر شرکت را تصویب کند و بفرستد تا ما نسبت به هر مورد نظر بدهیم.^۲

۱. هیئت وزیران پیش‌تر برای اساسنامه شرکت‌های مستقل دولتی تولید نیروی برق مصوب ۱۳۸۶/۱/۲۲ نیز مبادرت به تصویب اساسنامه نمونه برای این شرکت‌ها و ارسال آن به شورای نگهبان کرده بود که شورای نگهبان، در نظر شماره ۸۶/۳۰/۲۱۱۷۱ مورخ ۱۳۸۶/۲/۲۵، در این رابطه چنین اظهار نظر کرده است: «عطف به نامه شماره ۳۵۹۶۰/۱۰۸۵۰ مورخ ۱۳۸۶/۱/۲۸ اشعار می‌دارد: مضمون اساسنامه جلسه مورخ ۱۳۸۶/۱/۲۲ هیئت وزیران، اساسنامه نمونه است که قابل طرح در شورا نمی‌باشد؛ لازم است اساسنامه‌های ارسالی مربوط به شرکت و یا سازمان معینی باشد تا بتوان آنها را در شورای نگهبان مطرح نمود.»

۲. نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۱۵۱۱ مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۳: «عطف به نامه شماره ۴۸۰۳۶/۸۲۳۴۶ مورخ ۱۳۹۲/۴/۹ اشعار می‌دارد: نظر به اینکه مضمون اساسنامه جلسه مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۶ هیئت محترم وزیران، اساسنامه نمونه است، قابل طرح در شورا نگهبان نمی‌باشد، بلکه باید بدو اساسنامه مربوط به شرکت و یا سازمان معینی در هیئت وزیران تصویب، سپس جهت اظهار نظر به این شورا ارسال شود.»

اساسنامه شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت

آقای علیزاده - هیئت دولت خیلی پیگیر مصوبه‌ی «اساسنامه شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت» است. این اساسنامه را بخوانید تا ببینیم محتوایش چیست.^۱

منشی جلسه - هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۹ بنا به پیشنهاد وزارت نفت به استناد ماده (۹) قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی - مصوب ۱۳۸۹- اساسنامه شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت را به شرح زیر اصلاح و تصویب نمود:
اساسنامه شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت

فصل اول- کلیات و سرمایه^۲

۱. اساسنامه شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت در تاریخ ۱۳۹۲/۳/۲۹ به تصویب هیئت وزیران رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۸۵) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۴۷۳۱۳/۸۲۳۳۹ مورخ ۱۳۹۲/۴/۹ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۵/۳۰، نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۱۵۶۵ مورخ ۱۳۹۲/۵/۳۰ به هیئت وزیران اعلام کرد.

۲. بررسی این مصوبه، در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۵/۳۰ شورای نگهبان ادامه یافته است.